

نبرد خلق

ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۰۷، یکشنبه اول بهمن ۱۳۹۷ - ۲۱ ژانویه ۲۰۱۹

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامح

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

در این شماره می خوانید:

در سوگ فقدان مادر امیرشکاری - مهدی سامحص ۲

آمریکا؛ خروج از سوریه به کدام سو؟- منصور امانص ۳

پاسخ دیکتاتور ضد بشر به خیزش نیروهای کار- زینت میرهاشمیص ۶

چرا باید برای سوسیالیسم مبارزه کرد (۳) // سوسیالیسم و حقوق بشر- لیلا جدیدیص ۱۰

از زبان کودکان میهنم/ فاطمه - م . وحیدیص ۱۵

چالشهای معلمان (دی ۹۷)- فرنگیس بایقرهص ۱۶

دانشگاه در ماهی که گذشت (دی ۹۷) - کامران عالمی نژادص ۲۱

کارورزان سلامت (دی ۹۷) - امید برهانیص ۲۸

زنان در مسیر رهایی (دی ۹۷)- اسد طاهریص ۳۳

رویدادهای هنری ماه (دی ۹۷) - فتح الله کیائیهص ۳۷

بحران بی آبی و خیزش تشنگان (دی ۹۷) - زینت میرهاشمیص ۴۱

سپیدار و آینه - م . وحیدی (صبح)ص ۴۷

رساندن داستان به انتها - دانیل دان/ فرایتاگ/ برگردان: بابکص ۴۸

ضرورت به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای مقاومت و آزادیص ۵۱

نامه سرگشاده گلرخ ابراهیمی ایرایی از زندان اوینص ۵۲

نامه اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعاتص ۵۳

به بهانه ۱۹ دی ماه، نوزدهمین سال زندانم - سعید ماسوریص ۵۴

جنبش رنگین کمان بیشماران (دی ۹۷) - زینت میرهاشمیص ۵۶

شعبده «طراحی سوخته»، تدبیر خامنه ای - مهدی سامحص ۷۱

شهادت فدایی در بهمن ماهص ۷۸

در سوگ فقدان مادر امیرشکاری



با اندوه بسیار در روز شنبه ۲۹ دی ۱۳۹۷، مادر امیرشکاری (بانو گل بس سلاجقه)، مادر سه رزمنده فدایی خلق، ما را ترک کرد.

بنا به اطلاعیه مادران پارک لاله «خانواده های دادخواه دهه ۶۰، از جمله مادر امیرشکاری، در بدترین شرایط و زیر تیغ حکومتی که و زیر تیغ حکومتی که به شدت سرکوب و شکنجه و تهدید می کرد، خانواده های خاوران را یافتند و به صورت جمعی و با جسارت در برابر

بیدادگران ایستادند تا بتوانند صدای دادخواهی عزیزان شان را زنده نگاه دارند و این صدا هر روز بلندتر و بلندتر شد و صدای شان را به سراسر دنیا رساندند.»

سه فرزند انقلابی مادر امیر شکاری، حمید، سعید و علی امیرشکاری به دست مزدوران رژیم ولایت فقیه به شهادت رسیدند و مادر امیرشکاری با پایداری و تحمل صبورانه داغ فرزندان اش، برای دادخواهی از بیداد ستمگران حاکم بر ایران در صف جنبش دادخواهی مبارزه و مقاومت کرد.

فقدان مادر امیرشکاری را از طرف خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خانواده امیرشکاری، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به همه آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع

یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۷ - ۲۰ ژانویه ۲۰۱۹



فراسوی خبرها.....

رشوه توتال ؛ یک پرونده باز - منصور امانص ۷۳

مردم ایران ۸ برابر متوسط جهانی می سوزند - زینت میرهاشمیص ۷۴

چالش اسماعیل بخشی با حاکمیت تبهکار - زینت میرهاشمیص ۷۴

قطار تحریمها از ایستگاه اول گذر کرده - منصور امانص ۷۵

روی مدار درگیری با آمریکا به هزینه چه کسی؟ - منصور امانص ۷۶

قربانی شدن کودکان سیستان و بلوچستان برای توسعه کرپلا - زینت میرهاشمیص ۷۷

رونمایی از هزینه های کلان جنگ نیابتی رژیم - زینت میرهاشمیص ۷۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی
زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

آمریکا؛ خروج از سوریه به کدام سو؟

منصور امان

اعلام خروج آمریکا از سوریه نه چندان غیرمنتظره و نه با نگاه به مساله قدرت سیاسی در سوریه، تحولی جدید است. این اقدام فقط پروسه پُر فراز و نشیب سیاست سوری ایالات متحده را تداوم بخشیده و به رویکرد نامتوازن آن در این بحران بین المللی صراحت بیشتری داده است. بازنده تصمیم آقای ترامپ مردم معترضی که از روزهای آغازین ۲۰۱۱ علیه رژیم اسدها در "دمشق"، "درعا" و "حمص" به خیابان آمدند نیستند. آمریکا در هیچ دوره ای متحد آنها در این نبرد نبوده است. اما طرف بازنده ای هم وجود دارد و آن گروه‌های سوریه هستند که روی یال تضاد داعش و غرب نشسته و امید داشتند به کمک سیاسی و نظامی آمریکا به خودگردانی و رهایی ملی دست یابند.

تداوم دوگانگی از اوباما تا ترامپ

اگرچه سیاست آمریکا در سوریه در بسیاری پهنه ها ناهمگون بوده است، اما همزمان دارای یک وجه ثابت نیز هست که چونان نخ ریسمان، حلقه های رویکرد آقایان اوباما و ترامپ را به یکدیگر پیوند می دهد. آمریکای دوران آقای اوباما ابتدا سرسختانه از جبهه گیری عملی به سود اپوزیسیون دموکراتیک سوریه و توده هایی که علیه رژیم حاکم قیام کرده بودند، خودداری کرد. ثبات سیاسی در سوریه، فاکتوری که بیش از همه همسایگان اسرائیلی آقای اسد از آن بهره می بردند، در اتخاذ این سیاست نقش مهمی بازی می کرد.

واشنگتن آلترناتیو مطلوب خود برای رژیم اسدها را نداشت و به مخالفان آن نیز به دیده شک و تردید می نگریست. در این چارچوب، حفظ سیستم سیاسی و نظامی سوریه برای جلوگیری از آنچه که "هرج و مرج" نامیده می شد، جای گرفته بود. تاکید کاخ سفید بر اینکه راه حل سیاسی با وجود فشار اسد در قدرت ممکن نیست، مفهوم دیگری جز کنار گذاشتن سر سیستم و حفظ خود آن نداشت. این سرچشمه دوگانگی سیاست آمریکا در سوریه است که چونان خطی پیوسته به دوره کنونی امتداد یافته است.

اندکی بعد و با باز شدن پای القاعده و داعش به سوریه، ارجحیتهای دیگری نیز به معادله پیشین افزوده شد. این بار "جنگ علیه ترور" مساله قدرت سیاسی در سوریه را به انتهای صف پرتاب می کرد. بر این پایه آمریکا تاکید می کرد که در سوریه تنها علیه القاعده و داعش می جنگد و ارتش آن در این راستا از هر گونه درگیری مستقیم با ارتش اسد و متحدان بعدی آن سپاه پاسداران، حزب الله لبنان، مزدوران افغانستانی و عراقی خودداری می کرد. "جنگ علیه ترور" آمریکا در سوریه با هر درجه از شدت و هر میزان از موفقیت اما قادر نبود روشن کند که این کشور چه راه حلی برای پایان دادن به بحران سوریه و جنگ داخلی آن دارد. نمایان تنها این واقعیت بود که خط مشی آمریکا به خوبی از قدرت گرفتن نیروها و گرایشهای دموکراتیک و سکولار در سوریه جلوگیری می کند و همزمان پلاتفرمی برای حل و فصل بحران هسته ای رژیم مَلاها در اختیار آن می گذارد.

چهره تازه ای از سیاست آمریکا

آقای ترامپ این سردرگمی سیاسی و استراتژیک را به نقطه اوج رساند. حمله موشکی او به پایگاه هوایی "العشیرات" چه از نظر نظامی و چه از حیث سیاسی بی اهمیت و حداکثر ارزشی نمادین و نمایشی داشت و به گونه درخشانی فقدان یک سیاست روشن و حرکت در امتداد آن را به تماشا می گذاشت. اکنون و کمتر از دو سال بعد از این حمله که او آن را با "حمایت از زنان و کودکان" مدلل کرد، سیاست نامتعادل آمریکا چهره تازه ای به خود گرفته و این بار در جامه خروج از سوریه پدیدار شده است.

آقای ترامپ مدعی ست که داعش شکست خورده و به این ترتیب ماموریت آمریکا در سوریه نیز به پایان رسیده است. تنها چند هفته پس از نواخته شدن شیپور پیروزی در کاخ سفید، حمله انتحاری داعش در "منبج" که در جریان آن دستکم

۱۶ نفر از جمله ۴ نظامی آمریکایی کشته شدند، نشان داد که اگرچه حکومت اسلامی (داعش) بخشهای زیادی از قلمرو جغرافیایی خود را از دست داده، این اما هرگز به معنای پاک شدن آن از صفحه روزگار نیست. شرایط سیاسی و اجتماعی که در سوریه و عراق مُنجر به پیدایش القاعده و داعش در سوریه گردید، به لطف آقای اسد و متحدان شیعی اش از ایران و لبنان، حاصلخیز و پر ثمر همچنان بر سر جای خود باقی مانده. بنیادگرایان سنی در قالب داعش یا گروههای دیگری که بی تردید شکل خواهند گرفت، بر این زمین حاصلخیز همچنان گام می زنند.

مهمتر از این استدلال بی پایه آقای ترامپ، ابهامات پُرشماری است که تصمیم او ایجاد کرده. در پیشاپیش این نقاط ناروشن، مساله روز و مشخص تاخت و تاز جمهوری اسلامی و مُزدوران آن در سوریه است. واقعیت آن است که در جریان جنگی خونین و وحشیانه، سوریه به پایگاهی برای برآوردن آرزوهای توسعه طلبانه جمهوری اسلامی و سیاست صدور بنیادگرایی آن بدل گردیده است.

با خروج نظامی از سوریه، آمریکا یک ابزار اصلی تاثیرگذاری سیاسی در این کشور جنگ زده را از دست می دهد. تغییر توازن در این جهت، به خودی خود نقش دیگر بازیگرانی که در صحنه جنگ حضور دارند و از جمله آنها رژیم جمهوری اسلامی را پُر رنگ تر کرده و توانایی مداخله و شکل دهی آنان به روندهای گوناگونی که اکنون و آینده سوریه را تعیین می کند را به گونه توجّه پذیری تقویت می کند. بدون داشتن کارت برنده ای مانند حضور موثر در شمال سوریه و منطقه گردنشین، صندلی آمریکا در مذاکرات آتی بر سر آینده این کشور تنها در حاشیه میز قرار خواهد داشت.

از سوی دیگر، چالش حل نشده گریزور زمینی تهران - لاذقیه ناهمگونی بزرگ دیگری را بین سیاست اعلام شده آمریکا و عمل مُستقیم آن آشکار می سازد. حضور نظامی آمریکا در منطقه مرزی سوریه - عراق تاکنون مانع از ایجاد این شاهراه تدارکاتی، نظامی و اقتصادی گردیده است. پایگاههای نظامی و دیده بانی آمریکا در طول خط مرزی، حاکمان جنگ افروز ایران را ناچار ساخت نقشه ایجاد این گریزور از نزدیکترین و - از نظر نظامی - مناسب ترین مسیر در شمال سوریه را کنار بگذارند و به تلاش برای کشیدن مسیری پُر مخاطره و طولانی تر از شرق و مرکز سوریه روی بیاورند. با خالی شدن این مواضع، اکنون کارتها دوباره بر می خورد و طرح گریزور بنیادگرایی و تروریسم از "سنجار" و "کوبانی" دوباره در دستور کار مبتکران آن قرار می گیرد؛ تحوّل که در صورت به واقعیت پیوستن، به گونه دقیق در عکس اهداف اعلام شده آمریکا به حرکت در خواهد آمد.

آمریکا نخست؟

تصمیم به خروج از سوریه در چارچوب سیاست خارجی یکجانبه گرایانه آقای ترامپ گرفته شده که در شعار "آمریکا نخست" اختصار می یابد. مُرور رویکرد پس زنده آمریکا در این دوره نسبت به پیمانها، قرارها و توافقات تجاری، اقلیمی، مهاجرتی و گمرکی بین المللی به خوبی بیانگر آن است که این رویکرد بیش از آنکه منطق سیاسی داشته باشد، از محاسبات ساده تجاری پیروی می کند.

آقای ترامپ، بساز و بفروش پیشین، سیاست خارجی تنها ابر قدرت بازمانده از جنگ سرد را با فرمان چُر تکه و ماشین حساب هدایت می کند و بر این اساس به نقش رهبری کننده آمریکا در جهان سرمایه داری که مُستلزم سرمایه گذاریهای کلان مالی، نظامی و سیاسی است، به چشم یک معامله بیهوده و پُر ضرر می نگرد. امتیازها و فرصتهایی که ایالات متحده به لطف این موقعیت انحصاری بدست می آورد و پایه هژمونی آن محسوب می شود و ضرب و تقسیم این منافع در یک چارچوب استراتژیک و تاریخی، در جدول مُحاسبه سالانه سود و زیان آقای ترامپ و تیم او جا نمی گیرد؛ توجّه آنها به منافع آنی، نقد و مُحاسبه پذیر با اعداد است. رویکرد یاد شده در مورد سوریه اینگونه فرمولیزه می شود: "ما از سرمایه های عظیم صُحبت نمی کنیم، ما از شن و مرگ صُحبت می کنیم" (توضیح آقای ترامپ در باره تصمیم به خروج از سوریه).

آنچه که از دایره محدود دید این سیاست پنهان می ماند، اهمیت حضور در سوریه برای اهدافی کلان تر از خاک حاصلخیز و طبیعت سرسبز است. در صدر اهداف مزبور دفاع از منافع امپریالیسم جهان گستر قرار دارد که حوزه شمول آن قلمروی از آفریقا تا آمریکای لاتین و از آسیا تا اُقیانوسیه و اروپا را در برمی گیرد. داشتن نفوذ در این پهنه به معنای تحکیم پایه

های سیاسی و اقتصادی مناسباتی است که نظم آمریکایی بر آن آسوده است. موقعیت برتر ایالات متحده در توازن جهانی، بیش از همه حاصل گشودن بازارهای جدیدی از کالا و نیروی کار ارزان و منابعی از مواد خام است که قوانین گرداننده آن توسط یک ماشین سیاسی و نظامی منحصراً بفرود دیکته و حفاظت می شود. این دو ابزارهایی هستند که آمریکا به کمک آنها نه فقط از منافع به دست آورده خود در برابر عوامل محلی، بلکه رقیبان بزرگ تر در بُعد جهانی پاسداری می کند. برای مثال، هزینه نظامی آمریکا در سوریه، یک سرمایه گذاری مفید برای دور نگه داشتن روسیه از حوزه منافع آمریکا در جهان عرب نیز می تواند به حساب بیاید؛ روسیه ای که روابط سیاسی و اقتصادی خود را در تمام جهان عرب توسعه داده و تثبیت کرده و در سوریه به عنوان قدرت حافظ نظم موجود شناخته شده است.

بر این اساس هیچیک از رویکردهای آقای ترامپ در چارچوب سیاست "آمریکا نخست" را نمی توان بر پایه یک استراتژی قابل دید و ارزیابی به حساب آورد. هیچیک از راهکارهای او با اثبات یک موقعیت یا پیشنهاد گزینه ای همراهی نمی شود. پهنای فکری طرحهای کاخ سفید در وسعت پیامهای توییتی آقای ترامپ متوقف می شود و تنها لحظه ای ساده از جریان واقعیتهای پیچیده را بازتاب می دهد.

کردها

بازی آقای ترامپ با سرنوشت کردهای سوریه از این جمله است که تجربه ای تلخ را تکرار می کند که در هر چارسوی کردستان در دوره های تاریخی مختلف آزموده شده. "حزب اتحاد دموکراتیک" که نقش رهبری کننده مبارزه مردم کردستان سوریه را ایفا می کند، از هنگام آغاز خیزش در سوریه در سال ۲۰۱۱، دچار نوسانهای سیاسی گوناگونی گردیده که آن را از اتخاذ خطی مشی مستقل و با ثبات ناتوان کرده است. این حزب چونان جریان مادر خود (پ.ک.ک) پیش از آغاز قیام در "درعا" و "دمشق"، رابطه نزدیکی با رژیم اسد داشت و پس از آن نیز کوشید حساب جداگانه ای برای کردستان سوریه زیر شعار خودگردانی و راه اندازی گمونها باز کند. امر سراسری دموکراسی و غلبه بر دیکتاتوری بشار اسد در انگاشت این حزب جایی نداشت و در توازن با امر ملی گرد، فرعی ارزیابی می شد.

این سیاست قوم گرایانه، با استراتژی جنگی حاکمان سوریه که استفاده از قومی گرایی را برای جلوگیری از شکل گیری و تمرکز جبهه توده بر سر در ستادش نوشته بود، به خوبی همخوانی دارد. به همین دلیل نیز آقای بشار اسد حاضر به دادن خودمختاری به کردها گردید، درست در همان زمانی که علیه کانونهای قیام دست به کار می شد.

"پراکنده کن و فرمان بران" این چکیده سیاستی است که نه فقط رژیم سوریه، بلکه حاکمان ایران، بنیادگرایان سنی، ترکیه، روسیه و آمریکا نیز در سوریه مشق می کنند. تلاش اینان ایجاد جزیره های جدا از هم از بخشهای جامعه است که یا به آسانی پایش شوند و یا چونان "حزب اتحاد دموکراتیک" در تلاش برای برآوردن مطالبات شان، در دور باطلی از بازیهای سیاسی گرفتار شده و بین سنگهای آسیاب قدرتهایی که از آنها امید مدد دارند، فرسایش یابند. "حزب اتحاد دموکراتیک" برای تبدیل شدن به توپ بازی آمریکا و ترکیه، راه درازی را با دیگر هم پیمانانش پیموده است: ابتدا اتحاد شوروی، سپس رژیم اسد و روسیه، آنگاه آمریکا و اینک دوباره اسد و به بیان دقیق تر رژیم جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان. طبیعی است که یک شرط دمشق و متحدانش برای حمایت از "حزب اتحاد دموکراتیک"، جبهه گیری عملی آنها علیه گروههای مخالف یا مزاحم آقای اسد و حامیانش خواهد بود.

برآمد

میدان کشمکش سوریه با تصمیم آقای ترامپ، رونقی تازه از آشوب و بحران می گیرد که در گردوغبار آن بیش از همه نیروهای ارتجاعی، بنیادگرا و جنگ طلب به تاخت درمی آیند. مرداب مسمومی که در آن ویروسهایی همچون داعش و حزب الله، جمهوری اسلامی و جبهه النصره، روسیه و بشار اسد نشو و نما می کنند، جرم غلیظ تری یافته است. تهدیدهای ترکیه علیه کردها و مناطق خودگردان که از آن بوی خون به مشام می رسد، فقط پیش درآمد این شرایط است. راه اندازی گریز دور "هلال شیعی" می تواند سناریوی بعدی باشد. آمریکا از سوریه بیرون می رود تا دوباره به درون آن پرتاب شود.

پاسخ دیکتاتور ضد بشر به خیزش نیروهای کار واحدهای تولیدی را به صورت گُلنگی حراج می کند

زینت میرهاشمی

جنبشهای اعتراضی که این روزها در گوشه و کنار ایران زمین با خواسته های مشخص همراه با شعارهای هدفمند، در جریان است، تمامی پیکر نظام جمهوری اسلامی را زیر ضرب گرفته است.



هراس رژیم در برابر تسخیر خیابانهای شوش و اهواز توسط کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز خود را در دستگیریهای وحشیانه نمایندگان کارگران و فعالان کارگری همراه با پرونده سازیهای سنگین نشان داد.

در دی ماه شاهد چندین حرکت اعتراضی از طرف معلمان، فرهنگیان و بازنشستگان بودیم. یورش آتش به اختیاران ولی فقیه با باطوم و گاز اشک آور به تجمع اعتراضی معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در اصفهان همراه با دستگیری دهها تن از آنان، معنی واقعی حرفهای ضد و نقیض پایوران ریز و درشت حکومت را نشان می دهد. کارگزاران حکومت و منجمله ولی فقیه نظام همچنان در کابوس خیزشهای مردمی مجبورند حرفهایی بر زبان آورند که با اندکی فاصله با توده های از جانب خودشان روبرو می شوند.

حرکتهای اعتراضی بی سابقه از نظر کمیت و کیفیت با خواسته هایی مشخص، برای دیکتاتوری ولایت فقیه بیش از هر هنگام گران تمام شده است. رژیم با سرکوب و فشار در داخل و با دخالتهای آشوبگرانه در منطقه، امنیت نظامش را حفظ می کند.

از این منظر، هر حرکتی که سکوت را بشکند، شب سرنگونی را هر چه بیشتر واقعی و زمینی می کند. در حالی که کارگران در حرکتهای اعتراضی با بیان گرسنگی خود و خانواده های شان خواستار حقوقهای خود شدند، رژیم با شیوه های ضد بشری و دفاع تمام قد از سرمایه داران رانت خوار و زیره خوار حکومتی، به مبارزه صنفی کارگران خصلت سیاسی داد.

باطوم، گاز اشک آور، ضرب و شتم و دستگیری پاسخ حکومت به خواسته های حق طلبانه نیروهای کار است. برخورد خشونت آمیز رژیم به معنی آن است که تحقق خواسته های توده های مردم با نظام در تمامیت آن عملی نیست. بر همین منظر مافیای حکومتی زیر توفان خشم مردمی قرار گرفته و همین خشم و نفرت است که پایوران رژیم را به وحشت انداخته و همین بی توجهی به خواسته های کارگران و همزمان ترس رژیم از گسترش جنبش کارگری موجب وارد شدن عامل سیاسی به جنبش صنفی می شود.

حسن روحانی تحریمها و خروج آمریکا از برجام را نتیجه قیام مردمی دی ماه سال ۹۶ دانسته و وزیر کشور او خیزشهای دی ماه را «اختلاف خانوادگی» اعلام کرده است. منظور او از اختلاف خانوادگی این است که این قیامها نه حرکتی علیه کل نظام که نارضایتی در درون خانواده نظام بوده است.

پایوران رژیم در دی ماه، به مناسبت روز ۹ دی سال ۱۳۸۸، تلاش کردند تا با حقه بازی آخوندی رژیم ورشکسته ولایت فقیه را پیروز جدال مردم با حکومت نشان دهند.

صاحبان غل و زنجیر و چوبه های دار، همواره در سالگرد قیام مردمی در روز ۶ دی ماه ۱۳۸۸ (روز عاشورا)، به قدرت سرکوب خود می بالند، اما تداوم حرکت‌های مردمی از دی ماه سال ۸۸ تا دی ماه سال ۹۶ و تا امروز ... به درستی نشان می دهد که در رویارویی بین رژیم و مردم، که به طور آشکار و در کف خیابان جریان دارد، این مردم هستند که پیروز و فاتح این رویداد هستند. روانشناسی مردم طی ۹ سال گذشته بر مبنای «تغییر» از بیرون حاکمیت شکل گرفته است. روانشناسی تغییر هر روز و هر لحظه پر قدرت تر از پیش خود را در کف خیابان، در کارخانه، در مدارس و در دانشگاه نشان می دهد. این مالکان چوبه های دار و اعدام هستند که از ترس قدرت مردم همه روزنه های مبارزه مردم را بسته اند و این خود گواه ورشکستگی حکومت در مقابل قدرت مردم است.

بر همین منظر می توان گفت زمینی که زیر پای حکومت در سال ۱۳۸۸ لرزید، شکاف بین حکومت و مردم را آن چنان افزایش داد که با هیچ ترفندی مهار شدنی نیست.

از تظاهرات کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه صنعتی فولاد اهواز تا گردهم‌آئیهای اعتراضی معلمان و فرهنگیان، بازنشستگان، کشاورزان اصفهان، کامیونداران و ... همه اینها بالندگی جنبشهای مردمی را نشان می دهد. شعارهای رو به جلو و مطالبات عادلانه و آگاهانه این جنبشها، چشم اندازهای روشنی برای تغییر را نشان می دهد. چشم اندازهایی که نشان دهنده بازنده بودن رژیم در رویداد قیام سراسری سال ۸۸ تا امروز است. خیزشی که همچنان ادامه دارد.

حاشیه امن برای سرمایه داران

اظهار نظر مدیر عامل سازماندهی مشاغل تهران در رابطه با خودسوزی دستفروشان و فرار اسد بیگی مالک کارخانه نیشکر هفت تپه، دو نمونه قابل تامل است.

مدیر عامل سازماندهی مشاغل تهران، روز یکشنبه ۹ دی ماه بیشترمانه دستفروشانی که در برابر چپاول وسایل محقرشان اقدام به خودسوزی کرده اند را مافیایی دانسته که «حاشیه امن» برای خود ساخته و در نتیجه باید «اقدامی علیه آنان» انجام داد. اگر این دستفروش بیچاره که برای بر باد رفتن مال اندکش خود را آتش می زند به باندهای مافیایی وصل بود، می توانست مانند اسد بیگی ها پولها را زیر بغل گذاشته و فرار کند. پرونده های تخلفهای اقتصادی او، و در کنار آن زندانی کردن کارگران نیشکر هفت تپه، تاییدی بر شعارهای کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه است که گفتند: دزدان آزادند، کارگران زندانند.

حمایت بی چون و چرای رئیس سازمان خصوصی سازی و دیگر کارگزاران رژیم از اسد بیگی از همان ابتدای اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و یورش به خانه های کارگران و دستگیری آنها، فرصتی برای فرار او به وجود آورد. دستگاه عریض و طویل امنیتی رژیم توضیح نمی دهد که چه شرایط و امکاناتی برای این ستمکار وجود داشته که توانسته فرار کند.

بنا بر گفته بیدادستان تهران در اول آبان «فردی در خوزستان شرکتی را خریداری کرده و از سال ۹۴ تا ۹۶ حدود ۸۰۰ میلیون دلار گرفته و تاکنون تعهدات ارزی خود را انجام نداده و در حال حاضر متواری است». بنا به گفته ی کارگران هفت تپه، اسد بیگی از فامیل رئیس دادگستری شوش است. اگر او از مافیای حکومتی نبود، کارخانه نیشکر را با شش میلیارد تومان ناقابل تصاحب نمی کرد. فرار این عضو مافیای حکومتی در حالی است که علی نجاتی، نماینده کارگران نیشکر هفت تپه و تعدادی از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه همچنان در زندان هستند.

روز چهارشنبه ۱۲ دی امسال خبرگزاری حکومتی ایلنا گزارشی با عنوان «روایت رنجهای کارگران نیشکر هفت تپه» منتشر کرد که از خلال صحبت‌های کارگران که در این گزارش درج شده، می توان حاشیه امنی که برای سرمایه داران رانتی ایجاد شده را درک کرد.

در این گزارش آمده است: «کارگران از وضعیت بلاتکلیف شرکت و کارفرمایان خصوصی ناراضی اند و می گویند از زمانی که شرکت خصوصی شد، مشکلات آغاز شد. خصوصی سازی را به باد انتقاد می گیرند و می گویند که موجب تاراج داراییهای شرکت شده است. به قول یکی از کارگران، هفتتپه همچون ورزایی [گاو نر] مرده و افکنده بر زمین است که عده

ای با چاقو بر سر پیکر بیجان آن ایستاده، و هر یک به دنبال دریدن تکه ای با هدف برداشتن سهم خودش است. میگویند: عین بختک افتادند روی شرکت، هر چیزی بود را غارت کردند. کارهایی اینجا کردند که باعث خشم و غیرتی شدن کارگران شد.» در پایان گزارش آمده است: «آنچه که براساس صحبت‌های آنها مسلم است، این است که رها کردن این مجموعه بزرگ به حال خود و چوب حراج زدن به آن از سوی دولت و فروشش به بخش خصوصی ناکارآمد و دلال مسلک، نه تنها مشکلات اقتصادی - معیشتی گسترده بلکه معضلات اجتماعی فراوانی را برای این منطقه که اقتصادشان تا حد زیادی وابسته به چرخه های فعالیتی این شرکت شکل گرفته، ایجاد خواهد کرد.»

واحدهای تولیدی را به صورت گلنگی حراج می کنند

یکی از فاجعه های کشور ما تاراج واحدهای تولیدی است. فروش گلنگی این واحدهای تولیدی و به دنبال آن بیکار کردن کارگران این واحدها با عنوان تعدیل نیرو و در مواردی تعطیل کارخانه و فروش زمین آن با قیمت نجومی به شیوه عادی تبدیل شده است. در این گونه خصوصی سازیها که به درستی به «خصوصی سازی» یا «اختصاصی سازی» مشهور شده نه شفافیت رعایت می شود و نه قانونی که خودشان در مورد واگذاری تصویب کرده اند اجرا می شود. کارشناسان برآورد می کنند که حاکمیت از ابتدای اجرای قانون خصوصی سازی، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد داشته است. دلال، رانت بگیران، کارچاق کنها، وابستگان به قدرت و ... در صف اول این غارت قرار دارند.

حسین راغفر از اقتصاددانان حکومتی پیرامون خصوصی سازی می گوید: «خیلی از افرادی با این روشها شرکتهای دولتی را تصاحب کردند، در محاکم قضایی پرونده دارند اما پرونده های آنها زمانی منتشر می شود که لازم باشد! در واقع این پرونده ها شمشیر "داموکلس" است که بالای سر آنها نگه داشته اند تا هر موقع که لازم شد فرود آورند. تازه یک نفر نیست که این اعمال را مرتکب می شود؛ اینها یک مجموعه هستند و در دستگاههای مختلف برای خود شبکه درست کرده اند. ...شرکتهایی که در قالب خصوصی سازی به فروش رسیدند یا پاساژ شد یا در آنها ساختمان سازی شد. کسی هم بخواهد خارج از شبکه فعالیت کند و بقیه را دور بزند دمار از روزگارش درمی آورند... سیاستهای دولتها در زمینه خصوصی سازی و فقرزدایی، فارغ از جناح بندیهای سیاسی آنها "فاجعه بار" است و آنها تنها به لایه های قدرت پاسخگو هستند نه مردم.» (ایلنا، پنجشنبه ۲۷ دی ۹۷)

یک مجلس نشین از طرفه در مورد فروش غارت گونه نیشکر هفت تپه گفت: «مجمع ۲۴ هزار هکتاری، نیشکر هفت تپه، ۸ هزار میلیارد تومان ارزش دارد که در ابتدا به ۲۶۰۰ میلیارد تومان و در نهایت به ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروخته شد که در حقیقت غارت صورت گرفته است.» (ایلنا، چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۷)

اکبر اعلمی، از مجلس نشینان دوره های ششم و هفتم، در روز آدینه ۲۸ دی در گفتگو با خبرنگار ایلنا به نکته جالبی دست گذاشته است. او می گوید: «آیا متولیان خصوصی سازی حاضرند با این استدلال که کسی پیشنهاد قیمت بالاتر را نمی دهد منزل خود را به یک دهم قیمت عادلانه آن واگذار کنند؟! آیا آقایان حاضر هستند شرکت گوشت اردبیل را به بهانه اینکه هم اکنون کسی آن را به قیمت ۱۲۰ میلیارد تومان نمی خرد، به ۱۰ میلیارد تومان واگذار کنند؟! اگر پاسخ منفی است در این صورت چه کسی به آنها اجازه داده است که چوب حراج به ثروت عمومی زده و آن را به ثمن بخرس واگذار کنند؟»

وی تاکید کرد که: «بنگاههایی مانند کشت و صنعت و دامپروری مغان و نیشکر هفت تپه دو بنگاه منحصر به فرد در خاورمیانه هستند که در جنگ ۸ ساله و پس از آن در تحریم اقتصادی، علاوه بر ایجاد اشتغال برای هزاران نفر، بخش قابل توجهی از نیازهای عمومی مردم را به قیمت مناسب تامین و عرضه کرده اند.»

اعلمی درباره روند واگذاری مجتمع گوشت اردبیل گفت: «شرکت مجتمع گوشت اردبیل با ظرفیت کشتار روزانه ۴۰۰۰ راس دام و ۲۵۰ راس دام سنگین در زمینی به "مساحت ۵۰ هکتار" و با زیربنایی در حدود "۴۵۰۰ متر مربع" در ۱۴ کیلومتری اردبیل واقع شده که در اسفند سال ۸۴، به جز ۸.۵ درصد مربوط به "شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان" تعداد ۹۲۲۳۵۳ سهم باقیمانده که معادل "۹۱/۴ درصد" از کل سهام شرکت می باشد، به شرکت دیگری به صورت

اقساط واگذار شده است و نکته جالب و درخور تامل اینجاست که این شرکت در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۸۵، (حدود - ۴۰ روز پس از واگذاری مجتمع موصوف) تاسیس شده است!».

یکی از کارگران ماشین‌سازی تبریز می‌گوید: «ماشین‌سازی تبریز را طی ۴ سال ذره ذره به نابودی کشاندند. سقوط آزاد ماشین‌سازی آن چنان شتاب گرفته که همه کارگران نگرانند که به همین زودیها دسته دسته بیکاری به سراغ شان بیاید! پرداخت یک ماه حقوق مان با اقساط طی چند مرحله صورت می‌گیرد.» (گزارش مریم وحیدیان، ایلنا، دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۷)

این کارخانه ده سال قبل از به قدرت رسیدن خمینی احداث شده و در دو سال اول حاکمیت جمهوری اسلامی با ۲ هزار و ۶۱۰ پرسنل و ۱۹۴۰ کارگر تولیدی مشغول تولید بود و امروز با حدود ۷۲۷ کارگر بعد از خصوصی سازی سراسیبه هولناکی را طی می‌کند. به گزارش ایلنا «فرآیند خصوصی سازی شرکت از زمانی که به دست سازمان خصوصی سازی افتاد، تا زمانی که به خریدار فروخته شد و نهایتاً خریدار، سه ماه بعد بازداشت شد، شرکت را به قهقرا برد. امروز آژیرهای خطر به صدا درآمده و کارگران اولین کسانی هستند که در بالا و پایینهای شکست صنایع آسیب می‌بینند.»

شرکت ماشین‌سازی تبریز شرکتی است که صنایع کشور به این شرکت وابسته است و دهها هزار ماشین در این شرکت ساخته شده است. مساحت زمین کارخانه این شرکت ۱۲۶ هکتار است، ۸۳ هزار و ۵۰۰ متر زمین در منطقه ایلگلی تبریز که در بهترین منطقه شهر تبریز قرار دارد که ارزش هر متر آن حداقل ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان است و با این حساب ارزش واقعی آن ۸۳۵ میلیارد تومان می‌شود که کل شرکت را ۶۸۷ میلیارد تومان فروخته اند و قرار است تا مبلغ فروخته شده ظرف چندسال پرداخت شود.



کارگران «مجتمع سهامی کشت و صنعت و دامپروری مغان» بعد از واگذاری شرکت در آذر ماه ۹۷، به بخش خصوصی، به شدت نگران امنیت شغلی خود هستند و اعلام کرده اند که سرنوشت کارگران هفت تپه در انتظار آنان است. مجلس نشینی از پارس آباد مغان در این مورد گفت: «در همین مدتی که کارفرمای جدید برای کشت و صنعت مغان انتخاب شده، به برخی از پرسنل رسمی گفته شده که یا شرکت را ترک کنند یا طبق قراردادی که نوع آن در سال جدید

تعیین تکلیف خواهد شد، در مجتمع کشت و صنعت مغان به کار مشغول شوند.» (ایلنا، چهارشنبه ۲۶ دی ۱۳۹۷)

در حال حاضر اموال و داراییهای شرکت دو برابر قیمت‌گذاری مزایده آخر است. این مجتمع کشت و صنعت و دامپروری که ۲۷۰۰ میلیارد در قیمت‌گذاری اولیه شده بود، به ۱۷۰۰ میلیارد به فروش رسیده است. از این رو زمینها به صورت مفت واگذار شده است.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

چرا باید برای سوسیالیسم مبارزه کرد (۳) سوسیالیسم و حقوق بشر

لیلا جدیدی

۱- چرا کشورهای اردوگاه سوسیالیستی به عدم رعایت حقوق بشر شناخته می شدند و کشورهای سرمایه داری به آزادی معروف هستند؟

۲- حقوق بشر در یک سیستم سوسیالیستی چگونه خواهد بود؟

با انقلاب صنعتی قرن نوزدهم و رشد جنبشهای کارگری درها به روی کسانی که پیشتر به حاشیه رانده شده بودند و اکنون برداشت کلاسیک اقتصاد لیبرالی از عدالت اجتماعی را به چالش می کشیدند، باز شد. در این هنگام گفتمان حقوق بشر و سوسیالیسم نقش مهمی را ایفا می کرد. با این حال سهم مهم سوسیالیسم در این گفتمان، میراث حقوق بشر سوسیالیستی - و به ویژه مارکسیسم - امروزه به طور گسترده ای نادیده گرفته می شود و یا رد می شود. اگرچه قساوت و خشونت‌هایی که به نام سوسیالیسم رخ داده، ضربات سختی به ایده انسان گرایی سوسیالیستی زده است، با این حال از یاد نباید برد که مبارزه برای رای آزاد مردم، عدالت اجتماعی و حقوق کارگری و اصولی که در اسناد مهم حقوق بشر سازمان ملل ثبت گردیده، توسط آرمانهای سوسیالیستی شکل گرفته است.

توجه به آینده جهان و به حقوق انسانی با بحرانهای اقتصاد جهانی و جنگ شدت گرفت. جهان پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی و وعده های جهانی سازی، به سمت جنگهای ناسیونالیستی و جنگ داخلی، حملات تروریستی و رکود اقتصادی جهانی رانده شده است. این درحالی است که برخی پیش بینی می کنند که به سمت عمیق تر شده بحرانها پیش می رویم و برخی عکس آن را نوید می دهند. سوال این خواهد بود که آیا ما بسوی آینده ای بهتر می توانیم برویم یا نه؟ بدون شک هنگامی که مورخان آینده به مطالعه دوران ما که شامل تناقضات، دستاوردهای انقلابی و فرصتها بوده می پردازند، دستشان از شواهدی از اقدامات فوری پیرامون نقض حقوق بشر و نگرانی در باره آن در رسانه های جمعی سرمایه داری و محافل حاکم کشورهای آنان خالی خواهد ماند.

در اینجا به پاسخ به نخستین پرسش زیر در همین زمینه می پردازیم:

۱- چرا کشورهای اردوگاه سوسیالیستی به عدم رعایت حقوق بشر شناخته می شدند و کشورهای سرمایه داری به آزادی معروف هستند؟

بدیهی ست که سوسیالیسم با تبلیغات و اطلاعات نادرست مسموم شده است. این در حالیست که سوسیالیسم سیستمی مبتنی بر حقوق همه افراد بشر است. بسیار پیش آمده که قدرتها بنام سوسیالیست از اصول واقعی سوسیالیسم پیروی نکرده اند و در نهایت به فساد کشیده شده اند. این درست است، اما ایده سوسیالیسم و کمونیسم جامع تر و ریشه دار تر از این قدرتها است و حمایت از حقوق انسان و جامعه امری پایه ای در اندیشه ای است که حل تضاد با برتری بر اساس قدرت طبقاتی، نژاد، جنسیت و غیره را هدف خود قرار داده.

کسانی که جویای پاسخ بدین سوال هستند، نخست باید ببینند وقتی گفته می شود "سوسیالیسم"، سخن از چه نوع سوسیالیسمی است: "سوسیالیسم از بالا" یا "سوسیالیسم از پایین"؟

"سوسیالیسم از بالا"، مدلی است که "سوسیالیسم" برای توده ها را تجویز می کند، بدون توجه به اینکه آیا آنها خواهانش هستند یا برای به دست آوردنش تلاش می کنند یا نه. در چنین مدلی، سوسیالیسم توسط یک دولت متمرکز و حتی یک دولت دموکراتیک منتخب مردم به آنها تحمیل می شود. این رویکردی است که توسط جنبشهای مختلف سیاسی و ایدئولوژیها، از جمله استالینیسم، مائویسم، کاستروئیسم، چاویسم، بلانکسیم (روشهای آنارشیستی و توطئه گرانه که بسیاری با لنینیسم اشتباه می گیرند) و سوسیال دموکراسی اتخاذ شده است.

در "سوسیالیسم از پایین" یک نکته مهم این است که جامعه سوسیالیستی توسط طبقه کارگر سازماندهی شده و توسط خود او ساخته می شود، به طوریکه به صورت دمکراتیک تصمیم گیری می شود و نه اینکه در غیاب آنان حقوق شان تعیین و نگاشته شود. انقلاب روسیه ابتدا توسط طبقه کارگر شهری (در اتحاد با دهقانان) رهبری می شد، اما این طبقه به خاطر جنگ جهانی اول از هم گسست. پس از جنگ نیز در نتیجه جنگ داخلی و قحطی به عنوان یک نیروی اجتماعی،



سیاسی و اقتصادی تعیین کننده نتوانست ایفای نقش کند. سوسیالیسم نمی تواند در نبود پرولتاریایی قدرتمند و از نظر سیاسی مداخله گر دوام بیاورد.

لنین و بلشویکها استدلال می کردند که انقلاب سوسیالیستی روسیه محکوم به شکست است، مگر اینکه انقلابهایی که در آن زمان در سراسر اروپا گسترش یافته بود (در مجارستان و ایتالیا، اما بسیار مهم تر، در آلمان) پیروز شده و گسترش یابد. اما این انقلابها به دلایل مختلف شکست خوردند.

انقلاب در چین و کوبا اگر چه پایه توده ای قوی داشت، ولی انقلاب کارگری نبود. نیروی اصلی این دو انقلاب را یک ارتش چریکی متشکل از دهقانان، دانش آموزان و روشنفکران تشکیل می داد. اگرچه این انقلابها موفقیت آمیز بود، اما جز در نام هیچکدام نمی توانستند سوسیالیستی باشند. سوسیالیسم را نمی توان با کنار گذاشتن طبقه کارگر ایجاد کرد. همین داوری را می توان در مورد ویتنام، لائوس و کامبوج نیز گفت. در مورد رژیم کره شمالی نیز می توان به این اکتفا کرد که با پشتیبانی ارتش سرخ (روسیه و چین) به قدرت رسید و پس از آن به مرزهای تازه ای از فساد سیاسی زیر نام سوسیالیسم دست یافته است.

ملاحظات دیگری هم وجود دارد که سوسیالیسم لنین را از سوسیالیسم استالین و مائو جدا می کند که بیشتر تئوریک هستند.

به طور کلی فقط یک نوع سوسیالیسم وجود دارد و آن سوسیالیسم مارکس است. اگر بخواهیم سوسیالیسم مارکس را در یک جمله بیان کنیم، از این قرار خواهد بود: سوسیالیسم جنبشی است که هدفش تغییر جهان از پایین به بالا است.

حقوق بشر در یک سیستم سوسیالیستی چگونه خواهد بود؟

سوسیالیستها نظریه های حقوق بشری که توسط لیبرالها طرح می شود را به عنوان حقوق بشر واقعی نمی پذیرند. آنها بر این باورند که اولویت بخشی به حقوق سیاسی بر حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، به نفع سرمایه داران است. مارکس دکترین حقوق انسان را به عنوان وسیله ای برای پیشبرد منافع مالکیت خصوصی می دید. او معتقد بود که چنین حقوق "حق نابرابری" است، زیرا استانداردهای برابر برای افراد نابرابر وضع می کند.

در سیستمهای سرمایه داری حقوق بشر به طور غالب از جانب صاحبان قدرت و ثروت و راستها، بر حق مالکیت، حق پول سازی و عدم مسوولیت نسبت به نیازهای افراد جامعه متمرکز است و لیبرالها هم از سوی دیگر حق شرکت در پروسه های سیاسی از قبیل انتخابات و برخی از امور مربوط به تبعیضها را برجسته می کنند. اینها هر دو در پایبندی به حقوق بشر بسیار هیاهو به راه می اندازند. در کشور ما حقوق بشر هنگام دیکتاتوری پهلوی به شرکت در پروسه های نمایشی سیاسی، عضویت در احزاب رسمی یا حتی یک حزب (رستاخیز) خلاصه می شد و این سنتی است که رژیم ملاحا آن را گسترش داده و به عریان ترین شکل حقوق پایه ای جامعه را نقض می کند.

امر رعایت حقوق بشر، حقوق شهروندان و حقوق کل جامعه تنها زمانی واقعی خواهد بود که آنها خود آزادانه بدان شکل دهند. از این رو مبارزه برای تحولات سوسیالیستی و پایان دادن به زندگی زیر سلطه ی یک درصدیهایی که کل جامعه را به بردگی می کشانند، ضروری می شود. سرمایه داری و استعمار جهانی و در ایران فساد و چپاول توسط تمامی ارکان

حاکمیت، برای منافع خود سیستمهایی را سرهم کرده و بالای سر جامعه می گذارند که همه زوایای اجتماعی افراد، اخلاق و رفتار اعضا جامعه را تحت کنترل خود قرار می دهد.

اما با مبارزه علیه سرمایه داری، استعمار نوین و ستم و نابرابری دیکتاتوری طبقه حاکمه و حتی تغییر سیستم اقتصادی، روابط تبعیض آمیز و ستمگرانه به طور اتوماتیک و خود به خودی از بین نمی رود. از آنجا که دموکراسی در مرکز سوسیالیسم قرار گرفته، بنابراین مبنای پروسه های سیاسی و دولتی و غیره باید آنچه باشد که اکثریت مردم با آن توافق دارند. به همین دلیل مبارزه برای تحولات گام به گام سوسیالیستی از مبارزه علیه ستم ستمگران جدا نیست.

در زیر به برخی از پایه ای ترین موارد حقوق بشر در جامعه سوسیالیستی اشاره می شود:

حق اشتغال: حق اشتغال، حقوق بشر است. این بدین معنی است که همه افراد جامعه امکان کار و تولید نیازهای ضروری جامعه را داشته باشند و همزمان دستمزد هر فرد بدان میزان باشد که بتواند نیازهای خود و خانواده را برطرف کند.

استراحت و تفریح: استراحت و تفریح حقوق بشر است و هم وزن کار کردن اهمیت دارد. همه کارورزان جامعه به موازات مشارکت در تولید، باید زمان مرخصی و تفریح و استراحت نیز داشته باشند. هر فرد باید بتواند از زندگی و حاصل کار خود لذت ببرد و در مراسم سنتی خود و یا اجتماعات جامعه اش فعال باشد.

سیستم حمل و نقل: دسترسی به سیستم نقل و انتقال امن، ارزان یا رایگان و مدرنی که کارگران و کارمندان بتوانند به راحتی در محل کار یا مکانهای دلخواه خود حاضر شوند.

مهد کودک: نگهداری از کودکان به طور مجانی برای همه کسانی که بدان نیاز دارند، بخشی از حقوق بشر است.

تصاحب و کنترل تولید: حقوق بشر در سوسیالیسم حق تصاحب و کنترل حاصل کار را در بر می گیرد. این به معنی حذف استثمار کارگر است.

بهداشت و درمان: حقوق بشر داشتن امکانات سلامتی، بیمه و بهداشت را نیز شامل می شود.

محیط سالم زیست: حفاظت از محیط زیست، جلوگیری از تخریب و استثمار زیستگاه طبیعی انسان و تامین محیط زیست سالم در هماهنگی با طبیعت در نهاد حقوق بشر قرار دارد.

آموزش و پرورش: حقوق بشر حق و امکان آموزش تا سطح عالی را نیز در بر می گیرد. در همین زمینه، کلاسها و آموزشگاه هایی برای تحصیل در رشته های صنعتی و کارآموزی در صنایعی که جامعه بدان نیاز دارد، به وجود می آید.

حق مسکن: هر فرد باید دارای سرپناهی امن و آسوده باشد.

بازنشستگی: کفایت ندادن حقوق بازنشستگی

برای زندگی از موارد نقض حقوق بشر است. در یک سیستم سوسیالیستی حقوق بشر به گونه ای نخواهد بود که انسانها پس از عمری کار در فقر زندگی کنند. سوسیالیسم یعنی رهایی از ناامنی اقتصادی. افراد بازنشسته نیازهای شان از جمله مسکن، بهداشت و درمان و تغذیه سالم تامین می شود.

تامین همه این امور با مراجعه به منابع عمومی بطور دموکراتیک میسر است. "از هر کس به اندازه



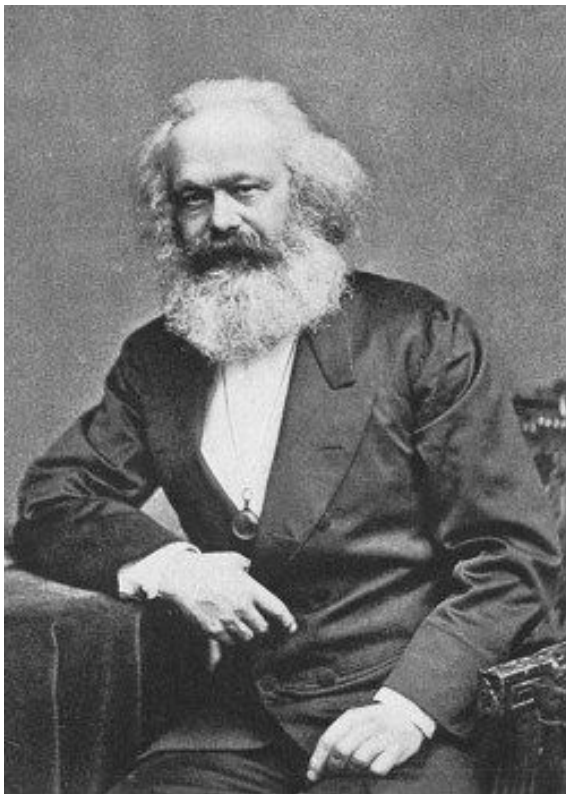
توانش و به هر کس به میزان کارش " تعهدی به حقوق بشر و امنیت اجتماعی است.

افزوده بر امور یاد شده، حقوق بشر شامل داشتن آزادی و حق دخالت و تصمیم گیری ملل گوناگون، روابط و انجام آداب و رسوم ملی و خودمختاری و اداره مناطق به صورت دموکراتیک نیز می شود.

برای یک سوسیالیست، مبارزه برای حقوق بشر، یک مبارزه مرگ و زندگی علیه سیستمی است که کرامت انسانی را پایمال و صدای افراد جامعه را خاموش می کند تا نتوانند برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند. حقوق بشری که انسان در مرکز آن

قرار می گیرد، حقوقی است که بالاترین درجه کرامت انسانی و عدالت اجتماعی را برای همه جامعه انسانی متعهد می شود. با این همه تبعیض بین حقوق آدمهای "مهم تر" و "کمتر مهم"، تکبر و خودخواهی و تحقیر دیگران، تنفر و بی اعتنایی به مردم فقیر، نژادپرستی و یا مصرفی بودن جامعه نیز خود به خود محو نمی گردد. باید با هوشیاری و دقت و تلاش بدانها پرداخته شود و باید دانست که غلبه بر این مناسبات بطور قطع نیاز به زمان دارد. از همین روست که در زندگی روزانه باید نه با سخن بلکه با عمل برای حرمت انسانی فرد و جمع مبارزه کرد. هر روابط اجتماعی، هر نهاد و یا ساختاری که تشکیل می دهیم، رفتار ما باید آینه ای از درک و تعهد ما به حقوق بشر باشد. ارنستو چه گوارا، انقلابی بزرگ، در این باره گفته است: "برای اینکه سوسیالیسم پیروز شود باید روابط خود را بر پایه اخلاق جدیدی بنیان گذاری کنیم".

چگونه آگاهی سوسیالیستی و ابعاد گسترده حقوق بشر را در جامعه توسعه دهیم؟



تلاش برای نشر آگاهی از اصول و باورهای سوسیالیستی، از نخستین و پایه ای ترین وظایف فعالان سوسیالیست است. در عصر دسترسی به شبکه های اجتماعی، بسیاری از سوسیالیستها برای توسعه درک حقوق بشر سوسیالیستی، شبکه های اجتماعی را پیشنهاد می دهند. همچنین تماس و درخواست از هنرمندان و ورزشکاران و افرادی که جامعه بدانها علاقمند است، از روشهایی مناسبی برای این فعالیت است. تماسهای رو در رو، استفاده از انواع شبکه های اجتماعی و هر چه بیشتر و گفتارهای صوتی و ویدیویی از موثر ترین روشها هستند که هر فعالی می تواند بخشی از آن را به عهده بگیرد.

و سرانجام از مهمترین وظایف سوسیالیستها حمایت، همراهی از مبارزات کارگران و زحمتکشان و استفاده از همه ابزارها برای آموزش حقوق بشر سوسیالیستی می باشد.

"کنت روث" (Kenneth Roth)، دبیر دیدبان حقوق بشر سازمان ملل، در گزارش سال ۲۰۱۸ اعلام می کند که نقض حقوق بشر بدتر از سه سال گذشته نبوده ولی با اینحال هنوز بسیار بد است. وی گفته است: "ارزیابی منصفانه از چشم انداز جهانی حقوق بشر به ما می گوید که باید به جای تسلیم شدن، فراخوانی برای اقدام، نه فریاد ناامیدی سر دهیم".

منابع:

- "میشلین ایشی" Micheline Ishay، استاد دانشگاه دنور کلرادو: "سهم سوسیالیسم در حقوق بشر" نشریه بین المللی حقوق بشر
- "ای.جی. ایگوروف" A. G. Egorov، دکترای علوم فیزیک و ریاضی دانشگاه کازان در انستیتوی ریاضی و مکانیک لاپاچفسکی: "سوسیالیسم و حقوق و آزادی فردی"
- "رزا لیشتن شتاین"، Rosa Linchtenstein، در اینترنشنال سوسیالیست رویو Oxford Inational Studies - "تاریخ و حقوق بشر"
- Foreign Policy- در باره گزارشی از حقوق بشر، دبیر دیدبان حقوق بشر سازمان ملل
- Chris Harman، سایت آرشیو مارکسیستی: "چرا به تئوری مارکسیستی نیاز داریم"

فاطمه

م . وحیدی

سلام

من فاطمه هستم. این هم نادر برادر من است؛ همین که آکاردئون می زند. این هم رضا، برادر کوچکتر من است که کنار



من دنبک یا به قول خودش «تمپو» می زند. هر دوی آنها تازه کار هستند و این سازها را پیش عمویم یاد گرفتند.

ما کاروان شادی هستیم و با آهنگهای شاد، مردم را تو کوچه ها و خیابانها سرگرم و خوشحال می کنیم. می خواهیم هرچند کوتاه، مردم غمها و ناراحتیهای شان را فراموش کنند و کمی لبخند به لب بزنند.

من تا یک ماه پیش آواز هم می خواندم و صدایم خیلی خوب است. اما از وقتی این گشتهای ارشاد و بسیجیها آمدند مرا گرفتند کتک زدند و سرم را شکستند، دیگر می ترسم آواز بخوانم و فقط پول جمع می کنم.

بسیجیها به من گفتند: «اگه یک بار دیگه آواز بخوونی، زیانت را از حلقومت بیرون می کشیم و می بریمت آنجایی که عرب نی انداخت!»

من نمی دانم آنجایی که عرب نی انداخت کجاست؛ اما می دانم که اگر یک بار دیگر آواز بخوانم مرا می گیرند می کشند و دیگر زنده نمی مانم.

حالا شبها همش خواب می بینم زبانم را از حلقومم بیرون کشیده اند و از ترس جیغ می کشم و بیدار می شوم.

ما مدرسه نمی رویم. یعنی تا چند ماه پیش می رفتیم ولی دیگر نمی توانیم برویم. چون خرج ومخارجش زیاد است و بابام گفته؛ نمی توانم شهریه شما را بدهم و برایتان دفتر و قلم و کتاب بخرم.

او سراپدار یک گاراژ است و از کار افتاده است. حقوق زیادی به او نمی دهند و همیشه بدهکار مغازه دارها هستیم. ما روزی دو وعده غذا می خوریم، ظهرها و شبها. صبح ها فقط چای می خوریم. ظهرها و شبها هم بیشتر حاضری و اشکنه و گاهی وقتها هم سیب زمینی می خوریم.

ما یک بچه گربه هم داریم که تو حیاط بازی می کند. من او را خیلی دوست دارم. ولی نمی دانم چرا از غذاهای ما نمی خورد. لابد دوست ندارد. بابام می گوید ولش کن! ناشکر است، گرسنه که شود، می رود غذایش را پیدا می کند می خورد. ما یک ماه است رنگ میوه ندیده ایم. چون هرچه در می آوریم خرج کرایه اتاق مان می شود. شبها پاهایم از درد سوز سوز می کند؛ از بس که راه می رویم.

مادرم وقتی می خواست مرا بزند، مرد. حالا ما تنها هستیم. بابام که شبها می آید، یک ساعت بعد می خوابد. من یک کتاب قصه قشنگ از یک دستفروش خریده ام که شبها چند ورق از آن را می خوانم و آن را خیلی دوست دارم. اسمش «بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری» است. داستانش خیلی قشنگ است و شبیه زندگی ماست. من می خواهم وقتی بزرگ شدم یک خواننده مشهور بشوم.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

چالش‌های معلمان (دی ۹۷)

فرنگیس بایقره

مقدمه

معلمان هنوز جوابی به خواسته‌هایی که در اعتصاب سراسر آبان مطرح کرده بودند، دریافت نکرده‌اند.



از طرفی تعدادی از آنها که در آبان ماه به خاطر اعتصاب سراسری دستگیر شدند، در بند مانده‌اند و این خود نشاندهنده آن است که جمهوری اسلامی هیچ اعتراضی را بر نمی‌تابد و به جای پاسخگویی به خواسته‌های صنفی و معیشتی فرهنگیان، به حربه تهدید، دستگیری و پرونده‌سازی رو می‌آورد.

از طرف دیگر، آنچه پیش رو است، کمبود نیروی معلمان و کلاسهای پر

دانش آموز خواهد بود که مشقت کار را مضاعف می‌سازد و باعث خواهد شد ساعت‌های کار بیشتر شود. از نظر معیشتی، درآمدی که معلمان را زیر خط فقر برده است، این چالش را سخت‌تر می‌کند.

معلمان در واکنش به این مشکلات دوگانه، با اصولی‌ترین و رایج‌ترین روش فرهنگی، تشکلهای صنفی خویش را شکل داده و با هم‌رایی و هماهنگی دست به اعتصاب و تجمع می‌زنند تا حقوق و مطالبات خویش را مطرح و پیگیری کنند. باید توجه داشت که معلمان بابت حرکت‌های مسالمت‌آمیز نیز هزینه‌های سنگین داده‌اند و هر چند که با سازماندهی هم‌دستاوردهای ارزشمندی کسب کرده‌اند. مبرهن آن است که حرکت‌های دفاع‌گرایانه در برابر خشونت حاکم و روش‌های تهدید وار و رعب‌آور آن کار ساز نخواهد بود و برای پیشبرد حرکتها باید به حرکت‌هایی با انسجام بیشتر و کشاندن آنها به میدانها و معابر عمومی و اعتراض‌های سازماندهی شده با دیگر اقشار دست زده شود.

در اثر سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت، در میان معلمان و نمایندگان نیز بحث‌هایی در رابطه با گزینش تاکتیک‌های صحیح اعتراضی در جریان است که برای مدتی برای راه‌یابی و حل این اختلافها مجبور به خریدن زمان می‌شوند. با این حال معلمان حرکت‌هایی نیز داشته‌اند که این تجمعات نیز با فضای پدید آمده در پی حرکت‌های کارگران نیشکر هفت تپه و نیز فولاد اهواز و روستاییان اصفهان به خوبی بازتاب نیافت و چنان که باید و شاید با یکدیگر گره نخورد.

با اینهمه باز هم می‌توان گفت تا زمانی که جوابی برای خواسته‌ها و در خواست‌های فرهنگیان و معلمان داده نشود، این رشته سر دراز دارد و هر بار با روش‌های بهتر با در نظر گرفتن تجربه‌های بدست آمده از اعتصابات و تجمعات ترتیب داده شده، ادامه خواهد داشت. به هر ترتیبی این خیزش و جنبش آتش‌زیر خاکستری است که با حرکت‌های دیگر اقشار و از جمله حرکت دیگر اقشار و به خصوص طبقه کارگر که زیر فشار قرار دارند و جسته و گریخته دست به تجمع می‌زنند، گره خورده و با جرقه‌ای شعله‌های فروزان و روشنگری را بر افروخته خواهد کرد.

تجمع فرهنگیان شاغل و بازنشسته در تبریز

جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در تبریز روز یکشنبه ۲ دی دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضان گفتند: هم به ۲۰ درصد افزایش حقوق معلمان شاغل معترضیم و هم به عدم اجرای همسان سازی برای بازنشستگان؛ به نظر می‌رسد قرار نیست در سال آینده معیشت ما بهبود پیدا کند.

تجمع فرهنگیان در اصفهان؛ شلیک گاز اشک آور و بازداشت معترضان



جمعی از فرهنگیان شاغل و بازنشسته در اصفهان، روز پنجشنبه ۶ دی در اعتراض به مشکلات معیشتی، گرانی و پایین بودن حقوق دست به تجمع اعتراضی زدند.

این تجمع که در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان و با حضور گسترده ماموران نظامی و امنیتی همراه بود، به بازداشت شماری از معترضان انجامید. ماموران با شلیک گاز اشک آور تلاش کردند تا معترضان را متفرق کنند.

فرهنگیان اصفهان با خواندن سرودهای اعتراضی و شعارهای "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" و "این همه بی عدالتی، هرگز ندیده ملتی" خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. با وجود بازداشت چند معلم از سوی نیروهای امنیتی، تجمع ادامه یافت و ماموران جهت متفرق کردن معلمان و خاتمه دادن به تجمع، اقدام به پرتاب گاز اشک آور به سوی جمعیت کردند.

تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته و شاغل در ارومیه

صبح روز پنجشنبه ۶ دی فرهنگیان ارومیه مرکب از فرهنگیان بازنشسته و شاغل در پاسخ به فراخوان قبلی و در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، مقابل اداره آموزش و پرورش در این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع فرهنگیان ارومیه چند دستنوشته در دست داشتند که روی آنها نوشته بود: «ما خواهان افزایش حقوق معلم هستیم»، «ما خواهان بیمه کارآمد هستیم»

۵۲۸ مدرسه در کردستان با بخاری نفتی گرم می شوند

مدیرکل آموزش و پرورش کردستان گفت: "سیستم گرمایشی ۵۲۸ مدرسه استان به وسیله بخاری نفتی تامین می شود." رشید قربانی ادعا کرد: "بخاریهای این مدارس استاندارد هستند و به دلیل فقدان آنها به سیستم گاز کشی با بخاری نفتی تجهیز شده اند." وی تعداد مدارس در سطح استان کردستان را ۲ هزار و ۸۷۰ واحد اعلام کرد و گفت: "برای بهبود وضعیت سیستم گرمایشی این مدارس، نیازمند اعتبارات ویژه هستیم."

بازماندن بیش از ۱۴۲ هزار کودک از تحصیل در سال جاری



به گفته احمد میدری، معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سال تحصیلی جاری ۱۴۲ هزار و ۵۰۲ دانش آموز از تحصیل بازمانده اند که خانواده بیشتر آنها فقر را دلیل ترک تحصیل کودکان خود عنوان کرده اند.

رضوان حکیم زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، نیز در این باره گفت: "۱۴۲ هزار و ۵۰۲ بازمانده از تحصیل در سال ۹۷-۱۳۹۶ داشتیم که ۶۹ هزار و ۹۴ نفر دختر و ۷۳ هزار و ۴۰۸ نفر پسر هستند." حکیم زاده افزود: "سمنان، زنجان، ایلام، قزوین و یزد دارای کمترین میزان بازماندگی و سیستان و بلوچستان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان و کرمان دارای بیشترین آمار هستند."

صدور کیفرخواست پرونده متهم تعرض جنسی به دانش آموزان مدرسه ابتدایی در اصفهان

علی اصفهانی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز اصفهان، اعلام کرد که کیفرخواست پرونده متهم حادثه اذیت و آزار تعدادی از دانش‌آموزان یکی از مدارس ابتدایی اصفهان صادر شد.

اوایل آذر ماه خبری مبنی بر تجاوز به تعدادی دانش آموز در مدرسه ای در ناحیه ۴ آموزش و پرورش شهر اصفهان منتشر شد و پس از آن تعدادی از خانواده‌های دانش آموزان در مقابل این مدرسه تجمع کردند.

بیش از ۱۵ هزار کلاس درس در استان کرمان فاقد سیستم گرمایشی استاندارد هستند



مدیرکل نوسازی مدارس استان کرمان گفت: "بیش از ۱۵ هزار کلاس در مدارس استان کرمان فاقد سیستم گرمایشی استاندارد هستند و تعدادی کلاس وجود دارد که سیستم گرمایشی آنها واقعا خطرآفرین است."

غلامرضا رجایی تصریح کرد: "۲۹۴۳ کلاس با بخاری گازی و ۱۹۵۸ کلاس با بخاری نفتی گرم می شوند و ۲۵۹۶ کلاس در سطح استان کرمان فاقد سیستم گرمایشی هستند که به طور عمده نیاز به وسایل

سرماایشی دارند." به گفته وی برای استانداردسازی سیستم گرمایشی مدارس این استان به ۹۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

تجمع اعتراضی فرهنگیان اصفهان

روز چهارشنبه ۱۹ دی جمعی از فرهنگیان استان اصفهان در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به تجمع زدند. در تجمع اعتراضی فرهنگیان اصفهان که در میدان انقلاب صورت گرفت، زنان معلم حضوری عمده داشتند. فرهنگیان پس از تجمع در کنار سی و سه پل حرکت خود را در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه به سمت چهارباغ آغاز کردند. نیروی انتظامی انبوهی مأمور موتورسوار برای ایجاد رعب و وحشت، به خیابان اعزام کرد تا مانع تجمع فرهنگیان شود اما فرهنگیان آنها را نادیده گرفته و به راهپیمایی خود ادامه دادند. فرهنگیان شجاع برای مقابله با ماموران سرود «یار دبستانی من» را سردادند.



تجمع معلمان و فرهنگیان کرمانشاه

جمعی از معلمان و فرهنگیان کرمانشاه روز پنجشنبه ۲۰ دی در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق و بی توجهی مسوولان به مطالبات خود، در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

در جریان این تجمع، معترضان شعارهایی همچون: "دولت خیانت می کند، مجلس حمایت

می کند"، "وزیر بی کفایت، استعفا استعفا"، "یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه" سر دادند.

آنها همچنین با در دست داشتن پلاکاردهایی، از جمله خواستار "آموزش رایگان برای همه دانش آموزان"، "آزادی معلمان زندانی" و نیز "بازسازی و ایمن سازی مدارس" شدند.

تجمع فرهنگیان اردبیل



روز پنجشنبه ۲۰ دی گروهی از معلمان و فرهنگیان اردبیل در اعتراض به پایین بودن حقوق و بی‌پاسخ ماندن مطالبات شان در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند.

در جریان این تجمع معترضان شعارنویسه‌هایی همچون: "دریافت به موقع پاداش حق مسلم ماست"، "آموزش رایگان برای همه دانش‌آموزان"، "یکسان سازی حقوق بازنشستگان و شاغلین" و "افزایش حقوق معلم به بالای خط فقر" در دست داشتند.

در تجمع اعتراضی فرهنگیان اردبیل در مقابل اداره آموزش و پرورش شماری از دانش‌آموزان نیز حضور داشتند.

فعال صنفی معلمان در ابهر با تودیع قرار آزاد شد



احمد تقوی، فعال صنفی ۶۵ ساله و معلم بازنشسته اهل شهر ابهر واقع در استان زنجان که در تاریخ ۳ دی که توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بود، با قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی روز شنبه ۲۲ دی ماه آزاد شد.

آقای تقوی صبح روز پنجشنبه ۳ دی ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. وی دو روز اول بازداشت با خانواده خود تماس کوتاهی داشت و بعد از آن اطلاعی از وضعیت وی در دست نبود.

هرچند از دلایل بازداشت آقای تقوی اطلاع دقیقی در دست نیست، با این حال احتمال می‌رود بازداشت وی در ارتباط با سخنرانی در تجمعات اعتراضی معلمان شهر ابهر در تاریخ ۲۹ آذر ماه بوده باشد.

دادخواهی معلم اخراجی از روحانی برای استیفای حقوق شهروندی و صنفی خود

مسعود کردپور، زندانی سیاسی سابق و معلم با سابقه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، که از آبان ماه سال ۸۸ به دلیل فعالیت‌های مدنی و صنفی پس از ۲۲ سال از کار برکنار شده بود، در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی خواستار رسیدگی به وضعیت پرونده و استیفای حقوق خود شده است. این معلم زندانی حسن روحانی را فراخوانده "با توجه به اصول مصرح قانون اساسی مبنی بر حق اشتغال و کار شهروندان بدون تبعیض در سرزمین ایران و وظایف دولت در این رابطه" و نیز "شعارها و سخنان" وی، ست به اقدام لازم پیرامون بررسی پرونده خود و تجدید نظر در حکم صادره بزند.

تجمع معلمان خرید خدمات آموزشی یزد

روز یکشنبه ۲۳ دی جمعی از معلمان خرید خدمات آموزشی یزد مقابل استانداری تجمع کردند. حاضران در تجمع به خصوصی سازی آموزش معترض بودند.

آنها خواستار روشن شدن تکلیف استخدامی خود شدند و از مقام‌های استانداری خواستار پیگیری شدند.

تجمع اعتراضی فرهنگیان شاغل و بازنشسته مقابل صندوق ذخیره فرهنگیان

صبح روز یکشنبه ۲۳ دی جمعی از فرهنگیان شاغل و بازنشسته در پاسخ به فراخوان قبلی و در اعتراض به چپاول صندوق ذخیره فرهنگیان مقابل ساختمان این مووسسه دست به تجمع زدند.



فرهنگیان از جمله شعار می دادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "بانک سرمایه مال ماست، پولاش همه به یغماست"، "ای مدیران بی دین، سهم مارو زود بدین".

تجمع فرهنگیان مقابل سازمان بازنشستگی

جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در روز دوشنبه ۲۴ دی مقابل سازمان بازنشستگی فرهنگیان در تهران تجمع کردند. معترضان به بیمه تکمیلی ناکارآمد معترض بودند. فرهنگیان بازنشسته شعار «فریاد فریاد از این همه بیداد» سردادند.

مریوان؛ فرو ریختن دیوار مدرسه بر اثر وزش باد

دیوار حیاط هنرستان فنی قدس مریوان در حالی که تنها یکسال از زمان ساخت آن می گذشت، بر اثر وزش باد فرو ریخت. این اتفاق تلفات جانی به دنبال نداشت. اسکندر لطفی، فعال صنفی معلمان در مریوان، در این باره گفت: "نباید دیوار مدرسه ای که قرار است سرپناه معلمان و دانش آموزان باشد با وزش یک باد به راحتی فرو بریزد." وی افزود: "ما فعالان صنفی معلمان بارها به کمبود بودجه های آموزشی اعتراض کردیم. یکی از مهم ترین مطالبات ما همواره ارتقای بودجه های آموزشی به خصوص در بخش تجهیز و نوسازی مدارس بوده است اما متأسفانه همواره این خواسته ما نادیده گرفته شده است." لطفی گفت: "همین امسال در لایحه بودجه ۹۸ دیدیم که بودجه اختصاص یافته به آموزش، رشد چندانی نداشته است."

تجمع چند روزه معلمان خرید خدمت یزد

گروهی از معلمان مدارس حمایتی استان یزد در روز روز پنجشنبه ۲۷ دی، برای ششمین روز متوالی در مقابل ساختمان اداره آموزش و پرورش ناحیه یک این شهر، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. ملانوری، یکی از معلمان معترض گفت: "از فروردین ماه امسال تاکنون حقوق نگرفته ایم." وی میزان حقوق معلمان مدارس حمایتی بدون اولاد را زیر یک میلیون اعلام کرد که به ازای هر فرزند با سقف حداکثر دو فرزند، حدود ۸۰ هزار تومان اضافه می شود. این معلم یزدی که در قالب طرح خرید خدمات حدود سه سال در مدارس حمایتی مشغول خدمت است، گفت: "نداشتن امنیت شغلی و بیمه های ۲۱ و ۲۲ روزه، اصلی ترین مشکل معلمان خرید خدمت در استان و کشور است."

(منابع: هرانا، ایسنا، دویچه وله، ایلنا، شبکه آزادی، تسنیم)

دانشگاه در ماهی که گذشت (دی ۹۷)

کامران عالمی نژاد

کشتار ده دانشجو در گردنه ای به اسم دانشگاه آزاد

طی ۴۰ سال حاکمیت ننگین حکومت جمهوری اسلامی، چپاول شهروندان همواره یکی از مهمترین ارکان و مقاصد این حکومت ضد بشری بوده؛ رژیمی که هیچ گونه مسوولیتی در قبال رفاه و سلامتی شهروندان کشور را نمی پذیرد، بلکه حتی



اندیشه آن در مخیله مسوولان جنایتکار این رژیم جایی ندارد. از این میان دانشجویان دانشگاه آزاد هم همانند دیگر اقشار جامعه، سالهاست که با این بختک دست به گریبانند؛ موسسه ای با هزاران میلیارد تومان سرمایه و میلیاردها درآمد سالانه. دانشگاه آزاد اسلامی در اردیبهشت ۱۳۶۱ به پیشنهاد هاشمی رفسنجانی و تأیید و حمایت خمینی تأسیس شد. رفسنجانی به عنوان رییس شورای موقت دانشگاه، عبدالله جاسبی را به عنوان ریاست موقت و علی خامنه ای، میرحسین موسوی، احمد خمینی، عبدالله جاسبی و خودش را به عنوان هیات مووسس دانشگاه آزاد منصوب کرد.

در همان سال، اولین آزمون ورودی با شرکت ۳۲ هزار داوطلب در ۹ شهر کشور برگزار گردید و حدود ۳ هزار نفر در رشته های راه و ساختمان، برق، مکانیک، فیزیک، ریاضی، شیمی، صنایع فلزی، نساجی و حسابداری پذیرفته شدند.

شاید در آن دوران هیچکس گمان نمی برد که روزی این موسسه تازه تأسیس به یکی از دهها کارتل ثروتمند کشور فرا روید و به یکی از پر مشاجره ترین مباحث و پرونده ها بین خودیها تبدیل گردد.

آمار دقیقی از دارایی و درآمد سالیانه، منصوبات و مستقلات این موسسه عظیم الجثه در دست نیست، به گفته قاسم جعفری، عضو کمیسیون آموزش مجلس ملاها در فروردین ۹۶، دانشگاه آزاد اسلامی بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه دارد. بر طبق آخرین گزارش ارائه شده از طرف موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تعداد ۱ میلیون و ۵۵۰ هزار و ۷۰ دانشجو در ۵۳۰ دانشگاه آزاد در کشور مشغول به تحصیل هستند. حشمت الله فلاحت پیشه، نماینده رژیم از اسلام آباد غرب و رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، می گوید: "دانشگاه آزاد برای هر دانشجوی دکترا به صورت میانگین در هر ترم ۱۵ میلیون تومان، دانشجوی ارشد ۸ میلیون تومان و لیسانس ۲ میلیون تومان دریافت می کند."

همچنین فریدون رهنمای رودپشتی، معاون برنامه ریزی و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی از درآمد سالیانه ۸ هزار میلیارد تومانی شهریه های این دانشگاه سخن می راند.

در دوره احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، اصولگرایان سعی بر این داشتند تا این خان نعمت را به اموال و داراییهای ولی فقیه ضمیمه کنند که به علت نفوذی که رفسنجانی در آن موقع داشت، موفق نشدند تا اینکه بالاخره، بعد از مرگ رفسنجانی این امکان به وجود آمد و علی خامنه ای در یکم بهمن ۱۳۹۵ با حکم حکومتی، علی اکبر ولایتی را به عنوان رییس هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی منصوب کرد.

برای شناخت خصلت اختاپوسی این رژیم فاسد و از آن جمله مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی نیاز به معرفی زیادی نیست؛ موسسه ای از زیر مجموعه های حکومت که به راحتی اموال و اراضی ملی و شخصی افراد را با زور و حيله گری تصاحب می کند. محسن هاشمی رفسنجانی در زمانی که هنوز معاونت عمرانی دانشگاه آزاد بود، اعتراف کرد: "یکی از عمده ترین مشکلات حقوقی دانشگاه آزاد فاقد سند بودن نیمی از اراضی آن است که باید برنامه ویژه ای برای تعیین تکلیف این اراضی انجام شود."

برای حل این مشکل در بسیاری از موارد دست به سند سازی زده شده است. به عنوان نمونه می توان به ۵۰ میلیون متر مربع زمین در جیرفت، ۷۰ هکتار زمین در استان گیلان، ۱۰۰ هکتار زمین در استان تهران، ۴۰ هکتار زمین در شهرستان بابل و ... اشاره کرد.

از دیگر تخلفات این موسسه افزوده بر زمین خواری و کوه خواری می توان به فروش سوالات آزمون دستیاری دانشگاه آزاد در سال ۸۳، کلاهبرداری ۴۰۰ میلیارد تومانی مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۸۷، اختلافات فاحش در ترازنامه های مالی مصوب هیات امنای دانشگاه به مبلغ ۳ هزار و ۶۲۰ و ۲ میلیارد تومان تنها در بازه زمانی ۵ سال، تخلفات چند میلیاردی در ساخت پروژه های عمرانی واحد تبریز، بندرعباس و واحد علوم و تحقیقات، ماجرای حساب ۱۸۸۸ بانک ملی شعبه زبرجد و پرداخت میلیونها پوند به حساب واحد آکسفورد در کشور انگلستان اشاره کرد.

از این شرح به وضوح می توان دریافت که دغدغه اصلی مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی - همچون تمامی مسوولان رده بالای حکومت - آسایش و به وجود آوردن محیطی تحصیلی آرام و بدون درگیریهای روحی - روانی و از آن جمله، خوابگاه مناسب، تغذیه سالم، گرمایش و سرمایش محل اقامت، رفت و آمد و حداقل امکانات استاندارد یک دانشگاه برای دانشجویان نیست.

در اوایل دی واژگون شدن یک اتوبوس حامل دانشجویان در محوطه دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات در تهران سبب جان باختن ۱۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۲۸ نفر گردید.

به گفته مسافران اتوبوس، در لحظه بروز حادثه، دانشجویان فریاد می زدند "ترمز نمی گیره، اتوبوس ترمزش نمی گیره". این بار هم، مسوولان دانشگاه آزاد سراسیمه به میدان آمده و با اعلام این دروغ بزرگ که راننده اتوبوس در حین رانندگی سکت کرده و اتوبوس در نتیجه این اتفاق از مسیر خارج و واژگون شده، کوشش کردند کوتاهی خود را به دوش دیگران و از جمله مردم عادی که تنها به عنوان کارمند یا کارگر مشغول به کار بوده اند انداخته و شانه از پاسخگویی خالی کنند. مشت خالی مسوولان و سردمداران حکومتی برای مردم باز شده، آنها با پوست و استخوان خود این بی عدالتیها را لمس کرده و می بینند که این حکومت ظالم به جز وعده و سر کیسه کردن و گرفتن اندک سرمایه باقیمانده آنها هیچ قدمی در جهت رفاه و کرامت انسانی شهروندان بر نمی دارد.

تنها راه رهایی از چنگال این اختاپوس هزار پا نه قطع شاخکهای آن، بلکه بریدن سر آن است.

آمار دانشجویان کشور

بر اساس تازه ترین آمار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، توزیع دانشجویان در دو بخش دولتی و غیردولتی به این شرح است:

در بخش دولتی، ۳۷۸ هزار و ۸ دانشجو در مقطع کاردانی، یک میلیون و ۱۷۴ هزار و ۹۹۵ دانشجو در مقطع کارشناسی، ۲۵۸ هزار و ۱۶۹ دانشجو در کارشناسی ارشد، ۷۱ هزار و ۶۰۹ دانشجو دکتری حرفه ای و ۸۶ هزار و ۱۳۱ نفر در دکتری تخصصی مشغول به تحصیل هستند.

همچنین در بخش غیردولتی نیز ۲۷۶ هزار و ۴۳۳ نفر در مقطع کاردانی، ۹۰۱ هزار و ۳۶۶ نفر در کارشناسی، ۳۹۸ هزار و ۱۱۷ نفر در کارشناسی ارشد، ۱۶ هزار و ۳۴۰ نفر در دکتری حرفه ای و ۵۴ هزار و ۹۴۶ نفر در دکتری تخصصی در حال تحصیل هستند.

براساس این گزارش، در مجموع سه میلیون و ۶۱۶ هزار و ۱۱۴ نفر دانشجو در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در کشور فعال هستند.

تجمع دانش آموزان زاهدانی و دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان

روز شنبه ۱ دی جمعی از دانش آموزان زاهدانی و دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان در اعتراض به وضعیت آموزشی استان و حادثه آتش سوزی دبستان اسوه حسنه در ۲۷ آذر ماه امسال اقدام به برگزاری تجمع کردند. علت آتش سوزی، استفاده از چراغ نفتی برای گرم کردن یکی از کلاسهای درس بود. با وجود آنکه استفاده از این چراغها و بخاری چکه ای به ظاهر ممنوع است، اما مدرسه از آن استفاده می کرد و بر اثر آتش سوزی چراغ نفتی و سرایت آتش به کلاس درس، ۴ دانش آموز دچار سوختگی شده و جان باختند.

تجمع اعتراضی دانشجویان رشته پرستاری در مقابل مجلس



شمار زیادی از دانشجویان و فارغ التحصیلان و گروه های پرستاری روز سه شنبه ۴ دی در مقابل مجلس ارتجاع تجمع کرده و نسبت به استخدام نشدن خود اعتراض کردند.

آنها بنرهایی در دست داشتند که بر برخی از آنها نوشته شده بود: "این تجمع حرفه ای و در دفاع از

حق مسلم مردم است"، "بکارگیری تعداد مناسب پرستار سرمایه گذاری در سلامت مردم است"، "این تجمع صنفی نیست، فریاد دفاع از حق مردم و برخورداری از مراقبت مناسب است".

جمع دانشجویان دانشگاه تهران مقابل معاونت دانشگاه

روز سه شنبه ۴ دی جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران مقابل دفتر معاونت دانشجویی این دانشگاه در اعتراض به کارشکنیهای این معاونت در راه تشکیل شورای صنفی در این دانشگاه و خوانش سلیقه ای از آیین نامه شوراهای صنفی تجمع کردند. دانشجویان در این تجمع پلاکاردهایی در دست داشتند که بر تعدادی از آنها چنین نوشته شده بود: "شورای صنفی، صدای دانشجویان"، "خوانشهای سلیقه ای از آیین نامه محکوم است"، "برخورد امنیتی محکوم است"، "تشکیل حق مسلم ماست"، "سنگ اندازی در تشکیل شوراها محکوم است"، "ما خواستار برگزاری انتخابات شورای صنفی برای تمامی واحدها هستیم"، "حد نصاب ۲۵ درصد جلوگیری از تشکیل شورا است"، "مشکل ما بی قانونی است".

تجمع دانشجویان بلاتکلیف دانشگاه آزاد مقابل مجلس

تعدادی از داوطلبان علوم پزشکی واحدهای مختلف دانشگاه آزاد که در پی کلاهبرداری صورت گرفته در پذیرش دانشجویان سال ۹۷ بلاتکلیف هستند، روز یکشنبه ۹ دی مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

تجمع کنندگان خواستار تعیین تکلیف وضعیت شان شدند و پلاکاردهایی با این مضمونها در دست داشتند: "مجلس شورای اسلامی، مسافران اتوبوس یازدهم مهر دانشگاه آزاد را از مرگ نجات دهید" و "دانشگاه آزاد باید به حق قانونی که ما را ثبت نام قطعی کرده، احترام گذارد".



تجمع دانشجویان دانشگاه ارومیه مقابل سلف مرکزی دانشگاه

روز چهارشنبه ۵ دی دانشجویان دانشگاه ارومیه در اعتراض به وضعیت تغذیه و سلف و بی توجهی به مشکلات صنفی دانشجویان، مقابل ساختمان سلف مرکزی دانشگاه تجمع کردند و به عنوان اعتراض سینیهای غذا را روی زمین چیدند.

تجمع دانشجویان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد

بامداد روز شنبه ۸ دی صدها تن از دانشجویان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد به همراه خانواده‌های خود و بستگان قربانیان حادثه واژگونی اتوبوس در پارکینگ این دانشگاه تجمع کرده و به خطاهای مدیریت دانشگاه آزاد اعتراض کردند. دانشجویان خواستار نوسازی ناوگان اتوبوسرانی، استعفا و عذرخواهی رسمی سرپرست این واحد و رییس دانشگاه آزاد شدند. کسی از مدیران دانشگاه در جمع متعرضان حضور نیافت. در این تجمع توماری نیز در اعتراض به مدیریت دانشگاه امضا شد. دانشجویان خواهان حضور رضا مسعودی، رئیس واحد علوم تحقیقات در جمع خود بوده و گفتند که از خون هم‌دانشگاهیهای خود نخواهند گذشت. دانشجویان این واحد دانشگاه آزاد در روز یکشنبه ۹ دی نیز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دانشجویان دانشگاه زنجان در اعتراض به شهریه های گزاف تجمع کردند

روز یکشنبه ۹ دی دانشجویان پردیس بین الملل دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان در اعتراض به شهریه های گزافی که از دانشجویان دریافت می شود، تجمع کردند. این دانشجویان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: "حتما باید نگاه به دانشجو یک نگاه جدی، نگاهی عملیاتی و از همه مهمتر پیگیر و دلسوزانه باشد"، "اگر بودن ما به دانشگاه ضرر می رساند، خواهشا ما را به دانشگاه های دیگر منتقل کنید تا بتوانیم با هزینه کمتر و امکانات بیشتر تحصیل کنیم".

حمله نیروهای سرکوبگر به تجمع مقابل دانشگاه تهران



روز دوشنبه ۱۰ دی در سالگرد تظاهرات سراسری مردم در دیماه ۱۳۹۶ و همزمان با اعتراض دانشجویان نسبت به جان باختن دردناک ۱۰ دانشجو در واقعه دلخراش واژگونی اتوبوس سرویس دانشجویان، دانشجویان و مردم در برابر دانشگاه تهران گردهم آمدند.

دانشجویان دانشگاه های مختلف در تهران از جمله دانشگاه تهران، امیرکبیر، صنعتی شریف و علم و صنعت در این تجمع شرکت داشتند.

حکومت در وحشت از برگزاری و گسترش گردهمایی، شمار زیادی از نیروهای سرکوب خود را به محل اعزام کرد، به طوریکه در سرتاسر خیابان کارگر شمالی و میدان انقلاب نیروهای وزارت اطلاعات و لباس شخصیها مستقر شده بودند. همچنین انبوه نیروهای انتظامی و امنیتی در مقابل درب اصلی دانشگاه تهران مستقر شده و حکومت نظامی اعلام نشده ای را برقرار کرده بودند. نیروهای حکومتی با پرتاب گاز اشک آور به تجمع کنندگان حمله بردند و ده ها تن از دانشجویان و مردمی که به آنها پیوسته بودند، مورد ضرب و شتم وحشیانه ماموران قرار گرفتند.

مردم و دانشجویان شعار می دادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر جمهوری آخوندی"، "نترسید نترسید، ما همه با هم هستیم"، "بی شرف بی شرف".

همزمان با اوجگیری شعارهای سرکوبگر درصدد بر آمدند که یک خانم را دستگیر کنند اما با شعارها و دخالت تجمع کنندگان به ویژه زنان عقب نشینی کردند.

اعتراض دانشجویان به ایجاد مراکز آموزشی علوم پزشکی خصوصی

شورای صنفی مرکزی دانشجویان دانشگاه/ دانشکده های علوم پزشکی سراسر کشور و شورای صنفی دانشجویان ۵۴ دانشگاه علوم پزشکی با صدور بیانیه ای به تصمیم دولت مبنی بر ایجاد مراکز آموزشی علوم پزشکی خصوصی اعتراض کردند.

این تشکلهای دانشجویی نوشتند: "در حالیکه وزیر بهداشت چندی پیش به انتقاد شدید از ایجاد بی رویه دانشگاه در کشور پرداخته بود و نیز با توجه به شرایط کنونی دانشگاه های علوم پزشکی و کمبود امکانات شدید به گونه ای که وزارت بهداشت حتی توانایی تامین اعضای هیات علمی و بیمارستان و فضای آموزشی و ایجاد شغل مناسب برای دانشجویان بخش دولتی را هم دارا نیست، این تصمیم موجب نگرانی شدید جامعه علوم پزشکی کشور شده است."

دانشجویان طرح خصوص سازی علوم پزشکی را موجب کاهش سطح آموزش دانستند که باعث ضربه به سطح علمی فارغ التحصیلان این رشته ها، از بین رفتن بازار کار و در پی آن اثرات مخرب فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می شود. آنها همچنین تاکید کردند که طرح مزبور مانع ورود دانش آموزان با استعداد ولی محروم از تمکن مالی به دانشگاه های علوم پزشکی دولتی کشور خواهد شد.

آنها تاکید کرده اند مخالف اجرای چنین طرحهایی هستند و پیگیر ابطال آن بدون هیچ قید و شرطی خواهند بود.

دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری تجمع اعتراضی کردند

دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری روز شنبه ۱۵ دی در اعتراض به عملکردهای معاونت دانشجویی زیر باران شدید دست به تجمع در مقابل غذاخوری مرکزی این دانشگاه زدند. آنها به بی کیفیتی و گرانی غذاها اعتراض داشتند، خواهان پاسخگویی مسوولان دانشگاه شدند.



تحصن دانشجویان شیرازی در اعتراض به مرگ یک زن کارتن خواب

عده ای از دانشجویان دانشگاه شیراز سه شنبه شب ۱۸ دی در اعتراض به مرگ یک زن کارتن خواب که جمعه شب ۱۴ دیماه در شیراز از سرما درگذشت، تجمع کردند.

دانشجویان در مقابل ساختمان شورای شهر جمع شده و اعلام کردند تا حل مشکل بی خانمانی کارتن خوابها در سرما می خوابند.

حسن همتی، مسوول روابط عمومی اورژانس فارس، در باره

مرگ این زن گفت: "ساعت ۶ صبح روز یکشنبه ۹ دی ماه با اعلام گزارشی به سامانه ۱۱۵ اورژانس مبنی بر بیهوشی یک خانم در بازارچه فیل و جنب هتل پرهامی (دروازه سعدی شیراز) بلافاصله امدادگران به محل حادثه اعزام شدند. متأسفانه با رسیدن تکنسینهای اورژانس این خانم فوت شده بود.

به گفته علیرضا خلیلی، مسوول روابط عمومی پزشکی قانونی فارس، کارتن خواب فوت شده "فریبا" نام داشته و ۵۰ سال سن داشته است.

گفتنی است که کارتن خوابی در سطح کلان شهرهای ایران تبدیل به روال شده است و فقرا و تنگدستان بدون داشتن سرپناهی در خیابانها آواره هستند.

وضعیت نامناسب بودجه صندوق رفاه دانشجویان علوم پزشکی در لایحه

دکتر محمدرضا فراهانی درباره وضعیت بودجه صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت در لایحه بودجه ۹۸ گفت: "در حالی که بودجه عمومی صندوق رفاه وزارت علوم ۱۰ درصد افزایش داشته، اما بودجه صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت هیچ افزایشی نداشته است."

وی افزود: "با توجه به اینکه از گذشته فاصله زیادی میان بودجه این دو صندوق وجود داشت، با وضعیت بودجه فعلی نه تنها این فاصله اصلاح نشد، بلکه فاصله بیشتر هم شد."

فراهانی تاکید کرد: "این مساله موجب می شود که این صندوق بودجه مناسبی برای مسائل رفاهی نداشته باشد."

اخراج دانشجویان بهایی دارد

بدیع صفاجو، شهروند بهایی ساکن کرج و دانشجوی ترم هفت مهندسی شیمی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد، به دلیل بهایی بودن از این دانشگاه اخراج و از ادامه تحصیل محروم شد. او در سال ۹۴ نیز با وجود داشتن رتبه هزار و ۹۰۰ ریاضی فیزیک از تحصیل در دانشگاه دولتی محروم شده بود.



در اواسط ماه (دی) نیز یک دانشجوی بهایی به نام سما نظیفی در واحد شهریار دانشگاه آزاد و سر جلسه امتحان اخراج و از ادامه تحصیل محروم شد.

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بهاییان علاوه بر محرومیت از اشتغال در اماکن دولتی، از تحصیلات دانشگاهی نیز محروم

هستند. در سال جاری تحصیلی دستکم ۵۸ نفر از دانشجویان بهایی پس از کنکور سراسری از ادامه تحصیل منع شدند. حداقل ۱۱ دانشجوی بهایی هم در مقاطع مختلف از دانشگاه ها اخراج شده اند.

حمایت شوراهای صنفی دانشجویان کشور از افشاگری اسماعیل بخشی

شوراهای صنفی دانشجویان سراسر کشور با انتشار اطلاعیه ای حمایت خود را از افشاگری اسماعیل بخشی پیرامون شکنجه خود در دوران بازداشت اعلام داشتند.

آنها با اشاره به شکنجه به عنوان یک رویه در سیستم جمهوری اسلامی نوشته اند: "بازداشتهای بدون حکم دستگیری، ضرب و شتم هنگام بازداشت، انفرادیهای طولانی مدت، بازجویی با چشمان بسته و انواع تهدید و ارعاب و ضرب و شتم در دوران بازجویی از جمله مصادیق شکنجه و موارد غیرقانونی ای بود که در بازداشت برخی فعالین صنفی - دانشجویی نیز

اتفاق افتاد و اکنون به میانجی نامه‌اسماعیل بخشی برخی از آنان همچون رویا صغیری و سپیده قلیان به افشای آن پرداخته‌اند.



آنها تاکید کرده‌اند: "بارها شعار دادیم و بر آن هستیم که "فرزند کارگرانی، کنارشان می‌مانیم" و امروز ما خود به عنوان زخم خوردگان "شکنجه" و "زند" به خاطر فریاد "برابری و آزادی"، اسماعیل بخشی را همسنگری می‌دانیم که لحظه‌ای تنه‌ایش نخواهیم گذاشت همچنان که کارگران "هفت تپه" و "فولاد" را تنها نگذاشتیم."

اتوبوس دانشجویان فنی مهندسی بوئین زهرا از جاده خارج شد

اتوبوسی که حامل دانشجویان فنی مهندسی بوئین زهرا بود، در جاده بوئین زهرا - گلشهر از جاده خارج شد. در این حادثه یک دانشجوی دختر مصدوم شده است. به گفته دانشجویان این اتوبوس پیش از این هم چند بار به علت نقص فنی در حاشیه جاده متوقف شد. یکی از سرنشینان در این رابطه گفت: "اتوبوس یکبار ساعت ۸ شب خراب شد و دانشجویان را پیاده کرده بود."

تجمع دانشجویان علوم پزشکی شیراز

روز شنبه ۲۲ دی، جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز در اعتراض به ابلاغ آیین نامه ایجاد مراکز آموزشی خصوصی مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه تجمع کردند. دانشجویان این دانشگاه با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار رسیدگی به مصوبه وزارت بهداشت، درمان شدند.

اعتراض داوطلبان علوم پزشکی دانشگاه آزاد برای چندمین بار

روز یکشنبه ۳۰ دی جمعی از داوطلبان علوم پزشکی دانشگاه آزاد در اعتراض به بلا تکلیفی تحصیلی خود، مقابل ساختمان مجلس اقدام به برگزاری تجمع کردند. در حالی که مسوولان دانشگاه آزاد بارها از حل مشکل تحصیلی داوطلبان علوم پزشکی این دانشگاه سخن گفته‌اند، اما داوطلبان این دانشگاه در ۴ ماه گذشته به طور مکرر مقابل ساختمان سازمان مرکزی، نهاد ریاست جمهوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی تجمعات اعتراضی برپا کرده‌اند. دانشگاه آزاد در ۲۳ مهرماه سال جاری ثبت نام ۴ هزار و ۲۶۹ نفر از داوطلبان ذخیره را پس از اخذ شهریه لغو کرد که این امر اعتراض برخی داوطلبان و خانواده‌های آنها را در پی داشت.

(منابع: هرانا، دانشجو آنلاین، تبسم مهر، سلامت نیوز، فارس، ایرنا، ایسنا، دویچه وله، خبرنگار دانشجوایان ایران، ایران کارگر، خانه ملت، ایلنا، انصاف نیوز، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، مهر، کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، آنا، ایسکانیوز)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس bedostan@gmail.com

کارورزان سلامت (دی ۹۷)

امید برهانی

مهم ترین سر فصلهای خبری این ماه، حذف اعتبار لازم برای اجرای قانون تعرفه گذاری نظام پرستاری در بودجه سال آینده، ادعای بی نیازی قانون تعرفه های پرستاری به بودجه کلان و درآمدن صدای کمبود شدید پرستار در اکثر استانهای کشور هستند. با هم می خوانیم:

احتمال بروز سونامی کمبود پرستار در کشور



رییس نظام پرستاری میناب با اشاره به بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه کار که این روزها در میان پرستاران رواج یافته، تاکید کرد: "عدم تمایل پرستاران به ادامه کار پس از ۲۰ سال خدمت، زنگ خطری برای متولیان سلامت کشور، مسوولین وزارت بهداشت و بالطبع سلامت جامعه خواهد بود، چرا که کاهش تعداد ارایه دهندگان خدمات پرستاری در بیمارستانهای کشور، کاهش کیفیت خدمات را به گیرندگان خدمت که همان مردم جامعه هستند در پی خواهد داشت." مرتضی حکمتی افزود: "برخلاف بعضی از سازمانها که نیروهای شان

تمایل وافری به خدمت کامل ۳۰ ساله دارند، گروه های پرستاری بعد از ۲۰ سال خدمت به دنبال بازنشستگی و خروج از بدنه بهداشت و درمان کشور هستند، این موضوع تبدیل به سونامی فاجعه بار کمبود نیروهای پرستاری در کشور خواهد شد و عواقب آن دامن وزارت بهداشت را خواهد گرفت."

وی گفت: "پرستاران علاوه بر ناعدالتی در پرداختها، از طرحهای ضد پرستاری تربیت پرستار بیمارستانی و ایجاد رشته هایی همچون کارشناس مراقب سلامت و... به ستوه آمده اند."

حکمتی خاطر نشان کرد: "پرداخت نشدن معوقات موج نارضایتی را در بین پرستاران ایجاد کرده و هر روز با وعده های ۳ ماهه و ۶ ماهه مسوولین در پرداختها، یاس و ناامیدی و عدم اعتماد پرستاران به وعده های مسوولان بیشتر می شود."

وضعیت نیروی پرستاری در ایران مثل ۴۵ سال قبل



دبیرکل خانه پرستار با اشاره به استانداردهای نسبت پرستار به تخت بیمارستانی گفت: "شرایط ما مشابه ۴۵ سال قبل است، در سال ۱۳۵۰ به ازای هر تخت بیمارستانی یک پرستار داشتیم که در حال حاضر کمتر از یک نفر پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی در کشور وجود دارد."

شریفی مقدم با اشاره به اجرای قانون ارتقای بهره وری که منجر به کاهش ساعت کار پرستاران شد و در عین حال افزایش خدمات پرستاری گفت: "در این شرایط، به ازای هر تخت بیمارستانی بین ۷ دهم تا ۸ دهم نیروی پرستاری وجود دارد."

وی افزود: "باید از مسوولان پرسید که افزایش ۲۰۰ هزار نفری نیروی انسانی در وزارت بهداشت در چه شرایطی صورت گرفته است. در حالی که مهم تر از خط اول مراقبت که همانا نیروهای پرستاری هستند، وجود ندارد."

شرفی مقدم با اشاره به وجود بیش از ۲۰ هزار فارغ التحصیل پرستاری و نیروی طرحی بیکار، پرسید: "چرا شرایط جذب این نیروها فراهم نیست؟"

حذف ردیف مربوط به تامین حقوق پرستاران در بودجه ۹۸

عضو کمیسیون بهداشت مجلس از حذف اعتبار لازم برای اجرای قانون تعرفه گذاری نظام پرستاری در بودجه سال آینده خبر داد. ذبیح الله نیکفر لیاستانی گفت: "پیش از این مبلغی برای اجرای این قانون در نظر گرفته شده بود که در بودجه ۹۸ حذف شده است. اما همچنان اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس پیگیر هستند تا ردیفی برای تحقق این مهم در بودجه سال آینده لحاظ شود."

وی خاطرنشان کرد: "دولت باید به این پرسش پاسخ دهد که چرا تا این اندازه نسبت به جایگاه پرستاران در کشور و تامین حقوق آنها بی توجه است، آن هم در شرایطی که پرستاری یک شغل سخت و زیان آور بوده که باید هم بازنشستگی زودتر از موعد داشته باشد و هم امکانات ویژه ای برای آن لحاظ شود."



همدان نیازمند یک هزار کادر پرستاری

مدیر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان گفت: "این استان برای رسیدن به استاندارد، نیازمند یک هزار کادر پرستاری شامل پرستار، بهیار، اتاق عمل و کمک پرستار است."

فاطمه شیرانی گفت: "ضریب پرستار به نسبت تخت به طور استاندارد ۱.۷ است در حالیکه این ضریب در استان همدان یک است. تنها راه برای رفع این خلاء، جذب نیروی انسانی است و با جذب نیروهای طرحی و شرکتی نمی توان این مشکل را رفع کرد."

سه هزار و ۵۰۰ کادر پرستاری در بیمارستانهای همدان مشغول به کار هستند.

تجمع پرستاران در مقابل مجلس

بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان و گروه های دیگر پرستاری روز سه شنبه ۴ دی در اعتراض به تصمیم سازمان مدیریت و برنامه ریزی و عدم جذب پرستاران، در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

تجمع کنندگان خواستار ورود مجلس به موضوع استخدام پرستاران و پاسخگویی سازمان مدیریت و برنامه ریزی شدند. سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ماه گذشته از رد اعتبار مورد نیاز برای جذب و استخدام پرستار در بودجه سال ۹۸ خبر داده بود.

مجلس: تعرفه گذاری خدمات پرستاری نیاز به بودجه ندارد



حسینعلی شهریاری، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در ارتباط با تعیین تکلیف قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که در سال ۸۶ به تصویب مجلس رسیده، گفت: "کمیسیون بهداشت و درمان مجلس معتقد است که اجرای تعرفه گذاری خدمات پرستاری نیاز به بودجه ندارد. اگر قرار است که اجرای این قانون نیاز به بودجه دارد، می بایست در بودجه ۹۸ لحاظ شود."

اکبر ترکی، یکی دیگر از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، نیز گفت: "طی جلسه ای که در کمیسیون اصل ۹۰ برای اجرای تعرفه گذاری برگزار شد، پذیرفته شد که تعرفه گذاری

پرستاری نیاز به بودجه ندارد و تا سقف کارانه ابلاغی وزارت بهداشت قابل اجرا است و کمیسیون بهداشت و درمان پیگیر این موضوع خواهد بود."

اعتراض به تاسیس موسسات آموزش عالی علوم پزشکی خصوصی

اعضای "شورای دانشجویی نظام پرستاریهای سراسر کشور"، با صدور بیانیه ای، نسبت به تصمیم وزارت بهداشت برای تاسیس موسسات آموزش عالی علوم پزشکی خصوصی، واکنش نشان دادند. در این بیانیه تاکید گردیده که انتشار "دستورالعمل اجرایی آیین نامه تاسیس موسسات آموزش عالی علوم پزشکی خصوصی" توسط وزارت بهداشت، "بار دیگر نگاه مادی گرایانه و غیر استاندارد دست اندرکاران این حوزه به موضوع سلامت را بر همگان آشکار گرداند".

نویسندگان می گویند اجرای این آیین نامه موجب "کاهش کیفیت سطح آموزشهای حوزه علوم پزشکی و به تبع آن کاهش سطح کیفی خدمات ارائه شده به مردم" خواهد شد و اطمینان داده اند: "دانشجویان گروه های پرستاری سراسر کشور ذره ای از حقوق ملت و حقوق صنفی و حرفه ای خود در این حوزه کوتاه نخواهند آمد و اجازه چنین تعرض آشکاری به حقوق بیماران را به سودجویان و کاسبان حوزه سلامت کشور نخواهند داد."

"شورای دانشجویی نظام پرستاریهای سراسر کشور" خواهان لغو فوری آیین نامه مزبور شده و نسبت به "تبعات سنگین و جبران ناپذیر بی توجهی به سطح سلامت و حقوق قانونی بیماران و نادیده گرفتن حقوق حرفه ای و صنفی اعضای جامعه پزشکی کشور" هشدار داده است.

سنگ اندازی در مسیر بازنشستگی پرستاران

رئیس نظام پرستاری رامسر می گوید در دانشگاه مازندران در سال جاری با بازنشستگی پرستاران با ۲۵ سابقه موافقت نمی شود و سن مشاغل سخت پرستاری را ۲۸ سال اعلام کرده اند.

مجید برفی گفت: "این درحالی است که براساس قانون ارتقای بهره وری، پرستاری جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب می شود و بنابراین پرستاران می توانند با ۲۵ سال سابقه بازنشسته شوند."

وی افزود: "در حال حاضر در یکی از بیمارستانهای رامسر پرستاران با ۲۵ سال سابقه و به دلیل مشکلات



جسمی و روحی تمایل به بازنشستگی دارند، اما با درخواست آنان موافقت نمی شود."

او افزود: "به دنبال پیگیری به عمل آمده مشخص شد که دلیل این امر، تبصره ای در قانون مشاغل سخت و زیان آور است که در آن عنوان می شود بازنشستگی در صورت توافق ریاست دانشگاه انجام خواهد شد. بنابراین پرستاران با وجود این که مشمول قانون سخت و زیان آور بودن، هستند نمی توانند از مزایای این قانون بهره مند شوند."

مرگ پرستار جوان لارستانی بر اثر فشار کار

سعید عالیان، پرستار ۲۴ ساله بخش داخلی مرکز درمانی امام رضا لار، روز گذشته در حین خدمت دچار پارگی آئورت و مرگ مغزی شد. عالیان فقط هجده ماه سابقه کار داشت که دچار این عارضه شد. خانواده او رضایت دادند که اعضای بدنش به سه نیازمند اهدا شود.



سازمان نظام پرستاری کشور انجام شیفتهای متعدد و خستگی ناشی از ساعت کار زیاد را دلیل مرگ این پرستار دانسته و در پایگاه اطلاع رسانی خود آورده است: "آسیبهای سختی کار و کمبود نیرو در بخش پرستاری سالهای سال است که مرگ و میرهای پنهانی را به دنبال داشته که مرگ پرستار جوان در اثر خستگی ناشی از شیفتهای متعدد، می تواند نمونه ای از دهها و صدها مرگ و میر پرستاران کشور باشد."

پرستاران استان مرکزی ۲۰ میلیارد تومان مطالبات معوق دارند

رئیس هیات مدیره نظام پرستاری استان مرکزی گفت: "یک هزار و پانصد پرستار این استان حدود ۲۰۰ میلیارد ریال مطالبات معوق دارند."

محسن غنجی افزود: "مطالبات پرستاران استان از فروردین ماه امسال تاکنون پرداخت نشده است." وی تاخیر در پرداخت معوقات، کمبود نیروی پرستاری، اجرا نشدن قانون سختی کار و تعرفه قانونی، محول شدن فعالیتهای خارج از وظایف پرستاران، استاندارد نبودن فضای کار، نقص در رفاهیات و نبود ارزیابی دوره ای سلامت را از عمده مشکلات جامعه پرستاری استان مرکزی برشمرد. استان مرکزی ۲۱ مرکز درمانی دارد که مدیریت ۱۵ بیمارستان با حوزه دولتی و سه بیمارستان خصوصی و سه بیمارستان با مدیریت درمان تامین اجتماعی است.

مرگ پنهان بیماران در بیمارستان در اثر کمبود پرستار

نایب رئیس سازمان نظام پرستاری آذربایجان شرقی در مراسمی که به مناسبت هفته پرستاری برگزار شده بود، از مرگ پنهان بیماران در بیمارستان در اثر کمبود پرستاران خبر داد و گفت: کمبود پرستاران در گروه پرستاری از حد استاندارد موجب شده تا به حد کافی به بیماران در بیمارستانها توجه نشود. محمد ارشدی افزود: "کشور ما به شدت با کمبود پرستار مواجه است. در ایران براساس استاندارد به ازای هر یک هزار نفر باید ۱.۸ پرستار وجود داشته باشد، در حالی که در برخی کشورهای دنیا این تعداد ۱۲ پرستار و در حوزه خلیج فارس ۱۰.۸ پرستار است."

وی با این حال گفت: "متوسط نرم پرستاری (شاخصهای ۸ گانه پرستاری) کشور حدود هفت دهم بوده، در حالی که این میزان در آذربایجان شرقی حدود ۹ دهم تا یک است که این آمار نشانگر وضعیت خوب استان نسبت به سطح کشور می باشد."

از سوی دیگر رئیس سازمان نظام پرستاری آذربایجان شرقی در همین مراسم پیرامون وضعیت بیمارستانهای استان گفت: "بخش پرستاری یک هزار نفر، کمک پرستاری ۹۰۰ نفر، اتاق عمل ۳۰۰ نفر و هوشبری استان ۲۰۰ نفر کمبود نیروی انسانی دارد."

اجبار پرستاران به اضافه کاری با ساعتی ۵ تا ۱۰ هزار تومان

رئیس هیات مدیره سازمان نظام پرستاری مشهد با بیان اینکه اضافه کار پرستاران در برخی کشورها ممنوع است، افزود: "در کشور ما برخی پرستاران به خاطر نیاز بیمارستانها مجبور به اضافه کاری با ساعتی ۵ تا ۱۰ هزار تومان می شوند و این مساله بسیار ناراحت کننده است."

سیدرضا مظلوم اضافه کرد: "ضرایب پرداختی در محاسبه ساعات کاری و ساعات اضافه کار براساس قانون ارتقای بهره وری پرستاران به درستی اعمال نمی شود." وی گفت: "۱۲ سال از تصویب قانون تعرفه گذاری می گذرد، اما این قانون هنوز اجرا نشده است. از سوی دیگر هنوز شاهد اجرای ناقص قانون ارتقای بهره وری پرستاران هستیم که بیش از ۱۰ سال از تصویب آن می گذرد."

قراردادهای یک ماهه در بیمارستانهای بخش خصوصی

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارگری پرستاران تهران با اشاره به اینکه دستمزد در بخش خصوصی برای پرسنل



پرستار و کادر درمان بسیار پایین است، اظهار داشت: "حداقلهای قانونی را طبق قراردادهای یک ماهه به پرستاران پرداخت می کنند. متأسفانه قراردادهای کار پرستاران و کادر درمان در بخش خصوصی اغلب قراردادهای موقت هستند که مدت آن از ۳ ماه هم تقلیل پیدا کرده و در برخی بیمارستانها به یک ماه نیز می رسد."

مسعود نیازی افزود: "مادام که نتوانیم در بیمارستانهای خصوصی طرح طبقه بندی مشاغل را که بیش از ۲۰ سال از عمر آن می گذرد به اجرا درآوریم، مزد پرستاران معقول نخواهد شد. فردی که در بخش خصوصی عنوان پرستار دارد، از دانشگاه های همین کشور فارغ التحصیل شده، اما حدود دو برابر و نیم پایین تر از پرستاران بخش دولتی دستمزد می گیرد."

این فعال صنفی پرستاران گفت: "قانون کاهش ساعت کار و "ارتقای بهره وری" نیروی کار در بخش دولتی اجرا شد که موجب شد پرستاران حدود ۳۴ تا ۳۶ ساعت در یک هفته کار می کنند، اما در بیمارستانهای خصوصی به این خاطر که تابع قانون کار هستند، همچنان پرستاران ۴۴ ساعت در هفته کار می کنند. پرستاران دولتی به نسبت پرستاران بخش خصوصی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کمتر کار می کنند، اما در بخش خصوصی سوابق پرستاران تاثیری بر این موضوع ندارد و باید ۴۴ ساعت در هفته کار کنند."

(منابع: نظام پرستاری، مهر، خانه ملت، سلامت نیوز، فارس، ایلنا، ایرنا)

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس **bedostan@gmail.com**

زنان در مسیر رهایی (دی ۹۷)

اسد طاهری

زنان کارگر قالیباف و مشکلات بیمه

بافت فرش دستباف به طور عمده به عهده زنان کارگر است. بنا به آمار سازمان تامین اجتماعی، از ۴۰۰ هزار کارگر قالیباف که تا سال ۱۳۹۴ تحت پوشش بیمه این سازمان بودند، ۷۰ درصد زن بودند.



این کارگران برای هشت ساعت بافت مستمر روزانه، در ماه بین ۵۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می کنند. آنها دچار انواع بیماریها از قبیل کمر درد، مشکلات تنفسی و بینایی می شوند.

به منظور حمایت از قالیبافان در برابر حوادث ناشی از کار، از کار افتادگی و بازنشستگی، دولت از سال ۱۳۸۸ گزینه بیمه

قالیبافان را معرفی کرد که بنا به آن قالیبافان می توانستند با پرداخت نزدیک به ۷۰ هزار تومان در ماه به سازمان تامین اجتماعی، خود را بیمه کنند.

اما بخش قابل توجهی از بافندگان تحت پوشش بیمه قرار نگرفتند (بیش از یک میلیون نفر) و عده ای هم از پوشش بیمه با این بهانه که بافنده واقعی نیستند، حذف شدند.

همچنین از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، ۱۵۰ هزار قالیباف دیگر که از سال ۱۳۸۸ حق بیمه را پرداخت کرده بودند، از بیمه اخراج شدند. سازمان تامین اجتماعی مدعی شده که برخی از افرادی که بیمه بافندگی شده اند، قالیباف نبوده اند و از این بیمه استفاده کرده اند. اما واقعیت آن است که دولت بودجه لازم برای پوشش کارگران قالیباف را از سال ۱۳۹۴ کم کرده و با توجه به کم بودن بودجه، سازمان تامین اجتماعی شروع به حذف پوشش کارگران کرده است.

مخالفت مجلس جمهوری اسلامی با ممنوعیت ازدواج کودکان



کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی طرح کودک همسری که در آن ازدواج دختران زیر ۱۳ سال ممنوع شده است را رد کرد.

سخنگوی کمیسیون حقوقی مجلس در دفاع از این تصمیم گفت: "از نظر نمایندگان در کمیسیون حقوقی، دختر ۱۵ ساله کودک محسوب نمی شود و بر حسب سنجش توانایی و ویژگیها قابلیت ازدواج را دارد."

حسن نوروزی افزود: "پزشکان و روانشناسان

در بررسیهایی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که دختر ۱۴ یا ۱۵ ساله توان اداره زندگی ندارد، ولی در مقابل براساس شرع اسلام، مرکز فقهی قم، نظر کارشناسان ایرانی و لبنانی و رویکرد مطرح شده از سوی برخی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و ارسال نظر مراجع این نظر استنتاج شد که دختر حد بلوغش از ۹ سال شروع می شود."

او درباره ازدواج دختران در سن ۱۰ سالگی در کشور نیز گفت: "مادر بزرگ خود من در ۹ سالگی ازدواج کرد و مشکلی هم نداشت."

انتقال جنسی ایدز بین زنان کشور ۱۰ برابر شده است



رییس مرکز تحقیقات ایدز ایران می گوید طی دو سال اخیر تعداد زنان مبتلا از طریق روابط جنسی ۱۰ برابر شده است.

مینو محرز گفت: "اکثر مبتلایان به ویروس ایدز در کشور ۲۵ تا ۴۰ ساله هستند و به علت ضعف اطلاع رسانی و نبود آموزش در مورد انتقال ایدز از طریق رفتارهای پرخطر جنسی، جوانان در معرض ابتلا به این بیماری هستند."

وی هشدار داد: "به دلیل تماس جنسی ایدز در جوانان به ویژه زنان رو به افزایش است. باید سطح آگاهی جامعه را افزایش داد زیرا بیماران جدید اغلب تحصیلمکرده هستند و از سطح اجتماعی خوبی برخوردارند."

محرز یادآور شد: "آموزش و پرورش درباره مسایل جنسی صحبت نمی کند زیرا معتقد است دانش آموزان بی بند و بار می شوند و این مشکلی است که ما با آن مواجه هستیم. در حالی که انکار و سکوت دو استراتژی بسیار اشتباه در سیاست گذاریهاست، نمی توان وجود برخی رفتارهای پرخطر را انکار کرد در نتیجه باید آموزش داد تا این مسایل کمتر از گذشته شوند."

محکومیت فعال حقوق زنان مصری به دلیل اعتراض به آزار جنسی



یک دادگاه تجدید نظر در مصر "امل فتحی"، فعال حقوق زنان، را به دو سال زندان محکوم کرد. خانم فتحی از مقامهای این کشور به دلیل ناکامی در مبارزه علیه آزار و اذیت جنسی انتقاد کرده بود.

او در ماه مه سال جاری پس از انتشار ویدیویی که در آن از تجربیاتش سخن گفته بود، متهم به "انتشار اخبار جعلی و آسیب رساندن به امنیت ملی" شد و دو روز پس از انتشار این ویدیوی دوازده دقیقه ای در فیسبوک، بازداشت گردید.

خانم فتحی در این ویدیو درباره این که چگونه در یک روز دو بار مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته، توضیح داده است. او همچنین دولت را به دلیل ناکامی در محافظت از خود محکوم کرده و از بدتر شدن وضعیت حقوق بشر، شرایط اجتماعی-اقتصادی و خدمات عمومی انتقاد کرده است.

خانم فتحی که ۳۴ سال دارد، در ماه سپتامبر از سوی یک دادگاه بدوی به دو سال زندان محکوم شد، اما این حکم به دلیل فرجام خواهی به تعلیق درآمد. خانم فتحی برای به تعلیق درآوردن این حکم باید ۱۱۲۰ دلار هزینه رهایی به قید ضمانت و ۵۶۰ دلار جریمه می پرداخت

برای نخستین بار یک زن نماینده دائم افغانستان در سازمان ملل شد



"عادلہ راز"، معاون وزارت خارجه افغانستان در امور همکاریهای اقتصادی، به سمت نمایندگی دائم این کشور در سازمان ملل متحد انتخاب شد. عادلہ راز در دولت پیشین سمت معاون سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان را بر عهده داشت و در سال ۱۳۹۵ به معاونت وزارت خارجه در امور همکاریهای اقتصادی رسید.

کابل همچنین یک ماه قبل خانم "رویا رحمانی" را به عنوان سفیر افغانستان در ایالات متحده منصوب کرده بود.



صف ۶۲۰ کیلومتر زنان هندی در لباسهای رنگارنگ، یکی از بزرگ ترین زنجیره های انسانی ای بود که تاکنون در جهان تشکیل شده است. این اتحاد زنانه ۱۵ دقیقه به طول انجامید و اعضای آن متعهد شدند تا برای "برابری حقوق زنان" و "مبارزه برای سکولاریسم" تلاش کنند. گفته شده است که سه تا پنج میلیون زن در این اقدام مشترک شرکت کردند. در پی این نمایش بزرگ اعتراضی، دو زن هندی در دهه ۴۰ سالگی شان تاریخ هند را برای همیشه دستخوش تغییر کردند. این دو زن پس از ماه ها اعتراض علیه اینکه چرا زنان نباید به معبد "آیپا"، یکی از پرطرفدارترین معبدهای هندویسم در منطقه "ساباریامالا" بروند، دادگاه عالی هند را واداشتند تا این قانون را به طور رسمی لغو کند و مجوز ورود زنان به این معبد را بگیرند.

در حالی که بسیاری از معابد هندوستان به زنان اجازه می دهند تا زمانی که قاعدگی نداشته باشند وارد معبد شوند، اما درهای معبد سابریامالا همواره در طول تاریخ روی زنانی که بین ۱۰ تا ۵۰ سالگی هستند، بسته بوده است. طی ماههای اخیر بین سنت گرایان هندویی و زنانی که حامی حکم دیوان عالی برای رفع ممنوعیت ورود زنان به معابد مقدس هستند، درگیریهای متعددی روی داد. با این حال دادگاه عالی هند با تلاش هزاران زن فعال در عرصه حقوق زنان، سرانجام رای داد که چون این ممنوعیت باعث می شود زنان از حق عبادت محروم شوند، تمام زنان اجازه دارند به معابد مقدس بروند.

دولت کمونیست منطقه "کرالا" از حرکت اعتراضی زنان که "دیوار زنان" نام دارد حمایت کرده است. به همین دلیل دانش آموزان این استان برای شرکت در این تجمع اجازه یافتند تا نصف روز در کلاسهای درس مدرسه شرکت نکنند. امتحانات امروز دانشگاههای منطقه نیز به همین دلیل به تاریخ دیگری موکول شد. این در حالی است که شمار زیادی از گروههای افراطی هندو از جمله حزب ملی گرای "بهاراتیا جاناتا" که حزب نخست وزیر، "نارندرا مودی" است، با لغو قانون منع ورود تمام زنان به معبد مخالفند.

عربستان قانون مبارزه با کودک همسری را تصویب کرد

مجلس شورای عربستان ضوابط جدید ثبت ازدواج را به تصویب رساند و ازدواج دختران و پسران زیر ۱۵ سال را به طور کلی ممنوع و زیر ۱۸ سال را منوط به کسب اجازه از دادگاه کرد.



رئیس مجلس شورای عربستان در بیانیه ای مطبوعاتی که رسانه های عربستانی آن را منتشر کردند، تاکید کرد در سایه گسترش پدیده ازدواج زودهنگام دختران (کودک همسری) و درخواستهای صورت گرفته برای منع گسترش این پدیده مقرر شد ازدواج افراد زیر ۱۵ سال به طور کلی ممنوع و مساله ازدواج افراد زیر ۱۸ سال چه پسر و چه دختر به شکل موردی در دادگاه مطرح و با حکم دادگاه این امر انجام شود.

مدیر کمیته حقوق بشر در مجلس سعودی نیز تاکید کرد که هدف از تصویب این قانون جدید حمایت از خانواده ها در این کشور و تلاش برای کاستن از آمار بالای طلاق است.

سومین راهپیمایی سراسری زنان جهان برای حقوق برابر

زنان در ایالات متحده و سایر کشورهای جهان در دومین سالگرد نخستین راهپیمایی سراسری خود، راهی خیابانها شدند. اکثر شهرهای بزرگ ایالات متحده از جمله نیویورک، و واشنگتن و نیز شهرهای اروپایی نظیر لندن، برلین و رم شاهد حضور زنان بود.



راهپیمایی سراسری زنان نخستین بار در ژانویه سال ۲۰۱۷ و یک روز پس از انجام مراسم تحلیف دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا برپا شد. امسال دو گروه Women's March و March On برنامه ریزی راهپیمایی زنان در شهرهای مختلف آمریکا را برعهده داشتند.

برگزارکنندگان این رویداد سراسری در ایالات متحده اهداف عمده راهپیمایی امسال را ایجاد فشار سیاسی به منظور افزایش حداقل دستمزد،

امکان دسترسی به بهداشت و مسایل مربوط به باروری و نیز ترغیب زنان به شرکت در انتخابات عنوان کردند. فعالان علاوه بر اینها دفاع از حقوق مهاجران و همچنین حفظ محیط زیست را از جمله اهداف خود در برگزاری این راهپیمایی عنوان کردند.

در برخی شهرها نظیر نیویورک و واشنگتن بیش از یک راهپیمایی در جریان بود، چرا که رهبران برخی از راهپیماییها به داشتن عقاید یهود ستیزانه متهم شده بودند؛ اتهامی که این زنان سعی داشتند در مصاحبه های اخیر خود آن را نفی کنند. از سوی دیگر، راهپیمایی دیگری روز جمعه از سوی زنان محافظه کار آمریکا و مخالفان سقط جنین در واشنگتن برگزار شد که مایک پنس، معاون رئیس جمهوری آمریکا، نیز در آن شرکت داشت.

زنان محافظه کار آمریکا که حامی سیاستهای ترامپ و مخالف سقط جنین هستند از راهپیمایی سراسری زنان انتقاد کردند.

رویدادهای هنری ماه (دی ۹۷)

فتح الله کیائیهها

هنوز "ارباب جنایتها" در جمهوری اسلامی از عملیات ظفرنمون ارتش اراذل اوباش اش علیه کارگران به جان آمده و آهنین عزم هفت تپه و فولاد خوزستان به شادی و پایکوبی برنخاسته بود، که یکی از هنرمندان با شرف و وجدان در سلک لباس کار کارگران صنایع فولاد، کنسرتی را در حمایت از آنان اجرا کرد و بساط دود و دم شادی دژخیم را برهم زد. به گزارش کوتاهی از "بهار نیوز" توجه کنید:



"مهدی یراحی که خود زاده اهواز است و همیشه در اتخاذ مواضع حمایتی از مردم خوزستان پیشقراول بوده، این بار در حمایت از کارگران بازداشتی فولاد با لباس کارگری رو صحنه رفت و به اجرا در اهواز پرداخت.

"فرهاد گوی آبادی، مدیر گروه، گفت: "این خواننده شب گذشته (پنجشنبه ۶ دی ماه) در حمایت از کارگران بازداشتی فولاد اهواز با لباس کارگری آنان کنسرتی را در دو سئانس و در تالار آفتاب شهر اهواز برگزار کرد. این خواننده پاپ همیشه در اتخاذ مواضع حمایتی

از مردم خوزستان پیشقراول بوده و یکی از هنرمندانی است که او را به عنوان دوستدار محیط زیست می شناسیم. حضورش در "زنجیره های انسانی نجات کارون" در اهواز، ترانه "خاک" برای مردم اهواز و دیگر واکنشهای اجتماعی اش را به یاد داریم."

اگر چه دژخیمان از طرف او ندامت نامه ای را پخش کرده و چنین وانمود کردند که بابت این کار پوزش خواهی کرده، اما این هنرمند جوان در یک گفتگوی زنده اینستاگرامی با دوستانش در باره انتشار ندامت نامه گفت: "بابت کاری که کردم پشیمان نیستم و هیچ وقت عذرخواهی نکردم."

موسیقی

ممنوعیت فعالیت هنری برای سه هنرمند

علی قمصری، آهنگساز و نوازنده تار، می گوید افزون بر خودش، دو عضو دیگر گروه "همنوازان حصار" از ادامه کار هنری منع شده اند. او از ابلاغ کتبی این ممنوعیت و لغو کنسرتهای اصفهان و شهرستان صحنه نیز خبر می دهد.

در اجرای شامگاه سه شنبه ۱۸ دی، مسوولان تالار وحدت در زمانی که قمصری ترانه ای دو صدایی با هاله سیفی زاده اجرا می کرد، میکروفنها را قطع کردند. از قمصری خواسته شده بود بخش مربوط به شعر فروغ فرخزاد با صدای خواننده زن اجرا نشود و گرنه جلوی

کنسرت را خواهند گرفت. علی قمصری می گوید وقتی به او گفتند که "ممنوع الکار" می شود، به سیم آخر زد و موازنه صدا در همخوانی با خواننده زن را رعایت نکرد. به او ابلاغ شده که خودش و دو عضو دیگر گروه "همنوازان حصار" دیگر اجازه فعالیت ندارند.



سینما - تئاتر

اعتراض خانه تئاتر به دخالت‌های قوه قضائیه



بعد از احضار و بازخواست برخی از کارگردانان تئاتر در ایران، فعالان هنری در تجمعی در تهران ضمن نامه سرگشاده، به سران جمهوری اسلامی به این برخوردها اعتراض کردند.

بیش از سیصد نفر از اعضای خانه تئاتر روز شنبه ۲۲ دی در عمارت خانه تئاتر تجمع کردند. آنها در نامه خود خطاب به روسای سه قوه، به دخالت‌های غیرقانونی قوه قضائیه و بازداشت و احضار کارگردانان اعتراض کردند.

به تازگی محمد رحمانیان، کارگردان تئاتر "ترانه‌های قدیمی پیکان جوانان"، به خاطر استفاده از یک تک خوان زن در نمایش اش با پیگرد قضایی روبرو شده بود. همچنین گفته شد، شهرام گیل آبادی، مدیر خانه تئاتر، به دادسرا احضار و با قرار کفالت آزاد شد.

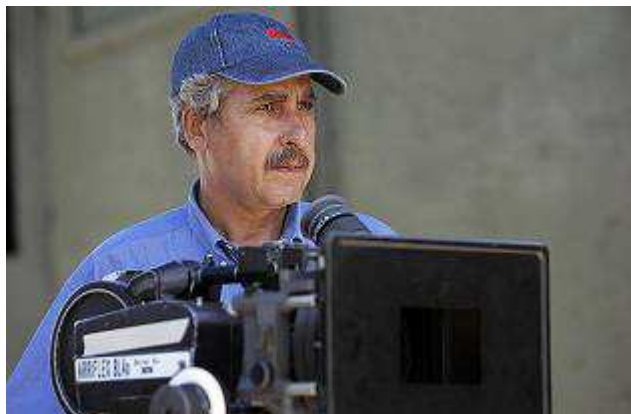
شهریور ماه نیز سعید اسدی، مدیرکل تئاتر شهر، و مریم کاظمی، کارگردان نمایش "رویای شب تابستان"، بازداشت و با وثیقه آزاد شدند.

همچنین دو هفته پیش عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، از وزارت ارشاد خواسته بود با تئاتر

"بینویان" در تالار هتل اسپیناس تهران به خاطر آنچه "عدم رعایت حجاب، اختلاط زن و مرد، استفاده از پرچم کشور فرانسه به نشانه حمایت و نقض برخی از ارزشها" برخورد کند.

تلاش مذبح‌خانه رژیم در تهدید اهالی فرهنگ و هنر

مسعود جعفری جوزانی، کارگردان باسابقه سینما، در شب بزرگداشتش در "شبهای بخارا" به وضعیت این روزهای سینما

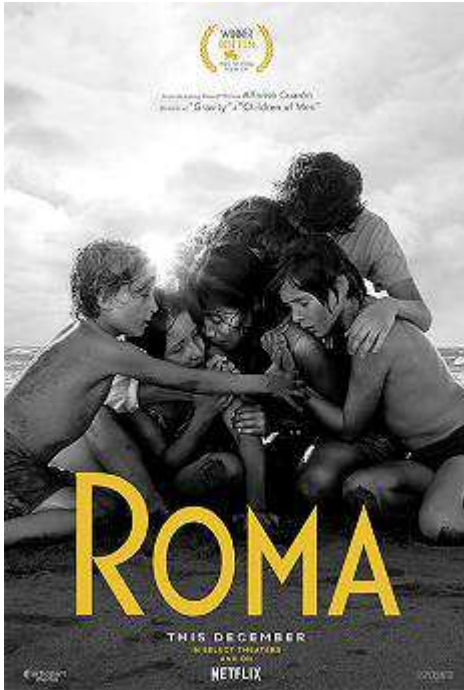


اعتراض کرد و گفت: "۱۲۰ سال است که سینمای ملی ایران به عنوان صنعت به رسمیت شناخته نشده است. بهرام بیضایی جایی در این سینما ندارد و مجبور است ناخواسته به آن ور دنیا برود."

او در ادامه گفت: شرمنده ام اگر می بینم در کشور زرخیزم سفره‌ها خالی است؛ شرمنده ام که گرانی بیداد می کند و نوکیسه‌ها حتی کاغذ در اختیار اهل قلم و فرهنگ نمی گذارند تا به نشر افکار پویا و رشد اندیشه جامعه خدمت کنند."

او در ادامه افزود: "من به شما می گویم تهدید اهل فرهنگ و هنر تلاش مذبح‌خانه ای بیش نیست؛ امثال من چیزی نداریم که از دست بدهیم، من گرم، خون ایلاتی دارم، ایلامی ام من. گویا این نوکیسه‌ها فراموش کرده اند که اندیشه و فرهنگ را نمی شود گشت در کشوری که آذربایجان دارد، گرد دارد، لر دارد."

جوایز گلدن گلوب ۲۰۱۹



مراسم اهدای جوایز "گلدن گلوب ۲۰۱۹" برای تولیدات سینمایی و تلویزیونی یکشنبه شب در لس آنجلس برگزار شد. در این مراسم فیلمهای "کتاب سبز"، "حماسه کولی" و "رُما" برنده جایزه شدند.

در بخش بهترین فیلم درام جایزه به فیلم "راپسودی بوهمی" رسید که کارنامه هنری "فردی مرکوری" را نمایش داده است. فیلم داستان شکل گیری گروه "کوپین" و درخشش مرکوری را روایت می کند. این فیلم برای "رامی ملک"، بازیگر مصری تبار سینمای آمریکا، نیز که در نقش مرکوری بازی کرد، جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد درام را به ارمغان آورد.

در بخش بهترین فیلم کمدی یا موزیکال جایزه به فیلم "کتاب سبز" رسید. داستان فیلم درباره "دان شرلی"، پیانیست کلاسیک و جاز آمریکایی-جامایکایی، است که در دوران تبعیض نژادی برای یک سفر کاری به جنوب آمریکا می رود. این فیلم برای "ماهرشالا علی"، بازیگر ۴۴ ساله، جایزه بهترین بازیگر مرد نقش مکمل را به همراه آورد. همچنین "پیتر فارلی"، "نیک واله لونگا"، "برایان کوری" برای این فیلم جایزه بهترین فیلمنامه را گرفتند.

جایزه بهترین کارگردانی به "آلفونسو کوارون" برای فیلم "رُما" رسید. او پیشتر با فیلمهایی چون "یک پرنسس کوچک" (۱۹۹۵)، "هری پاتر و زندانی آزکابان" (۲۰۰۴)، "فرزندان انسان" (۲۰۰۶)؛ "جاذبه" (۲۰۱۳) موفقیت‌هایی کسب کرده بود. جایزه بهترین فیلم خارجی زبان نیز به "رُما" از مکزیکی رسید. این فیلم سیاه و سفید در ژانر درام به نویسندگی و کارگردانی آلفونسو کوارون، داستانی را در اوایل دهه ۷۰ میلادی و در منطقه ای از مکزیکوسیتی تحت عنوان "کلونیا رُما" روایت می کند.

ادبیات

رقابت اسپانیا و پرتغال بر سر ساراماگو

"خوزه ساراماگو"، نویسنده نامدار پرتغالی و برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۹۸، ۶ سال پیش از دریافت این جایزه، کشورش را به دلیل نامداری اهلالی سیاست و سنت ترک کرد و مقیم کشور همسایه، اسپانیا، شد. در تمامی ۲۰ سالی که از اعطای آن جایزه می گذرد، رقابت میان دو کشور برای انتساب ساراماگو به خود جریان داشته است.

ساراماگو آتئیستی بود که به بودن یا نبودن خدا نمی پرداخت، بلکه بیش از همه مبانی اخلاق و ارزشهای کلیسا را در

کتابهایش به چالش می کشید و با دولتهای محافظه کاری که در پس انقلاب میخک (۱۹۷۴) به قدرت رسیدند نیز سر ناسازگاری داشت. در اغلب رمانهای او هم این زنان هستند که نقشی اساسی بازی می کنند و خود او نیز می گوید که بسیاری چیزهای مهم در زندگی را از زنان آموخته است.

دولت محافظه کار وقت پرتغال در سال ۱۹۹۲ برای گوشمالی ساراماگو و رویکرد نقادانه اش نسبت به سنتها و ارزشهای دست و پاگیر و مرد محور کلیسا و نیز حمله او به دولت، از گذاشتن نامش در فهرست نامزدهای دریافت جایزه ادبی اروپا خودداری کرد. استدلال رسمی اش هم این بود که ساراماگو با آثار خود احساسات مذهبی مردم پرتغال را جریحه دار کرده است.



و اینک با گذشت نزدیک به ده سال از دریافت جایزه نوبل توسط او، اسپانیا و پرتغال در رقابتی دیدنی به تلاش برای تملک نامش پرداخته اند، به طوری که "پدرو سانچز"، نخست وزیر اسپانیا، در بیستمین سالروز اعطای جایزه نوبل به خالق رمان "کوری"، به جزایر قناری (محل آخرین سالهای زندگی ساراماگو) رفت و سخنران مراسمی بزرگ به این مناسبت شد. همزمان شورای شهر لیسبون که سوسیالیستهای چپ گرا در آن دست بالا را دارند هم با وجود رای منفی احزاب محافظه کار تصمیم گرفت که میدانی بزرگ در وسط شهر لیسبون را به نام ساراماگو کند (Largo José Saramago)؛ همان میدانی که بنیاد ساراماگو (Fundação José Saramago) هم از سالها پیش در یکی از ساختمانهای آن مستقر است.

رفع محدودیت نشر آثار هنری در آمریکا



در آمریکا اعلام شد که با فرا رسیدن سال ۲۰۱۹ آثار بیشماری که در سال ۱۹۲۳ خلق شده اند، دیگر به کسب اجازه کپی و نشر نیاز ندارند. مقررات تازه هزاران فیلم، عکس، شعر، نمایشنامه، کتاب و آهنگ موسیقی را در بر می گیرد.

بنابراین از این پس تمام آثار ادبی و هنری که در سال ۱۹۲۳ میلادی خلق شده اند، به "عرصه عمومی" Public Domain تعلق دارند، یعنی در مالکیت تمام جامعه به شمار می روند. به این

ترتیب برخی از فیلمهای صامت "چارلی چاپلین" و "هارولد لوید"، یا برخی رمانهای آگاتا کریستی برای دسترسی همگان آزاد هستند. بدین سان می توان آنها را از اینترنت دانلود نمود و رایگان استفاده کرد.

هندوستان برای نجات خانه نیما یوشیچ به پا می خیزند

در کشوری که هنرمندان در بند پول و مقام و شهرتش، جام بر جام حاکمان می زند، هستند صاحبان و مشتاقانی که به قصد دفاع از خانه و زادگاه پدر شعر نوین وطن شان به میدان آمده و ستمگر نو کیسه بدنهاد را از نابودی این خانه بر حذر دارند. به چکیده گزارشی در این مورد توجه کنید:



"پویش مردمی نجات خانه نیما یوشیچ" در پنجاه و نهمین سالروز درگذشت پدر شعر نو ایران مقابل خانه نیما یوشیچ در محله دزاشیب تهران تجمع کردند تا توجه مسوولان نسبت به رسیدگی به وضعیت این خانه را جلب کنند.

دیوان عدالت اداری ۱۵ آبان ماه ۹۶ خانه نیما یوشیچ را با تکیه بر احکام شرع از فهرست آثار ملی خارج کرد، چون مالکان جدید این خانه به این دیوان شکایت کرده و گفته بودند که خانه نیما به او تعلق نداشته و از این رو نمی توان آن را جزو آثار ملی دانست.

این در حالی بود که سازمان میراث فرهنگی با ارایه اسنادی، اعلام کرد خانه متعلق به نیما یوشیچ بوده، اگر چه سند خانه به نام او نبوده است، اما دیوان عدالت اداری این اسناد را به رسمیت نشناخته بود.

(منابع: جنگ خبر، صدای آمریکا، دویچه وله، بی بی سی، رادیو فردا، بهار نیوز، ایران آرت)

بحران بی آبی و خیزش تشنگان (دی ۹۷)

زینت میرهاشمی

بحران بی آبی همچنان زندگی مردم ایران را تهدید می کند. در ماه دی خبرهای نگران کننده در مورد مشکل بی آبی در رسانه های حکومتی منتشر شد. یکی از پایوران حکومت اعلام کرد که؛ در تابستان امسال بیش از ۳۰ میلیون نفر دچار تنش آب آشامیدنی شدند.



روز دوشنبه ۱۷ دی ۹۷ وزارت نیرو خبر داد که کاهش ورود آب به سدهای کشور باعث شده که ۵۲ درصد از مخازن ۱۷۸ سد بزرگ کشور خالی باشند. به گزارش ایرنا، ۸۹ درصد از ظرفیت مخازن سدهای استان اصفهان خالی است و آب موجود در مخزن سد زاینده رود به ۱۱ درصد رسیده است.

محمد حسین شریعتمدار، سرپرست مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران گفت: «فقط پنج سال تا بروز فاجعه عمومی آب در کشور فاصله داریم که ناشی از ۵۰ سال سو تدبیر در این زمینه است.» (ایرنا، چهارشنبه ۱۲ دی ۹۷)

عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست بزرگترین معضل کشور را مساله آب دانست و گفت: «۹۰ درصد آب کشاورزی از سفره های زیرزمینی تامین می شود و امروز شاهد جنگ بین شهری بر سر تامین آب هستیم.» (ایسنا، پنجشنبه ۲۷ دی ۹۷)

یک مجلس نشین از شهر بابک با اشاره به بحران آب گفت: «جنوب کشور با کمبود آب روبرو است، اگر این مشکل ادامه پیدا کند ۲۰ میلیون نفر از جمعیت باید جا به جا شوند و این مساله مشکلات اجتماعی عدیده ای در پی دارد. ... بیشتر آب استان کرمان از چاهها و سفره های آب زیرزمینی تامین می شود و از آب شرب برای مس سرچشمه و معادن استفاده می شود. بنابراین کیفیت آب افت کرده است.» (ایلنا، جمعه ۳۰ آذر ۹۷)



خشک شدن بخش بزرگی از دریاچه هامون صدها هزار نفر را در شرق ایران بیکار و آواره کرده است. ایلنا در روز پنجشنبه ۶ دی سال جاری گزارشی پیرامون مصائب کم آبی در سیستان منتشر کرد. در این گزارش از قول یکی از ساکنان این استان آمده است: «سیستان ۳۰۰ هزار کشاورز دارد. طی همین چندساله که خشکسالی و کم آبی بیداد کرده، ۵۰ درصد سیستانیها از اینجا مهاجرت کرده اند. بسیاری روستاها متروک شده، و مرزها در حال خالی شدن از سکنه هستند.»

محمد فاضلی، عضو هیات علمی دانشگاه بهشتی می گوید: «شامگاه یکشنبه ۲ دی سال جاری در خانه هنرمندان به همراه جمعی از هنرمندان به تماشای فیلم «تالان» به کارگردانی محمد صادق دهقانی نشستیم. مستندی پژوهشی درباره غارت منابع آب زیرزمینی این سرزمین که پیش تر درباره اش بسیار شنیده بودم. تالان حکایت غریب و قریبی است از چگونگی

هم دست شدن سیاستمداران، شکست سیاستهای توسعه اقتصادی، مردمان در جست و جوی معاش، نمایندگان طالب رأی، منفعت طلبی‌های پیمانکاران، الگوی نادرست حکمرانی، اصرار بر تکرار اشتباهات، انکار مسائل محیط زیست و چشم بستن بر واقعیت.»

بحران کُشنده آب در اصفهان

بحران بی آبی در اصفهان به یک مساله حاد چندین ساله تبدیل شده و این بحران روز به روز عمیق تر می شود. یک عضو



کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع در یک ارزیابی نگران کننده گفت: «با ادامه روند موجود، پیش بینی شده است که اصفهان تا سال ۲۰۲۵ از سکنه خالی خواهد شد.» (ایسنا، پنجشنبه ۲۷ دی ۹۷)

به گزارش روز سه شنبه ۱۸ دی ۹۷ ایلنا: «در نتیجه انتقال آب زاینده رود به برخی استانهای همجوار، برداشتهای بی رویه صنایع بزرگ اصفهان و برخی افراد و گروهها در بالادست از این رودخانه- که از

نتایج مداخلات و برنامه ریزیهای توسعه ای آمرانه و عجولانه دولتهای پیشین در طبیعت بوده- این روزها شاهد عواقب دیرپا و ناخوشایند آن که در زندگی کشاورزان اصفهان تجلی یافته، هستیم. یک پژوهشگر کشاورزی با تاکید بر اینکه زاینده رود یک شاهرگ حیاتی برای اصفهان است که نمی بایستی زیاد به آن دست می زدند، گفت: «دست زدن به آن کار اشتباهی بوده است اما حالا که دست زده اند بازپس گرفتن آن از یزد و کرمان که به آن منابع آب عادت کرده اند، راحت نیست.»

روز پنجشنبه ۱۳ دی ۹۷، علی دینی ترکمانی، استاد اقتصاد در کانال تلگرام خود پیرامون بحران آب در اصفهان نوشت: «وقوع این بحران، در این ابعاد، اجتناب ناپذیر نبوده است. درست است که بخشی از علت آن، تحت تاثیر گرم شدن کره زمین و کاهش میزان بارندگی است؛ ولی، این فرع بر مساله است. دو علت اساسی تر وجود دارد.

یکی، سیاست نادرست انتقال آب زاینده رود از طریق لوله به شهر یزد است که در کوتاه نگری سیاستگذاران ریشه دارد. دیگری، تاسیس صنایع آب - بر ذوب آهن (در فولادشهر) و فولاد (در مبارکه) اصفهان است. راه کار تامین آب با کیفیت بهتر برای ساکنان شهر یزد (یا شهر قم)، انتقال آب نبود که در بلندمدت با بر هم زدن تعادل اکوسیستمی، همه جا را در بحران فرو برد. بلکه، تامین آب اشامیدنی از طریق آب بسته بندی شده در بطری بود.»

رییس شورای فرمایشی شهر ورزنه پیرامون اعتراضات حقایبه داران شرق اصفهان گفت: «آب را در لوله ها با فشار بالا از کنار گوش مردم به جایی که قبلاً در آن هیچ چیزی نبوده، انتقال می دهند و باعث شده اند آنجا چنان رونق بگیرد که کشاورزان زمینهای شان را رها کرده، برای کار به استان یزد بروند. ... در ازای آبادی صنایع یزد، زمینهای زراعی چندهزارساله ورزنه‌ای‌ها کویر شده است.» (ایلنا، سه شنبه ۱۱ دی ۹۷)

قائم مقام سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان می گوید: «در بالادست زاینده رود آب را مستقیماً و با پمپاژ از رودخانه برداشت می کنند. در چنین شرایطی، کسری بارش به طور کامل به پایین دست تحمیل می شود. عملاً یک قطره آب به کشاورزان پایین دست اصفهان تحویل داده نشده، به غرب اصفهان که باغات، بنیان اراضی شان بوده، در حد یک آبیاری حدود سی میلیون متر مکعب بعد از کلی پیگیری و تنش که فقط درختان نخشکد، داده شد. البته ما چندهزار هکتار خشکیدگی باغات را هم داشتیم.» (ایلنا، یکشنبه ۲۳ دی ۹۷)

موضوع حقابه کشاورزان اصفهان همچنان مردم مناطق شرق اصفهان را رنج می دهد. روز آدینه ۱۴ دی، حسن کاظم زاده



که یکی از کشاورزان اهل ورزنه است، در گفت و گو با خبرنگار ایلنا پیرامون مطالبات معترضان اظهار داشت: قرار بود آذرماه به کشاورزان برای کشتشان آب داده شود که ندادند. ۱۵ دی هم قرار بود آب داده شود که باز هم داده نشد و زمان آن را به تاخیر انداختند. اکنون زمان کشاورزی است و کشاورزان نیازمند آب هستند.

این کشاورز ورزنه‌ای در خصوص انتقال

آب به استان یزد، گفت: آبی که به اسم شرب به استان یزد می رود، در اصل برای صنعت است. در دولت آقای خاتمی که این انتقال آب اتفاق افتاد، قرار بود تونلی جهت انتقال آب برای کشاورزان اصفهان زده شود که هنوز هم ساخته نشده است.

معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای اصفهان می‌گوید: «قرار است آب زاینده‌رود برای کشت پاییزه کشاورزان اصفهان حدود ۲۰ روز باز شود. (رادپو زمانه، ۳۰ دی ۹۷)

و سرانجام معاون شرکت آب منطقه‌ای اصفهان با حضور در جمع کشاورزان در مسجد گلزار خوراسگان وعده باز شدن آب برای کشاورزان شرق اصفهان در هفته اول بهمن را داد، وعده‌ای که باید از سوی شورای هماهنگی زاینده‌رود و مسئولان وزارت نیرو تصویب شود.

خیزش تشنگان، جنبش کشاورزان شرق اصفهان

بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی کشاورزان شرق اصفهان (ورزنه، خوراسگان و ...) در ادامه اعتراضهای خود، از روز اول دی امسال با تجمع و تظاهرات گوناگون به جنبش برای حقایق ادامه دادند. زنان زحمتکش ورزنه در حمایت از اعتراض و راهپیمایی کشاورزان برای بدست آوردن حقابه و جاری شدن آب زاینده رود در تظاهرات و تجمع کشاورزان نقش فعال داشتند. دور جدید اعتراضهای کشاورزان از پایان شهریور ماه امسال برای تأمین حقابه آغاز شد. کشاورزان اصفهان فروردین سال جاری و اسفند سال گذشته نیز در اعتراض به عدم تأمین حقابه بارها تجمع کردند.

۲۵ حرکت اعتراضی از جانب کشاورزان پیرامون مساله بی آبی در دی ماه به قرار زیر است:

شنبه اول دی - کشاورزان و حامیان زاینده رود در مرکز شهر ورزنه در مقابل بخشداری تجمع کردند. این تجمع در هشتاد و ششمین روز طی چند ماه گذشته است.

یکشنبه ۲ دی - کشاورزان ورزنه اقدام به برگزاری تجمع در مسجد روستای وجاره کردند.

دوشنبه ۳ دی - تجمع کشاورزان و عشایر مغان در اعتراض به فروش شرکت کشت و صنعت مغان / کشاورزان ورزنه دست به تجمع زدند. آنها خطاب به همه مسئولان رژیم گفتند: ما کشاورزان ورزنه به آنها می‌گوییم حقابه را برگردانید! این خواسته را با صدای بلند می‌گوییم.

سه شنبه ۴ دی - کشاورزان ورزنه در کنار خط انتقال آب به یزد اقدام به تجمع اعتراضی کردند و سپس با نیروهای امنیتی و یگانهای ضدشورش که برای سرکوب آنان گسیل شده بودند، درگیر شدند. کشاورزان با لودر خط لوله آب به یزد را تخریب کردند.

چهارشنبه ۵ دی - کشاورزان ورزنه برای پنجمین روز متوالی در خیابانهای شهر ورزنه دست به راهپیمایی زدند. کشاورزان خوراسگان روبروی میدان مرکزی تره بار خوراسگان تجمع کردند. در این تجمع یک کشاورز سالمند جلوی یک آخوند را گرفته و خطاب به او گفت: «کو اسلام؟ کو عدل علی؟ خودم مریضم. زنم توی خونه مریضه. برم به کی بگم که زنم می خواد بره دکترا؟ کمیته امداد میگه تو کشاورزی برو. کو کشاورزی؟ کو کشاورزی؟ دستم رو جلوی کسی دراز نکردم. حالا خودم



موندم. زندگی ام لنگه. کو حکومت اسلامی؟ کو اسلام؟ حکومت حضرت علی هم همی جور بود؟ حکومت حضرت علی حق الناس بود. اینها چرا همچین می کنن به ما؟ چرا ظلم به ما می کنن؟»
پنجشنبه ۶ دی - در این روز کشاورزان

خوراسگان به کشاورزان ورزنه پیوسته و به اصفهان رفته و دست به یک تجمع بزرگ ۲ هزار نفره زدند. کشاورزان ورزنه و خوراسگان در ابتدای ورودی شهر ورزنه تجمع کرده و سپس از آنجا راهپیمایی خود را آغاز کردند.
آدینه ۷ دی - کشاورزان شرق اصفهان از ورزنه هفتمین روز متوالی راهپیمایی اعتراضی خود را برگزار کردند. کشاورزان در ابتدا در دروازه عباس شهر ورزنه تجمع کرده و سپس از آنجا راهپیمایی خود را آغاز کردند.

یکشنبه ۹ دی - کشاورزان ورزنه نهمین روز متوالی راهپیمایی اعتراضی خود را برگزار کردند و شعارهایی علیه دولت و مسئولان آن سر دادند و خواستار استعفای آنها شدند. مجموعه شعارهای کشاورزان در پایان این بخش آمده است.
چهارشنبه ۱۲ دی - اهالی روستای مرسه دهستان سیاهکلرود چابکسر در اعتراض به قطع درختان مرکبات شان توسط منابع طبیعی دست به تجمع اعتراضی زدند. کشاورزان شرق اصفهان اعم از زنان و مردان، در پاسخ به فراخوان قبلی، در کنار پل خواجه در شهر اصفهان تجمع اعتراضی خود را آغاز کردند. این تجمع اعتراضی، با وجود بسیج گسترده ماموران ضد شورش حکومت، صورت گرفت. یگانهای ضد شورش با سد کردن مسیر راهپیمایی کشاورزان تلاش کردند آنها را پراکنده سازند.

نیروی انتظامی برای ممانعت از عبور جمعیت چند هزار نفره به سمت استانداری اصفهان، اقدام به حمله و هجوم به جمعیت نمود و تعدادی از آنها را مضروب و مصدوم نموده و اقدام به شلیک هوایی کردند. کشاورزان عرب آباد در استان خراسان جنوبی در اعتراض به ادعای مالکیت نمودن اوقاف بر مناطق مسکونی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان چندین دستنوشته در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «آب کشاورزی را به آب و فاضلاب نفروشید، اراضی کشاورزی را که به ویرانه تبدیل می شود آباد کنید، حق قانونی خودمان را می خواهیم و نه بیشتر.»
پنجشنبه ۱۳ دی - برای سیزدهمین روز متوالی کشاورزان ورزنه با شعار «مرگ بر روحانی دروغگو» دست به تجمع اعتراضی و راهپیمایی زدند.

آدینه ۱۴ دی - کشاورزان ورزنه با شعار «نگ ما ننگ ما دولت الدنگ ما» راهپیمایی خود را از دروازه عباس در این شهر آغاز کردند. جمعی از شهروندان شهرستان ربط در استان آذربایجان غربی در اعتراض به عملکرد اداره آب و نداشتن سیستم فاضلاب تجمع کردند. جمعی از شهروندان سیستان و بلوچستان در اعتراض به بحران آب در این منطقه اقدام به برگزاری تجمع و تشکیل زنجیره انسانی کردند. معترضان کم شدن آب منابع حیاتی منطقه سیستان و بلوچستان را



هشدار جدی دانستند و خواستار پیگیری مشکلات کم آبی منطقه توسط مسئولان استان و رایزنی وزارت خارجه برای محقق شدن حقایق دریایچه بین المللی هامون شدند. **دوشنبه ۱۷ دی** - کشاورزان ورزنه برای هفدهمین روز پس از تجمع در کنار دروازه عباس در این شهر که ساعت ۱۰ صبح صورت گرفت، در سطح شهر ورزنه دست به راهپیمایی زدند.

سه شنبه ۱۸ دی - جمعی از شهروندان در کرمان به دلیل مخالفت با سدسازی و نقل و انتقال بین حوزه ای آب هلیل رود و ابراز نگرانی از خشک شدن تالاب بین المللی جازموریان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

چهارشنبه ۲۶ دی - کشاورزان بخش اسفرورین در اعتراض به اجرایی نشدن استمهال سه ساله وامهای کشاورزی، مقابل بانک کشاورزی این شهر تجمع کردند.

شعارها، پلاکاردها و دست نوشته های کشاورزان اصفهان

ما کشاورزان اصفهان برای گرفتن حق شرعی و قانونی خود تا آخرین قطره خون خود ایستاده ایم
ما ستم دیدگان ورزنه خواستار حقایق قانونی خود هستیم
مسئول بکش خجالت از این همه خیانت
عزا عزاست امروز روز عزاست امروز زندگی کشاورز روی هواست امروز
مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است
ما آبروی دشمن زاینده رود را می بریم
حقایق را اگر ندهید تن به شهادت می دهیم
می ایستیم می جنگیم حقمونو می گیریم
می میریم می میریم ذلت نمی پذیریم
ننگ ما ننگ ما دولت الدنگ ما
دشمن ما همین جاست الکی میگن آمریکاست
جهانگیری خطا کرد اصفهونو فنا کرد
یا حجت ابن الحسن دروغ به ما گفت حسن
درود بر کشاورز مرگ بر ستمگر
ای مردم ورزنه، مسئول ما زر زنه
ما زنده ایم زاینده رود، پاینده باد زاینده رود
مسئول بی لیاقت زاینده رود ما کو
همسایه با غیرت اتحاد اتحاد
همشهری با غیرت اتحاد اتحاد
ای مردم زحمتکش اتحاد اتحاد
ای مردم ستمکش اتحاد اتحاد
مسئول بی لیاقت مرگت باد مرکت باد



روحانی دروغگو زاینده رود ما کو
مسئولان حیا کنید حقابه را رها کنید
با آبرومان دشمن بی آبرو را می کشیم
یا حجت ابن الحسن ریشه ظلم بکن
ای مردم زحمتکش اتحاد اتحاد
مسئول بی لیاقت استعفاء استعفا
مسئولان حیا کنید حقابه را رها کنید
تا آب نیاد تو رودخونه بر نمی گردیم تو
خونه

دشمن زاینده رود مرگت باد شرمت باد
بازاری با غیرت حمایت حمایت
آب زاینده رود حق مسلم ماست
اهالی با غیرت حمایت حمایت
ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما
مرگ بر ستمگر درود بر کشاورز
مردم دیگه بیدارن از وعده ها بیزارن
حقابه زاینده رود حق مسلم ماست
نیروی انتظامی حامی دزدان نشو
بیشرف بیشرف ولش کن ولش کن
مسئول اگه ندارید برید قبرس بیارید
درود بر کشاورز مرگ بر بی غیرت
مرگ بر بی غیرت
حقابه ما کو؟
زاینده رود ما کو؟
ای وزیر خائن آواره گردی
حق و عدالت مُرد
جنش احیای زاینده رود
حتی اگر بمیریم، حقابه را می گیریم



سپیدار و آینه

م . وحیدی (م . صبح)

باران می آید و
 ابر
 برگهایش را
 برزمین می ریزد
 ابرها
 رنگ رنگ
 محصورم می کنند و
 جاده ها
 بی حوصله گی غروب را
 در بلوغ حادثه
 انتظار می کشند
 بر ساحل سرد می دوی
 بی آنکه جای پایت مانده باشد و
 نسیمی
 دریا را
 آشفته سازد
 شب می آید و باز
 تو مهتاب را می بینی
 که آرام از حنجره ات
 عبور می کند
 و سپیدارانی
 که به شادی
 از مردمکان چشمانت
 تاب می خورند
 می ایستی و نگاه می کنی
 چون پنجره ای
 از بامدادان نزدیک
 و بارانی که جهان را
 از ابر واژگون
 می شوید و
 تشنگی ماسه ها را
 با خود به دریاها می برد

رساندن داستان به انتها

(به مناسبت صدمین سالگرد شکست انقلاب نوامبر آلمان و ترور رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت)

پرسش کلیدی: اندیشه های روزا لوکزامبورگ چه رابطه ای با انگاشتهای سوسیالیستی امروز و روبه رشد در سطح بین المللی دارد؟

دانیل دان / فرایتاگ

برگردان: بابک



آیا سوسیالیسم می تواند ناجی دموکراسی باشد؟ این سووال بنیادی است که از هنگام آخرین انتخابات در آمریکا بیش از پیش طرح می شود. در روزنامه "نیویورکر" سال گذشته سلسله نوشته هایی را می شد خواند که "حرف س" موضوع آن بود. اما منظور از آن چه بود؟ بدیهی است که نقل قولی از رزا لوکزامبورگ که مشغله اصلی اش آشتی دادن سوسیالیسم و دموکراسی بود، آورده نمی شد. بین چپ آمریکا اما توافقی بر سر این موضوع شکل می گیرد که سرمایه داری مولد نابرابری است، موجب شکل گرفتن الیگارش می شود، می تواند راه فاشیسم را هموار کند و تنها با سوسیالیسم می توان مانع آن شد. این نظرگاهی است که از جمله "تیو هورش" (Theo Horesh) در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸ در پلاتفرم چپ "رویای جمعی" (commondreams.org) ارایه داد. در این منبع تصویر دو دختر جوان دیده می شود که پلاکاردی در دست دارند با این شعار: سوسیالیسم دموکراتیک - سرمایه داری ما را به حال خود رها کرد! و کنار حرف س، یک قلب سرخ نقاشی شده.

در این پلاتفرم بارها و بارها تاکید شده که سوسیالیسم باید برابری بیشتر بیاورد، بی آنکه آزادی را از بین ببرد. نقش بازار باید به رسمیت شناخته شود، بدون آنکه اجازه داده شود بر جامعه حاکم باشد و اینکه سوسیالیسم می تواند تهدید فاشیسم را تنها زمانی متوقف کند، که بتواند مانع لغزش اقتصاد بازار به یک جامعه بازار شود.

این تعریفها روشن می کند که "حرف س" در این پلتفرم بیشتر بیان کننده چه چیز است: یک اقتصاد بازار اجتماعی با رنگ و بوی سوسیال دموکراتیک به شکلی که در دهه های ۶۰ و ۷۰ در اروپا، به ویژه در کشورهای اسکاندیناوی عمل می کرد.

غیر قابل برکناری

این در حالی است که مساله رقابت با سوسیالیسم واقعا موجود که به جز اتحاد شوروی و چین، بخشهایی از آسیا، خاورمیانه و اروپای شرقی را دربر گرفته بود، نادیده گرفته می شود. این رقابت به اتحادیه های اروپای غربی و متحدان آنها، احزاب سوسیال دموکرات، چنان وزنه حیاتی بخشیده بود که امتیازات اجتماعی مهمی از شرکتها، حمایت ایدئولوژیک از رسانه های آنها و حتی کمکهای مادی از سازمانهای جاسوسی مانند سیا می گرفتند.

از هیچیک از اینها امروز خبری نیست. با تضعیف و سپس حذف رقابت سیستمها، سرمایه داری توانست شرایط استثمارگرانه خود را به وحشیانه صورت در سراسر جهان گسترش دهد، به گونه ای که هیچ سوسیال دموکراسی با میزان کنونی نفوذ خود توانایی متوقف کردن آن را ندارد. برعکس، یا شاید به همین دلیل، سوسیال دموکراسی خود در حال سقوط آزاد است. "وال ستریت جورنال" از این امر نتیجه گیری کرده که نولیبرالیسم دیگر از طریق انتخابات کنار زدن نیست.

اما چنین می نماید که بسیاری از جوانها نمی خواهند از این همه آگاهی تاریخی چیزی بدانند. نسلهایی که آگاهی سیاسی شان در سالهای فروپاشی اقتصادی بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ و بر پایه بحران مالی ادامه دار شکل گرفته، به نظرگاه های غیرمنتظره ای رسیده اند. انستیتوی سیاست مدرسه کندی هاروارد (*Institute of Politics der Harvard Kennedy School*) در سال ۲۰۱۶ دست به یک نظرسنجی بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال زد.

اکثریت آنها، یعنی ۵۱ درصد، سرمایه داری را رد کرده اند. این گروه با بیم و هراس به آینده می نگرست و به طور دقیق یک سوم آنها از سوسیالیسم به عنوان راه حل طرفداری می کردند. انستیتوی یاد شده چنان از نتیجه نظرسنجی شگفت زده شد که آن را با مشخصات بیشتری در همان گروه سنی تکرار کرد و به همان نتیجه قبلی دست یافت.

مدیر انستیتو، "دلا ولپه" (Della Volpe)، توضیح دلداری دهنده ای ارایه کرد یا - بهتر است گفته شود - ساخت. به گفته او نظر جوانها متوجه یک سیستم مراقبت بهداشتی کانادایی است و نه چیزی شبیه اتحاد شوروی و آنها خواهان ترکیبی از قرارداد منصفانه "تدی روزولت" (Teddy Roosevelt) یعنی فرصتهای برابر و خدمات اجتماعی برای



همه، اما همچنین حمایت از طبقه متوسط در برابر خواسته های افراطی اتحادیه ها و قرارداد نوین "فرانکلین روزولت" (Franklin Roosevelt) هستند. فرانکلین روزولت اما به هدف اصلی اش دست نیافت: توزیع عادلانه کار، درآمد و دارایی. و این میراث رشد یابنده سرمایه داری تا امروز است.

آگاهان، تمایل به سوسیالیسم را با گرایش به عکس آنچه که در حال حاضر در جریان است

مرتبط می دانند و این شگفت آور نیست، شکاف اجتماعی در آمریکا در بسیاری بخشها ده برابر فرانسه است. به همین دلیل در بحثها نیز این سووال طرح می شود که چرا جوانهای آمریکایی کم و بیش مانند جلیقه زردهای فرانسه واکنش نشان نمی دهند.

یک دلیلش می تواند این باشد که پدران و مادران آنها بسیار قوی تر و نهادینه تر بدانها آموخته اند هرکس مسوول سرنوشت خویش است و گویا "بالا" فقط جای بهترینها است. این شایسته سالاری نولیبرالی اگرچه همه جا حاکم است، اما

فرهنگ فرانسوی به طور مستمر ثابت می کند که در اعماق حافظه بلندمدت شهروندانش همچنان افتخار به دستاوردهای جهان دگرگون ساز و انقلابی ۱۷۸۹ باقی مانده است: آزادی، برابری، برادری. در حالی که در آمریکا و نیز در بخشهای زیادی از اروپا، واژه برابری موجب واکنشهای مغشوش و ضد کمونیستی می شود.

در آگاهی جمعی اکثریت یک ملت شکست انقلابی مانند انقلاب نوامبر ۱۹۱۸ آلمان چه آثاری به جا می گذارد؟ آیا رزا لوکزامبورگ هم در کنار واژه سوسیالیسم یک قلب سرخ نقاشی می کرد؟ اگر نمادگرایی خلاصه شده به پیکتوگرافی در آن زمان پیشرفت امروزی را داشت، کاملاً ممکن بود.

مدل سوسیالیسم او دو محور بنیادی داشت: مساله دموکراسی نمایندگی و گسترش دموکراسی به اقتصاد. هر دوی این محورها برای او پیش شرط یک سوسیالیسم دموکراتیک بودند که خود را از دموکراسی بورژوازی با "هسته سخت نابرابری اجتماعی و اسارت زیر پوست شیرین برابری و آزادی رسمی اش" به گونه بنیادی متمایز می کند. توده کارگر باید به اینکه توده واکنش دهنده باشد پایان دهد و به جای آن در خودمختاری آزاد زندگی کند.

حال اگر تفکرآتی مبنی بر نجات دموکراسی با سوسیالیسم وجود دارد، در این راستا بدیهی است که توجه شود آیا منظور این نیست که دموکراسی بورژوازی با سوسیالیسمی جایگزین شود که اگرچه اندیشیده شده، اما هرگز مادی نشده است؟ رستگاری نه از طریق بازگشت به بوده ها بلکه رفتن به سوی به یک نو واقعی میسر می شود، زیرا بوده ها نه قابل بازیابی هستند و نه برای همه مناسبند. یک نو واقعی برای مثال می تواند یک دموکراسی شورایی باشد، آنگونه که در همه انقلابها و نیز در انقلاب ۱۹۱۸ به گونه خود به خودی شکل گرفت؛ شوراها و کارگران که نمایندگی آنها باید بسیار تنگاتنگ به اراده انتخاباتی پیوند بخورد، برخلاف به اصطلاح و کالت آزاد نمایندگان مجالس غربی که آزادی آنها در فروختن اراده رای دهندگان به مصلحت حزب خلاصه می شود و عامل بخش بزرگی از سرخوردگی کسانی است که احساس می کنند صدایشان شنیده نمی شود.



از همین رو نیز ایده شوراها به گونه ناکامی همیشه طرح شده، ابتدا مشتاقانه توسط "هاننا آرنندت" (Hannah Arendt) اما همچنین از سوی تشکیلات جوانان سوسیال دموکراتها و سبزاها.

صد سال پیش حزب سوسیال دموکرات آلمان (SPD) در نشریه خود "به پیش"، "دستاوردهای انقلاب

را ارج گذاشت، اما همزمان در یک پیمان مخفی با ژنرالهای ستاد ارتش به جنگ انقلاب رفت. دولت "ابرت" (Ebert) وانمود کرد که قصدش فقط جلوگیری از "ترور بلشویکی" گروه اسپارتاکوس است، اما در حقیقت راه را برای قلع و قمع انقلاب حتی با روشهای تروریستی گشود و بر قتل بی رحمانه آن دسته از رهبران حزب کمونیست آلمان (KPD) چشم گذاشت که احتمالاً بعدها می توانستند مانع استالینیزه کردن حزب شوند: رزا و کارل. [برای سوسیال دموکراسی] تاریخ پردازش نشده همچون یک تله بر سر راه قرار گرفته است.

این امر در مورد این سوال صادق است که منطق عمل سرمایه داری مبنی بر حداکثرسازی دایمی رشد و سود از کیسه طبیعت و رفاه همگانی و کاهش انسان به یک ماشین مصرف چگونه می تواند به گونه واقعی درهم شکسته شود؟ برنامه ریزی متمرکز اگرچه این منطق را تا اندازه ای کنار زد و اینجا و آنجا تساوی گر بود، اما همزمان کارآیی سیستم سود را نیز از بین برد. رزا لوکزامبورگ نتوانست بین جنگ، زندان و کانال [قاتلان رزا جسد او را به یک آبراهه افکندند] افکار خود از حکمرانی مردم بر پروسه های اقتصادی جامعه را تدقیق کند.

آری، او از بین بردن صنعت جنگ و اسلحه سازی، چهره انسانی بخشیدن به کار و اجتماعی کردن شرکت‌های بزرگ سخن گفت، اما این پرسشها بی پاسخ ماند که یک اقتصاد مبتنی بر مالکیت اجتماعی تا چه اندازه تاب هیرارشی دارد یا بدان نیاز دارد؟ و کیفیت جدید اعمال مالکیت در مقایسه با مالکیت دولتی قبل به طور دقیق چیست؟ اینها سووالهایی هستند که سوسیالیسم واقعا موجود با سیستمهای اقتصادی متعدد آزمود، اما به دلیل فضای به شدت محدود مانور برای آزمایش و خطا، برای سوسیالیسم دموکراتیک، نتوانست به آنها پاسخ قطعی بدهد. حال اگر به نیرویی نیاز است که بتواند به رویارویی خطر فاشیسم جدید برود، بنابراین فقط این جمله وصف حال اکنون خواهد بود: آینده تاریخی است که به انتها رسانده شده باشد.



ضرورت به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای مقاومت و آزادی

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، در قاهره اعلام کرد که آمریکا دیگر از آخوندهای حاکم بر ایران محافظت نمی کند و «ما به مردم ایران پیوستیم که خواهان آزادی و حساسی هستند». از اینرو «دوران شرمی که آمریکا برای خودش به وجود آورده بود و همچنین دوران سیاستهایی که باعث چنین رنجهای دردآوری شده اند، به پایان رسیده است». وزیر خارجه تصریح کرد هنگامی که آمریکا با دشمنانی از قبیل ملایان همدستی می کند «آنها جلو می آیند و پیشروی می کنند».

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، با استقبال از فاصله گرفتن آمریکا از سیاستهایی که مردم و مقاومت ایران نخستین قربانیان آن بوده اند، بار دیگر خاطرنشان کرد، دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، نقض حقوق بشر، صدور بنیادگرایی و تروریسم، چهار ستون تئوکراسی حاکم بر ایران است. راه حل قطعی برای خلاصی از فاشیسم دینی، تغییر این رژیم نامشروع به دست مردم و مقاومت ایران است. به رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت، یگانه جایگزین دموکراتیک دیکتاتوری دینی و تروریستی، لازمه جبران و پایان دادن به سیاست فاجعه بار مماشات در چهار دهه گذشته است. رژیم رکورددار جهانی اعدام، تنها زبان قاطعیت و قدرت را می فهمد.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، از جانب مقاومتی که از سال ۱۳۶۰ خواهان تحریم تسلیحاتی و نفتی دیکتاتوری دینی بوده است، ضرورت موارد زیر را بار دیگر مورد تأکید قرار داد:

- ۱- به رسمیت شناختن حق مقاومت مردم ایران برای سرنگونی فاشیسم دینی و دستیابی به آزادی
- ۲- قراردادن تمامیت سپاه و وزارت اطلاعات آخوندها در لیست تروریستی وزارتخارجه آمریکا و اتحادیه اروپا
- ۳- اخراج مزدوران اطلاعات آخوندها و نیروی تروریستی قدس از آمریکا و اروپا
- ۴- ارجاع پرونده نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت پس از ۶۵ بار محکومیت در ملل متحد
- ۵- حمایت از ارجاع پرونده قتل عام زندانیان سیاسی به دادگاه جنایی بین المللی
- ۶- اخراج رژیم نامشروع ملایان از ملل متحد و به رسمیت شناختن نمایندگی مقاومت عادلانه مردم ایران
- ۷- اخراج قاطعانه فاشیسم دینی حاکم بر ایران و نیروهای آن از سوریه، عراق، یمن، لبنان و افغانستان
- ۸- وادار کردن حکومت عراق به پرداخت مابه ازای داراییها، تجهیزات و تسلیحات و قرارگاههای سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران که به طور کامل با هزینه خود آنها تهیه شده و اسناد آن موجود است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۱ دی ۱۳۹۷ (۱۱ ژانویه ۲۰۱۹)

نامه سرکشاده گلرخ ابراهیمی ایرایی از زندان اوین



ما که درد را و فقر را و سقوط به فقر دره ی ارتجاع را و بیش از یک قرن استبداد را تاب آوردیم، ما که تازیانه خوردیم و ایستادیم، کشته دادیم و ماندیم، سفره های بی نان گشودیم و ادامه دادیم، بر گور قلم، سرود آزادی خواندیم و از پای ننشستیم و حال بر دیوار لرزان و پایه های ارتجاع می کوبیم، تا لرزشی دوباره، تا عمیق تر شدن ترکهای افتاده بر پیکر استبداد ایستاده ایم حتی اگر دشنه ی زهرآگین دژخیم، پهلویمان را دریده قصد جان مان را کنند.

ایستاده ایم در کنار کارگرانی که حقوق معوقه شان مرز ماه و سال را درنوردیده است. ایستاده

ایم با رانندگانی که هراسی از شاخ و شانه کشیدنهای او که خود را قاضی القضاات می خواند به دل راه نداده اند و مصرند بر احقاق حقوق پایمال شده شان. ایستاده ایم با معلمان در بند که دانش آموزان شان مهر دیگری را بی آنان آغاز کرده اند. با کولبران کردستان هدف گلوله ی کین قرار گرفتیم و با فعالان محیط زیست به آتش کشیده شدیم. با کودکان بلوچ در کپرها کلاس درس برپا نمودیم و دستان یخ زده مان را در تصور کانکسهای وعده داده شده به مردم زلزله زده کرمانشاه گرم نمودیم.

با مسکن مهر آوار شدیم و با اندوخته های مالی کشور ته کشیدیم. با خوزستان ریه ها را از ریزگردها پر کردیم و با دراویش تن به باتوم و سر به دار دادیم.

با دهه ی شصت در دشت بی فرهنگی خود غوطه خوردیم و بر تن داریم هنوز ترکه ی بیداد آن را. با قتلهای زنجیره ای کارآجین شدیم و با قیام اعتراضی هشتاد و هشت طعم فریب را چشیدیم و به خانه هایمان کشانده شدیم.

با اقلیتهای مذهبی از حقوق شهروندی محروم ماندیم و گورستان هایمان زیرو رو شد و به بند کشیده شدیم و وادار به جلای وطن گردیدیم. با هزاران هم وطن در دردی مشترک به تماشا نشستیم مصادره ی اموال هم وطنانمان را.

با دختران شین آباد زجر کشیدیم و در اردوهای دانش آموزی دست و پای مان را از دست داده روانه ی بیمارستان و گورستان شدیم. در کوی دانشگاه قلع و قمع شدیم و ناپدید شدیم و به زنجیر کشیده شدیم. تاوان خالی بودن صندوقهای ارزی کشور و به یغما رفتن بودجه و اقتصاد ورشکسته و صعود حیرت آور تورم افسار گسیخته و نوسانات بازار را به سیلی و سرخی گونه پرداختیم و در نمایش چند دقیقه ای رسانه ای، داستان کهنه و نخ نما را به تماشا نشستیم و با وعده ی اعدام قربانیان دست چین شده، بر این تراژدی تلخ و تکراری اندوهگین شدیم.

تاب آوردیم ناتوانی و عدم مدیریتی فاحش را که ختم شد به فقر و خفقان و بدنامی بین المللی و سرافکندگی و رسوایی و تنزلمان داد به پایین ترین رتبه های سربلندی و نائل مان نمود به اوج قله های فساد و فحشا و فقر فرهنگی. تاب آوردیم جا ماندن لنگه کفشهای سفاهت را بر دیوار سفارت این کشور و آن کشور که حال به تلنگری شان دچار بحران می گردیم. به نام تروریست و منافق و داعشی و لامذهب سر به دار شدیم و تفتیش عقاید شدیم و محروم از حق تحصیل.

اما همچنان پیگیر ماندیم بر خواسته های برحق مان - تا آزاد شدن فعالیت احزاب، اصناف و اتحادیه ها - تا توقف اعدام - تا آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی - تا شکسته شدن فضای انحصاری رسانه ها - تا برجیده شدن دادگاههای فرمایشی و پایان دادن به خفقان و فضای امنیتی حاکم بر جامعه - و تا توقف خصوصی سازیها و بازگرداندن اموال فرودستان از جیبهای غیر بر سر سفره شان حتی اگر دوباره و دوباره به زنجیرمان کشند ایستاده ایم و مُصریم بر احقاق حکمان در این روزهای پر التهاب که پاسخ اعتراض را به حبس و شکنجه و ترور و اعدام خواهند داد، «ز ژرف آتش و خون، به صبح توده نوید خواهیم داد، رهایی خلق ایران را، که نبرد ما را آیین است، حتی اگر کهکشان فردایش ز خون مان و ز سرخ چهر هامان آذین بندد» نقاب تزویر و ریای مکارانه به زیر افکنده شد.

باشد که تاج استبداد در هم شکنیم.

گلرخ ابراهیمی ایرایی - بند زنان زندان اوین - دیماه ۱۳۹۷

نامه اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات



جناب آقای علوی در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج‌هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آنها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده‌ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خُره مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهنده‌ی اصلی آنها فقط شخص شما می‌باشید و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش‌ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ

حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی‌توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم زجرآور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دو ماه از آن روز سخت در دنده‌های شکسته‌ام، کلیه‌ها، گوش چپم و بیضه‌هایم احساس درد می‌کنم جالب اینکه شکنجه‌گران خود را سرباز گمنام امام زمان می‌نامیدند اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش‌های رکیک جنسی می‌دادند و ایشان را هم کتک می‌زدند اما از شکنجه‌ی جسمی بدتر، شکنجه‌های روانی بود، نمی‌دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دست‌هایم می‌لرزد، منی که زمین زیر پایم می‌لرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص‌های اعصاب و روان گاهی دچار حمله‌های شدید عصبی روحی و روانی می‌شوم، اکنون از جنابعالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم: از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه‌ی یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟

مسئله دوم که برای من و خانواده‌ام بسیار بسیار مهمتر از شکنجه‌های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده‌ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجویی می‌گفت ما از همه چیز تو خبر داریم حتی می‌دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزانت با تو دعوا کرده است گفتم از کجا می‌دانید گفت مدت‌ها تماس‌های تو «شنود» می‌شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال پرسش بنده و خانواده‌ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که آیا «شنود» خصوصی‌ترین مکالمات انسان‌ها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می‌کنم.

اسماعیل بخشی، ۱۴ دی ماه ۱۳۹۷

منبع صفحه اینستاگرام اسماعیل بخشی

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

به بهانه ۱۹ دی ماه، نوزدهمین سال زندانم

سعید ماسوری

زندان طلسم ترس و وحشت، حاکمیت ترس، کشتن انگیزه ها، خاموش کردن صداها و ضد هرگونه حرکت و جنبش است و این مدلول اصیل لفظ زندان است در حاکمیت جور...



۱۹ سال است که در هر هفته چند روز را شاهد کشتن و اعدام و قتل عام جوانان این سرزمین بوده و هستم و نزدیکترین این فجایع اعدام نزدیکترین عزیزانم (چه به لحاظ عاطفی و چه از نظر سلول و بند و زندان) یعنی زانیار و لقمان مرادی سرفرازان گرد هموطنم بود. و یا شاهد فشار و محرومیت و ارباب هر روزه زندانیان و خانواده های آنها بوده ام. از تهدید و دستگیری و آزار و اذیت تا گروهانگیری از آنها و وادار کردنشان به سکوت در مورد آنچه که بر سر عزیزان زندانی شان می آورند.

طلسم اربابی زندان نه فقط شکنجه و انفرادی و اعدام که عدم

تعیین و بلا تکلیف نگه داشتن دائمی زندانیان و پیوسته در معرض کینه توزی و انتقام نگه داشتن آنهاست تا جایی که متهم همانطور که بی هیچ دلیل و مدرکی دستگیر می شود، می تواند بی هیچ دلیل و یا به هر بهانه ای (از جمله مصلحت نظام) مورد اذیت و آزار، شکنجه و انفرادی و محرومیت از همه چیز قرار گیرد. و حتی اعدام...!!! این را ۱۹ سال است بی وقفه و بی استثنا چه در حاکمیت اصولگرا، چه اصلاح طلب و اعتدالی تجربه کرده ام.

از خاطرات برای من جز خاطرات زندان تقریباً چیزی باقی نمانده و آنچه باقی مانده هم اغلب در ارتباط با زندان است، روزهای فوت و تولد عزیزان، به مدرسه رفتن و دانشگاه، فارغ التحصیل و ازدواج شان را هم اگر شنیده ام تنها با شماره سلول و بند و زندان به خاطر می آورم...!!!

زندان در ایران فعلی و تحت این حاکمیت مترادف کشتار نه فقط انسانها که مفهوم انسانیت و آزادگی است و می خواهد که همه چیز را در منجلا ب ضد انسانی و تاریکی خود فرو برد. از این رو آن را طلسم می خوانم که همچون بختکی نحس آن را بر سر همه مردم و جوانان این میهن فرا گسترانیده اند تا کسی را یارای کمترین تحرک و اعتراض نباشد و صرف تصور آن هر انگیزه واقعی، جنبشی و حرکتی را قفل و طلسم کرده و در خود فرو بلعد و همین کارکرد زندان بود که از دست رفتن آن برای حکومت زمانی مورد اعتراض به اصطلاح اصلاح طلبانی چون محسن آرمین قرار گرفت که با دستگیریهای فله ای کارکرد این بختک و طلسم از دست می رود (منظورش ترس از ۲۰۹ بود). آری ایشان نگران دستگیریهای خودسرانه و فله ای نبود، بلکه نگران از دست رفتن کارکرد آن بود و یا دیگر استاد و به اصطلاح روشنفکر اصلاح طلب می گوید: اینها را دیگر چرا (منظورش کارگران هفت تپه و فولاد بود) دستگیر و زندانی و شکنجه می کنید؟؟ که مفهوم مخالف حرفش این است که بقیه مردم را می توان دستگیر و زندانی و شکنجه کرد!!! طریقت آن ایرادی ندارد... موضوعیت را رعایت کنید!!! این هم تراوشات یک مغز اندیشنده است که احتمالاً جدا از بدن و در یک حفره مغزی می اندیشد نه در بدن و در واقعیت اجتماعی موجود!!

داستان این سرزمین که تبدیل به مزرعه و کشتگاه زندانها شده البته سر دراز دارد. همیشه این مردم ستمدیده را در مقابل خود مورد سوال قرار می دادم که با این اوضاع که شما را مورد بدترین عذابها، تعدیات و تجاوزات قرار می دهند و فرزندان را می کشند چه می کنید؟؟؟

حتی اگر بخواهند کاری کنند آن طلسم و بختک زندان و اعدام را چگونه پس بزنند؟؟؟

طرفه آن که توسط عمله و اكله روشنفكر و ايدای فرهنگي شان، خشونت طلب قلمداد می شوند و به كمك عوامل كشتار و زندان و اعدام عليه آنها كيفرخواست محارب، مفسد، منافق و اغتشاشگر و... تدوين می کنند و در زندان بدارشان می آویزند (و يا در كشتار سفيد، يا بيماری و سكته و... يا خودكشی شان می کنند) و بعد عزيزان بازمانده شان را روزها جلوی درب زندان منتظر اعدام و تحويل اجسادشان نگه می دارند نهايتا هم تحويل نمی دهند و اجساد را از زندان به محلی برده



و دفن می کنند و باز تا مدت‌ها محل دفن را به خانواده ها اعلام نمی کنند.

این همه و فرجامی این چینی به تمامی در کلمه زندان مستتر و محفوظ است و شاید به همین خاطر کلمه و کارکرد زندان مترادف با تضمین بقا

حکومت‌های مستبد و سقوط و در هم پیچیدن آن نمایانگر و سنبل نابودی سیستمی ظالمانه و مستبد است. درست به همین دلیل و به عنوان نمونه سقوط و فتح زندان باستیل (در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹) نماینده انقلاب کبیر فرانسه و روز ملی فرانسه است و نه آن همه تحولات دیگر. هر چند به روایت تاریخ زندانیان زندان باستیل حتی به ۱۰ نفر هم نمی رسید. در ایران امروز اما وضعیت اسفبار زندانها و نقض فاحش ابتدایی ترین حقوق انسانها به درجه ای غیر قابل اصلاح و وحشتناکی رسیده و از آنجایی که هیچ راه حل اصلاحی در آن وجود ندارد چاره را در ایزوله کردن، محدود کردن شدید و منع کامل ارتباط زندانیان با دنیای بیرون یافته اند و من نیز تنها می خواستم به بهانه شروع نوزدهمین سال زندانم نه جزئیات شرایط (که پیشتر در چند نوبت آنها را نوشته ام) که این بار فلسفه و کارکرد زندان را به ویژه در شرایط فعلی یادآوری کنم و در انتها با اقتباسی از آنتوان گرامشی متذکر شوم که بیان و افشای آنچه که در زندان می گذرد (چه توسط زندانی و چه خانواده او) نه تنها یک وظیفه و واجب عینی است (به عقیده من) بلکه هر افشاگری، خود به تنهایی یک دادخواست یا کیفرخواستی است علیه نظام استبدادی، در تمامیت آن و ذی صلاح ترین مرجع رسیدگی و قضاوت هم، البته خود مردم میهنمان هستند.

در حال حاضر و در آینده ای دورتر هم، تاریخ به قضاوت خواهد نشست. حاکمان و ایدای آنها همه این واقعیت‌های تلخ و ضد انسانی را، البته افترا و نشر اکاذیب و شایعه سازی و سیاه نمایی و غیره قلمداد خواهند کرد که طبعاً انتظاری هم غیر از این نمی رود. اگر مرجعی برای رسیدگی وجود داشت و به جای اینهمه مهره های حلقه بگوش و مجیزگو عنصری از مسئولیت و پاسخگویی امکان پدید آمدن داشت نه شرایط استبدادی بود و نه زندانها و زندانیان در این وضعیت.

سعید ماسوری / چهارشنبه ۱۹ دی ۹۷ / زندان گوهردشت کرج

جنبش رنگین کمان بیشماران (دی ۹۷)

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

ابعاد گسترده جنبش نیروهای کار به حدی است که کارگزاران حکومت بدان اعتراف می کنند. پاسدار حسین رحیمی روز دوشنبه ۱۰ دی در همایش سرکردگان نیروی انتظامی تهران بزرگ گفت: «در ۹ ماهه گذشته ۹۳۲ مورد تجمع داشته ایم که با درایت و تلاش همکارانم این تجمعات مدیریت شد با اینکه خیلی از این تجمعات برای شهرستانهای دیگر بود ما حضور داشتیم.» (ایلنا)

در یک اعتراف ناگزیر دیگر، سرکرده نیروی انتظامی استان خوزستان در روز دو شنبه ۳ دی گفت: «پلیس خوزستان از ابتدای امسال تاکنون ۶۵۰ اعتراض کارگری را در سطح استان مدیریت کرده است.» (ایرنا) بر طبق اظهارات این سرکرده نیروی انتظامی اضافه کرد که: «پارسال یکهزار و ۱۰۰ مورد اعتراض کارگری و امسال ۶۵۰ مورد در سطح استان خوزستان توسط پلیس مدیریت شده است.»

بر اساس گزارش موسسه غیردولتی اکلد (ACLED) که اطلاعات مربوط به حرکت‌های مسالمت آمیز و قهرآمیز را جمع آوری می کند، رشد اعتراضها در ایران در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۸، تقریباً چهار برابر بوده است. برآوردهای این موسسه نشان می دهد که در ایران ۲۲۵۱ اعتراض در سال ۲۰۱۸ انجام شده است و به این ترتیب، این کشور از نظر تعداد اعتراضها، پس از هند و پاکستان، در رده سوم جهان قرار گرفته است.

جنبش اعتراضی ده روزه کامیونداران، حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار و بازنشستگان، تجمعهای خانواده های فولاد اهواز، تجمع غارت شدگان موسسه های مالی و مافیای خودرو سازی دستگم ۵۱۳ روز جریان داشته است که اخبار آن را در زیر می خوانید. اخبار اعتراضهای پرستاران، معلمان و دانشجویان نیز به طور جداگانه در همین شماره نبردخلق پوشش داده شده است.

اعتصاب ده روزه رانندگان کامیون و خودروهای سنگین

دور پنجم اعتصاب کامیونداران در روز شنبه اول دی در شهرهای مختلف در اعتراض به گرانی و نبود قطعات و لاستیک و

پایین بودن کرایه ها آغاز شد. این اعتصاب با فراخوان اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران ده روز ادامه داشت. بر اساس تصویرها و



ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی کامیونداران در بسیاری از شهرها و جاده های کشور دست به اعتصاب زدند. اعتصاب رانندگان کامیون و خودروهای سنگین تقریباً در ۶۰ شهر در ۲۵ استان کشور صورت گرفت که با تکرار در شهرها، ۳۴۰ روز را شامل شد.

با شروع اعتصاب در روز شنبه اول دی، کامیونداران سراسر کشور، اتوبان سلفچگان به ساوه و جاده قدیم قم خالی از تردد هرگونه کامیون شده است. همچنین رانندگان کامیون در شهرهای غرب کشور (منطقه کردستان)، چابهار، ساری، نکا، مهران، شاهرود، سلماس، سقز، قزوین، قم، ساوه و در شماری از شهرها استان گلستان دست به اعتصاب زدند. روز یکشنبه ۲ دی، اعتصاب سراسری کامیونداران برای دومین روز ادامه پیدا کرد.

در این روز اتوبان تبریز از کامیونها خالی بود. همچنین رانندگان کامیون در شهرهای مشهد، اصفهان، ساری، بوشهر دست به اعتصاب زدند.

روز دوشنبه ۳ دی، اعتصاب کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین سومین روز خود را پشت سر گذاشت. طی سه روز تعداد شهرهایی که کامیونداران و خودروهای سنگین به آن پیوسته اند به ۳۰ شهر در ۱۹ استان رسیده است. شهرهای یزد، اصفهان، ملایر، درود، نیشابور، نائین، سنندج و چرمهین به این اعتصاب پیوسته اند.

اعتصاب کامیونداران در روز سه شنبه ۴ دی، چهارمین روز خود را پشت سر گذاشت. در این روز رانندگان ماشینهای سنگین دستکم در ۳۶ شهر در ۲۵ استان اعتصاب کردند. بسیاری از شهرهای کشور از جمله تهران، ساری، نکا، مشهد، اهواز، هفتگل، اصفهان، سنندج، سقز، سلماس، تبریز، ارومیه، دورود، کنگاور، آمل، بوشهر، بندر خمینی، بندرعباس، ملایر، یزد، اردکان، ساوه، مهران، نائین، شادگان، سیرجان، چابهار، قزوین، قم، سلفچگان، بوشهر، شهرکرد، چرمهین، نیشابور، شاهرود و سبزوار در اعتصاب بودند.

روز چهارشنبه ۵ دی، اعتصاب رانندگان خودروهای سنگین پنجمین روز خود را در ۳۷ شهر در ۲۵ استان پشت سر گذاشت. اعتصاب در شهرهای شیراز، یزد، اصفهان، مهران، ملایر، درود، نیشابور، نائین، سنندج، چرمهین، تهران، تبریز، هفتگل، سقز، بندرعباس، چابهار، سلفچگان، ساری، ساوه، بوشهر، قم، نکا، شادگان، اهواز، سیرجان، مشهد، مرند، کنگاور، کازرون، درچه، قزلقصار، سبزوار و داورزن ادامه پیدا کرد.

اعتصاب رانندگان کامیون و خودروهای سنگین در روز پنجشنبه ۶ دی دستکم به ۴۵ شهر گسترش یافت. در این روز رانندگان خودروهای سنگین در شهرهای شیراز، یزد، اصفهان و روستاهای اطراف آن، مهران، ملایر، درود، نیشابور، نائین، سنندج، چرمهین، تهران، تبریز، هفتگل، سقز، بندرعباس، چابهار، سلفچگان، ساری، ساوه، بوشهر، قم، نکا، شادگان، اهواز، سیرجان، مشهد، مرند، کنگاور، کازرون، درچه، قزلقصار، سبزوار، داورزن شهرکرد، بافق، زرنده، آذرشهر، کرج، ماهدشت و ... در اعتصاب بودند.

روز آدینه ۷ دی، اعتصاب رانندگان کامیون و خودروهای سنگین در شهرهای مختلف و جاده های کشور ادامه پیدا کرد. در این روز دستکم در ۴۸ شهر از جمله شهرهای شهرکرد، بافق، زرنده، آذرشهر و کرج شیراز، یزد، اصفهان، مهران، ملایر، درود، نیشابور، نائین، سنندج، چرمهین، تهران، تبریز، هفتگل، سقز، بندرعباس، چابهار، سلفچگان، ساری، ساوه، بوشهر، قم، نکا، شادگان، اهواز، سیرجان، مشهد، مرند، کنگاور، کازرون، درچه، قزلقصار، سبزوار، داورزن، ارومیه، کرمانشاه و ... کامیونداران در اعتصاب بودند.

روز شنبه ۸ دی، اعتصاب کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین در هشتمین روز خود به ۵۳ شهر در ۲۵ استان گسترش یافت. به گزارش ایران کارگر، اعتصاب کامیونداران در بندرعباس که از مبادی ورودی و خروجی کالا است و از بنادر مهم در عرصه حمل و نقل بار است ادامه داشت. همچنین در سالن اعلان بار در بندر خمینی که از اصلی ترین بنادر کشور و آمد و شد کامیون در آن به هزاران دستگاه در روز می رسد، هیچ راننده کامیونداران و خودروهای سنگین حضور ندارد. جاده مرند - بازرگان که از جاده های ترانزیتی کشور است به خاطر اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و خودروهای سنگین، خالی از کامیون است.

روز یکشنبه ۹ دی ۱۳۹۷ اعتصاب رانندگان کامیون و خودروهای سنگین در نهمین روز در شهرهای کرج، شهرکرد، بافق، زرنده، آذرشهر، شیراز، یزد، اصفهان، مهران، ملایر، درود، نیشابور، نائین، سنندج، چرمهین، تهران، تبریز، هفتگل، سقز، بندرعباس، چابهار، سلفچگان، ساری، ساوه، بوشهر، قم، نکا، شادگان، اهواز، سیرجان، مشهد، مرند، کنگاور، کازرون، درچه، قزلقصار، سبزوار، داورزن، ارومیه، کرمانشاه، بافت، طبس، بندر ترکمن، خرم آباد، اردبیل و چندین شهر دیگر ادامه داشت.

روز دوشنبه ۱۰ دی ماه ۹۷، اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران با انتشار یک بیانیه پایان اعتصاب را اعلام کرد. در آغاز این بیانیه آمده است: «کامیونداران و رانندگان محترم، همکاران شریف و غیور و گرامی!

قبل از هر چیز باید از همه شما تقدیر و سپاسگزاری کرد و باید به تک تک شما همکاران عزیز که با تلاش بی وقفه و با سرافرازی اعتصاب ۱۰ روزه خود را با وحدت و یکپارچگی ادامه دادید، دست مریزاد گفت.

این اعتصاب یک بار دیگر به حکومت نشان داد که ما رانندگان کامیون و خودروهای سنگین و کامیونداران مصمم هستیم و از حقوق مان کوتاه نمی آیم. پس از اینکه ما در ۲۱ آذر اعلام کردیم که یک اعتصاب ۱۰ روزه را از اول دی ماه آغاز خواهیم کرد، ارگانهای حکومتی و وابسته به حکومت از هیچ کارشکنی و اقدام سرکوبگرانه و تهدیدی فروگذار نکردند. ... همزمان با این وعده ها، پیامهای تهدیدآمیز و تهدید کم کردن سهمیه سوخت برای تعدادی از همکاران ارسال شد. همکاران غیور ما فریب وعده های دروغ را نخوردند و از تهدیدهای توخالی بیمی به دل راه ندادند و با سرفرازی اعتصاب ده روزه خود را ادامه دادند..... ما تا رسیدن به خواسته های مان همراه و همگام با سایر اقشار ستمدیده ایران از پا نخواهیم نشست.»

در مورد اعتصاب ده روزه کامیونداران، محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی با تایید دور جدید اعتصاب کامیونداران گفت؛ موارد گوناگونی است که موجب این نارضایتیها شده است و مشکلات کامیونداران، استان به استان با یکدیگر فرق دارد. نکته مهمی که وجود دارد این است که تصمیماتی که گرفته شده از جنس تعهد وزارت راه و شهرسازی یا وعده و وعیدها بوده است که همه این وعده ها محقق خواهد شد و تردیدی در تحقق وعده ها نیست.» (هفته نامه حمل و نقل، دوشنبه ۱۰ دی ۹۷)

برخی از حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار

*روز شنبه ۱ دی ماه ۱۳۹۷، رانندگان اتوبوسهای ناوگان حمل و نقل شهری، مقابل سازمان دهیاریها و شهرداریها در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان اتوبوسهای خود را در همان محل پارک کردند. آنها در مورد موارد اعتراض خود گفتند: «شرکتهای خصوصی برای واگذاری اتوبوسها قراردادهایی بسته اند که مطلوب ما نیست. شرکتها با این مدل قرارداد بستن ما را تحت فشار گذاشته اند.»

*روز شنبه اول دی، کارگران کارخانه سیمان مسجد سلیمان به دلیل پرداخت نشدن حقوق و حق بیمه خود مقابل این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران گفت: «دلیل تجمع کارگران این کارخانه نداشتن امنیت شغلی، پرداخت نشدن پنج ماه حقوق و همچنین پرداخت نشدن ۲ ماه حق بیمه است.» کارخانه سیمان کارون در مسجد سلیمان در سال ۷۹ فعالیت خود را آغاز کرد. در این کارخانه ۵۰۰ کارگر مشغول به کار هستند و سالانه سه هزار تن تولید سیمان در آن تولید می شود.

*روز شنبه اول دی، کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. به گزارش هرانا، بیش از ۲ هزار نفر پرسنل شهرداری آبادان ۳ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند. تعدادی از کارکنان شهرداری آبادان حقوق ماههای اسفند پارسال، فروردین و اردیبهشت امسال را نیز نگرفته اند.

*روز شنبه اول دی، کارگران فصلی واحد بهره برداری مجتمع نیشکر هفت تپه مقابل این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران واحد بهره برداری بعد از پایان فصل بهره برداری نی در مزارع نیشکر بیکار شده و درآمدی ندارند به همین دلیل در حال حاضر که فصل برداشت نیشکر آغاز شده برای تامین معاش زندگی خانوادگی خود نیاز به کار دارند و از این رو خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی و استخدامی خود هستند.

*بامداد روز شنبه اول دی، یک کارگر شرکت ملی حفاری اهواز، در انتقاد به وضعیت معیشتی خود مقابل مجتمع دست به تحصن زد. به گزارش ایلنا، این کارگر اوضاع سخت زندگی و هزینه های بالای نگهداری و درمان فرزندان خود را کمرشکن می داند از همین رو خواستار توجه بیشتر مسئولان به معیشت کارگران شد.

*به گزارش هرا، روز یکشنبه ۲ دی، جمعی از کارگران پیمانکار شهرداری تهران در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان مقابل شورای شهر تهران اقدام به برگزاری تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

*بامداد روز یکشنبه ۲ دی، دهها کارگر واحد سازنده مخازن تحت فشار «کاوش» (سانکا) در قزوین، در اعتراض به عدم حضور خود در کارخانه، مقابل ورودی این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: از بامداد روز گذشته مدیران کارخانه به بهانه کمبود منابع مالی از ورود حدود ۸۰ نفر از مجموع ۱۲۵ کارگر کارخانه به محل کارشان خودداری می کنند.

*روز یکشنبه ۲ دی، کارگران کارخانه سیمان کارون در اعتراض به بیکار شدن یکی از کارگران باسابقه کارخانه در محدوده کارخانه مقابل ساختمان اداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: این کارگر با ۱۶ سال سابقه کار به بهانه اتمام قرارداد کار در پایان آذر ماه، بیکار شده و از او خواسته شده که از ماه بعد در کارخانه حاضر نشود.

*روز یکشنبه ۲ دی، کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران علت برپایی اعتراض صنفی خود را چهار ماه معوقات مزدی اعلام کردند.

کارخانه بلبرینگ سازی تبریز یکی از موفق ترین واحدهای صنعتی استان آذربایجان شرقی محسوب می شود که تا پیش از سال ۹۱ محصولات آن به صورت پیش فروشی عرضه می شد اما در حال حاضر دچار رکود در تولید شده است. اعتصاب و تجمع کارگران معترض این کارخانه در روز دوشنبه ۳ دی برای دومین روز ادامه داشت.

*روز شنبه اول دی، کارگران پیمانی پروژه ساخت قطار شهری اهواز بار دیگر اعتراض خود را با تجمع مقابل ورودی محل کار خود آغاز کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: کارگران این پروژه به نشانه اعتراض به محقق نشدن وعده پرداخت مطالبات شان از سوی کارفرما، در محل کارگاه واقع در خیابان فرودگاه اهواز تجمع کردند. تجمع اعتراضی کارگران قطار شهری اهواز در روز یکشنبه ۲ دی به دومین روز رسید. روز دوشنبه ۳ دی، همزمان با سومین روز از شروع اعتراض کارگران قطار شهری اهواز، کارفرما پیش شرط پرداخت مطالبات کارگران را تسویه حساب کامل آنان اعلام کرد. کارگران با بیان اینکه این اقدام کارفرما یعنی گرفتن برگه تسویه حساب پیش از پرداخت مطالبات مزدی شان، غیرقانونی است، تصمیم گرفتند تا درهای کارگاه را بازکنند.

*کارگران مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان روز سه شنبه ۴ دی، مقابل ساختمان اداره مرکزی این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این مجتمع نسبت به خصوصی سازی این واحد تولیدی معترض هستند. همچنین اهالی مغان و کارگران این کارخانه در شهرک مغان که مهانسرای ویژه مدیران شرکت و محل زندگی بخشی از پرسنل شرکت است، در روز دوشنبه ۳ دی تجمع اعتراضی برپا کردند. تجمع کنندگان می گویند: مجتمع کشت و صنعت مغان جزئی از آب و خاک مردم شهرستان پارس آباد مغان است و زندگی عشایر و اهالی این منطقه وابسته به این کارخانه است. اعتراض کارگران این مجتمع روز چهارشنبه ۵ دی ادامه یافت.

*روز چهارشنبه ۵ دی، کارگران شهرداری مهاباد در مقابل ساختمان شهرداری این شهرستان، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به گزارش هرا، این کارگران دلیل تجمع اعتراضی خود را عدم پرداخت مطالبات مزدی چندین ماهه خود بیان کردند.

*جمعی از اعضای تعاونی مسکن ایثار کارکنان وزارت جهاد کشاورزی با ۳۶۰۰ عضو، روز چهارشنبه ۵ دی، با تجمع مقابل ساختمان وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی خواستار پیگیری مشکلات خود شدند. به گزارش ایلنا، یکی از معترضان در خصوص علت برپایی این تجمع صنفی گفت: تقریباً ۱۵ سال است که بعد از کش و قوسهای فراوان با محرز شدن تخلفات اعضای هیات مدیره سابق تعاونی مسکن ایثار کارکنان جهاد کشاورزی با دستور قضایی، حکم تعلیق این اعضا را حدود ۴ ماه پیش گرفتیم تا اینکه مجمع عمومی جدید برگزار شد و اعضای هیات مدیره جدید به صورت قانونی انتخاب شدند. وی ادامه داد: ماجرا از آنجا آغاز شد که بعد از گذشت چند روز از انتصاب اعضای هیات مدیره جدید، اعضای سابق با نفوذ در بدنه وزارت کار، مجمع عمومی برگزار شده را بدون اطلاع اعضا باطل کرده و مجدداً بین خود مجمع عمومی برگزار کردند.

*روز شنبه ۸ دی، بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان گفتند: پاداش پایان خدمت برای عده زیادی از بازنشستگان دانشگاه علوم پزشکی پرداخت نشده است. این بازنشستگان خواستار پاسخگویی مقامات وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی شدند.

*کارگران کارخانه قند رستم در استان فارس روز یکشنبه ۹ دی بار دیگر به نشانه اعتراض مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان رستم سفره خالی پهن کردند. به گزارش رادیو زمانه، آنها یک بنر به همراه داشتند که بر آن نوشته شده بود: «ما کارگران کارخانه قند ممسنی ۵۰ ماه مطالبه حقوقی داریم، چطور زندگی کنیم؟». کارخانه قند ممسنی و رستم سال ۱۳۸۷ به بخش خصوصی واگذار شد. روزنامه «شیراز نوین» یک سال قبل سلطان شکر را بدون افشای نام آن، مالک این کارخانه معرفی کرده بود. کارخانه قند رستم آبان سال ۱۳۹۵ به صورت کامل تولید را متوقف و کارگران را بیکار کرد. کارگران این کارخانه از آن زمان به دنبال دریافت مطالبات مزدی خود هستند اما پاسخی نگرفته اند. این کارگران یکروز قبل نیز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی مقابل فرمانداری رستم تجمع کردند.

*به گزارش هرانا، روز یکشنبه ۹ دی، کارگران "لایروب کار" کوت عبدالله در استان خوزستان، اقدام به برگزاری تجمع کردند. معترضان علت تجمع خود را اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی بیان کردند.

*کارگران شهرداری شهر لوشان، بامداد روز یکشنبه ۹ دی در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و در محدوده داخلی ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا: این کارگران در واحد اداری شهرداری لوشان و سازمانهای واسطه به آن به صورت قراردادی مشغول کارند. کارگران شهر لوشان در شش ماه گذشته دستمزد دریافت نکرده و حق بیمه آنان پرداخت نشده است.

لوشان از جمله شهرهای بخش مرکزی شهرستان رودبار در استان گیلان است. این شهر در میانه راه قزوین به رشت قرار دارد و اولین شهر ورودی استان گیلان است.

*کارگران خدماتی شهرداری نیشابور از روز سه شنبه ۴ دی تا روز پنجشنبه ۶ دی، به مدت ۳ روز در اعتراض به تبدیل وضعیت قراردادهای خود به پیمانی تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران با بیان اینکه مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر نیشابور توجهی به مخالفت کارگران این مجموعه با حضور دوباره پیمانکاران ندارند، گفتند: این بی توجهیها در حالی ادامه دارد که کارگران ناچار شدند طی ۳ روز مقابل ساختمان شهرداری تجمع برگزار کنند. کارگران خدماتی منطقه ۲ شهرداری نیشابور بامداد روز یکشنبه ۹ دی با تجمع به اعتراض خود ادامه دادند، اما بدون این که به نتیجه برسند، پس از ۶ روز اعتراض، به محل کار خود بازگشتند.

*روز دوشنبه ۱۰ دی، کارمندان تعاونی وحدت (آرمان) که اخراجی این موسسه مالی هستند با تجمع اعتراضی مقابل استانداری خوزستان در اهواز، خواستار برگشت به سرکارشان شدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارمندان تعاونی وحدت که خواست نامش در خبر ذکر نشود گفت: «از خرداد پارسال که این موسسه مالی دچار مشکلاتی شد و توسط بانک مرکزی منحل شد تا هفته گذشته کار تعیین تکلیف بدهیها توسط کارمندان این موسسه انجام شد و پس از برطرف شدن این مشکلات، مسئولان موسسه ملل - که این تعاونی در آن ادغام شده بود - اعلام کردند که نیازی به نیروها و کارمندان این موسسه ندارد.»

*روز سه شنبه ۱۱ دی، جمعی از بازنشستگان ارتش در اعتراض به خلف وعده ها، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، این بازنشستگان که در محلی نزدیک پارک شهر دست به تجمع زدند، خواستار روشن شدن تکلیف خانه های تعاونی مسکن شدند. آنها گفتند: «از خلف وعده های مکرر خسته شده ایم، ساهاست عضو تعاونی هستیم و مبالغی را برای خانه دار شدن پرداخته ایم اما هنوز بی سرپناه مانده ایم. هنوز زمینی به تعاونی تحویل نشده تا بتواند در آن، برای ما بازنشستگان عضو شروع به خانه سازی کند.»

*روز سه شنبه ۱۱ دی، کارگران شرکت مخازن تحت فشار «کاوش» (سانکا) واقع در شهر صنعتی البرز برای پیگیری وضعیت شغلی شان مقابل ساختمان استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علت این اقدام اعتراضی، تعدیل حدود ۸۰ نفر از کارگران مخازن تحت فشار «کاوش» در اوایل دی ماه جاری است. آنها خواستار بازگشت به کار و پرداخت معوقات حقوقی خود شدند.

*روز سه شنبه ۱۱ دی، جمعی از کارگران پیمانی شهرداری تهران در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان در مقابل شورای شهر تهران تجمع کردند. به گزارش ایسنا، رئیس شورای قلبی شهر تهران در واکنش به این تجمع گفت: «دقت داشته باشید که این افراد منظورشان شورا نیست. چرا که شهردار تهران نیز در این ساختمان مستقر است و مخاطب آنها شهردار است.»

*در ادامه اعتراضهای کارگران خدماتی ناحیه دو شهرداری نیشابور، شماری از کارگران به همراه همسران شان روز سه شنبه ۱۱ دی در نقاط جداگانه شهرتجمع کردند. به گزارش ایلنا، در تجمع نخست، همسران کارگران مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. از سوی دیگر کارگران خدماتی ناحیه دو شهرداری نیشابور بعد از بی نتیجه ماندن اجتماع همسران خود تجمع اعتراضی دیگری را در منطقه مجاور محل کار خود در خیابان بهشتی این شهر برپا کردند.

*روز سه شنبه ۱۱ دی، کارگران کارخانه «گروز خودرو» خراسان در اعتراض به آنچه بلا تکلیفی در وضعیت شغلی خود و کارخانه، در محدوده شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، افزایش مشکلات کارخانه باعث شده طی ۴ ماه گذشته حدود ۱۵۰ کارگر پیمانکاری شرکت اخراج شوند. در عین حال میزان تولیدات کارخانه نسبت به قبل کاهش یافته و کارگران نگران امنیت شغلی خود شده اند.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۲ دی، بازنشستگان کشوری مشهد مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان آبکوه مشهد تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این معترضان که همزمان با تجمع بازنشستگان تهرانی مقابل مجلس به خیابان آمدند، خواستار افزایش سهم همسان سازی حقوق بازنشستگان در لایحه بودجه شدند.



روز چهارشنبه ۱۲ دی، گروهی از بازنشستگان مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این بازنشستگان که در میان آنها، کارگران، معلمان و پرستاران بازنشسته و همچنین بازنشستگان صندوق فولاد به چشم می‌خورد، چند خواسته مشخص و کلیدی دارند: اجرای دقیق همسان سازی و ترمیم عادلانه مستمریها، بیمه همگانی کارآمد و مناسب، کمک دولت به صندوقهای بازنشستگی در معرض بحران و انحلال صندوقهای بازنشستگی که نمی‌توانند برای بازنشستگان مثرتر باشند.

*روز یکشنبه ۱۶ دی، کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی از سراسر کشور به تهران آمدند و در اعتراض به اجرایی نشدن طرح جذب، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، چند هزار کارگزار صندوق بیمه کشاورزی که بدون برخورداری از امنیت شغلی و بیمه مشغول به کار هستند، خواستار تسریع در روند جذب در دولت هستند و از دولت می‌خواهند که هرچه زودتر تکلیف استخدام آنها را روشن کند.

*روز یکشنبه ۱۶ دی، کارگران بازنشسته در مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات سنواتی خود برای دومین روز متوالی در مقابل دفتر مدیریت این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران بازنشسته از آذر ماه تا اسفند ماه سال ۹۵ به مرور بازنشسته شده‌اند و بعد از گذشت حدود دو سال هنوز نتوانسته‌اند بخش از مطالبات عقب افتاده سنواتی خود را دریافت کنند.

*روز یکشنبه ۱۶ دی، نانوایان طبس در اعتراض به عدم افزایش دستمزد و وضع بد معیشتی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که دستمزدشان از سال ۹۳ افزایش نیافته، می‌گویند: در سال ۹۷ با دستمزدهای سال ۹۳ زندگی می‌کنیم؛ این درحالیست که از سال ۹۳ تا امروز هزینه‌های زندگی چند برابر شده است.

*روز یکشنبه ۱۶ دی، جمعی از معلولان در اعتراض به وضعیت شان مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایسنا، آنها نسبت به نداشتن حداقل دستمزد، بیمه توانبخشی و حق پرستاری اعتراض کردند. تجمع کنندگان اجرای قانون معلولان را حق مسلم خود دانسته و این سوال را مطرح کردند که بودجه معلولان در سال آینده چقدر است و آنها به چه میزان دسترسی به امکانات اجتماعی دارند.

*روز دوشنبه ۱۷ دی، کارگران راه آهن دورود - خرم‌آباد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و حقوق چندین ماه، نبود بیمه و ... تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض خواستار پیگیری مطالبات و رفع مشکلات شان از سوی مسئولان شدند.

*بامداد روز سه شنبه ۱۸ دی، کارگران نیشکر هفت تپه در کارخانه تولید شکر در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق عقب افتاده خود اعتصاب کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران اعلام کردند؛ در صورتی که تا روز شنبه ۲۲ دی حقوق دو ماهه آنها پرداخت نشود مجدداً اقدام به از سرگیری اعتصاب به شکل جمعی خواهند کرد.

*روز سه شنبه ۱۸ دی، رانندگان ماشین آلات فاز ۱۲ پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود برای هفتمین روز به اعتصاب خود ادامه دادند. به گزارش ایلنا، این رانندگان که طرف قرارداد با شرکت پیمانکاری هستند، می‌گویند پیمانکار معوقات مزدی ما را نمی‌پردازد و کسی پاسخگوی ما نیست. در مدت اعتصاب رانندگان، کارکنان پالایشگاه نهم (فاز ۱۲) با خودروهای شخصی تردد می‌کردند. فاز ۱۲ پارس جنوبی در شهرستان کنگان در استان بوشهر واقع شده است.

*روز سه شنبه ۱۸ دی، کارگران خدمات شهری شهرداری چوئبده در شهرستان آبادان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی ۴ ماهه و ۶ ماهه مزایا، مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض گفتند: «همه کارگران شهرداری در بخشهای مختلف چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.» چوئبده در فاصله ۲۵ کیلومتری آبادان در جنوب غربی استان خوزستان واقع است که یکی از بنادر آبادان نیز در این شهر است.

*بامداد روز سه شنبه ۱۸ دی، کارگران فضای سبز شهرداری دزفول با تجمع در میدان رودبند خواستار پرداخت حقوق معوقه و تبدیل وضعیت شغلی خود شدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که در استخدام شرکت پیمانکاری هستند، در این تجمع خواستار پاسخ قاطع مسئولان شهری در پرداخت حدوداً ۴ ماه حقوق معوقه و تبدیل وضعیت شغلی خود از حجمی به تامین نیرو شدند.

*روز چهارشنبه ۱۹ دی، جمعی از کارکنان رسمی شرکت نفت مقابل مجلس رژیم اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به گزارش هرانا، معترضان دلیل تجمع خود را در اعتراض به وضعیت معیشتی و مطالبات صنفی شان، بیان کردند.

*بامداد روز پنجشنبه ۲۰ دی، کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق عقب افتاده خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش ایران کارگر، این اعتصاب پس از آن صورت گرفت که روز سه شنبه ۱۸ دی کارگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم پرداخت حقوقهای معوقه بار دیگر دست به اعتصاب و اعتراض خواهند زد و این اعتراض را به شهر شوش خواهند کشاند.

*روز شنبه ۲۲ دی، جمعی از رانندگان تعدیلی شرکت حمل و نقل آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان این شرکت واقع در جاده قدیم تهران (نرسیده به پل کن) تجمع کردند. به گزارش ایلنا، رانندگان معترض گفتند: قرارداد شغلی حدود ۸۰ تا ۹۰ نفر از آنها به مرور از سال ۹۱ به بهانه اتمام قرارداد کار، فسخ شده و در این فاصله رانندگان بیکار شده علی‌رغم طرح شکایت در اداره کار غرب تهران هنوز نتوانسته‌اند مطالبات معوقات مزدی خود را دریافت کنند.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۹ دی، بازنشستگان کیان تاپر در اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات بازنشستگی خود بار دیگر دست به تجمع مقابل وزارت صنایع زدند. به گزارش ایلنا، نمایندگان بازنشستگان کیان تاپر گفتند: «پیش از این با پیگیریهای مداوم ما سازمان برنامه و بودجه با مساعدت وزارت صنعت، معدن و تجارت، اختصاص بودجه برای پرداخت مطالبات بازنشستگان را در دستور کار خود گذاشت. سازمان برنامه و بودجه ۱۷ میلیارد تومان به این منظور در نظر گرفت.»

روز شنبه ۲۲ دی، کارگران بازنشسته کارخانه کیان تاپر بار دیگر مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

*بامداد روز شنبه ۲۲ دی، کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل تجمع این کارگران پرداخت نشدن دستکم سه ماه از معوقات مزدی است.

روز یکشنبه ۲۳ دی، گروهی از کارکنان شاغل در شهرداری مرکزی آبادان برای پیگیری مطالبات صنفی خود تجمع کردند. خواسته اصلی کارگران و کارکنان اداری معترض که تعداد آنها ۲ هزار نفر برآورد می‌شود، پرداخت حداقل بخشی از مطالبات معوقه مزدی و سایر مزایای جانبی است که در حال حاضر سه ماه به تاخیر افتاده است.

*روز شنبه ۲۲ دی، کارگران بخش صنعت هفت تپه در پی محقق نشدن مطالبات خود برای سومین روز دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض خواستار دریافت ۲ ماه مطالبات مزدی و مشخص شدن سایر مطالباتی هستند که در اعتراضهای ۴۰ روزه، همه کارگران خواستار محقق شدن آن بودند.

روز یکشنبه ۲۳ دی، کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود برای چهارمین روز اقدام به برگزاری تجمع کردند. در پی محقق نشدن مطالبات کارگران هفت تپه، آنان از روز چهارشنبه ۱۹ دی در محل کار خودشان حاضر شده اما دست از کار کشیدند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۳ دی، کارگران دائمی منطقه دو شهرداری نیشابور، برای چندمین بار در ماه جاری در انتقاد به اعمال فشار «شهرداری نیشابور» برای تبدیل وضعیت قرارداد کارگران دائمی به پیمانی مقابل دفتر پیمانکار واقع در خیابان هاشمی نژاد نیشابور تجمع کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران معترض گفتند: حدود ۳۰۰ کارگر خدماتی منطقه دو شهرداری نیشابور هستیم که از ابتدای دی ماه جاری، شهرداری نیشابور بدون اطلاع ما وضعیت استخدامی مان را از حالت قرارداد مستقیم به پیمانکاری تغییر داده و در نتیجه امنیت شغلی ما را در معرض تهدید قرار داده‌اند.

کارگران منطقه دو شهرداری نیشابور روز دوشنبه ۲۴ دی، از حوالی ساعت ۴ عصر تا ساعت ۹ شب با برپایی یک اجتماع ۵ ساعته مقابل ساختمان شورای شهر، خواستار پیگیری اعضای شورای شهر در ارتباط با مشکل تبدیل وضعیت شغلی خود شدند.

*روز سه شنبه ۲۵ دی، کارگران آزاد راه نقده - پیرانشهر در اعتراض به پرداخت نشدن هشت ماه حقوق عقب افتاده خود دست به تجمع زدند. به گزارش ایران کارگر، یکی از کارگران معترض گفت: «ما هشت ماه است اینجا کار می‌کنیم، اما شرکت پورنام به ما حقوق نداده است.

*روز سه شنبه ۲۵ دی، جمعی از آتش نشانان شهرداری آبادان مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت مطالبات مزدی خود شدند. به گزارش ایلنا، یکی از آتش نشانان معترض در ارتباط با این تجمع گفت: از مهرماه مطالبات مزدی دریافت نکرده و حق بیمه ما در حدود ۱۱ ماه است به تاخیر افتاده است.

*به گزارش ایران کارگر، روز سه شنبه ۲۵ دی، جمعی از کارگران شرکت مهندسی، نصب و نگهداری کارخانجات پتروشیمی (رامپکو) عسلویه، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی ۵ ماهه خود، اعتصاب کرده و در محل کار خود تجمع کردند.

*روز یکشنبه ۲۳ دی، کارگران قطار شهری اهواز در محوطه محل کارگاه خود تجمع کردند و خواستار پرداخت حدود ۱۹ ماه مطالبات مزدی معوقه خود شدند. به گزارش ایلنا، کارگران طی یک ماه گذشته برای دریافت مطالبات خود تجمعی

برگزار کردند و مدیرعامل شرکت پیمانکاری کیسون (مجری پروژه) هم وعده داده بود طی هفته های آینده مطالبات آنان را پرداخت کند. با وجود اینکه نزدیک به دو ماه از وعده حضوری کارفرما می گذرد، مطالبات مزدی ۱۹ ماه ما (به جر یک میلیون دویست هزار تومان که در دو مرتبه به به حساب کارگران واریز شده) پرداخت نشده است. روز دوشنبه ۲۴ دی، در دومین روز از اعتراض کارگران پروژه متروی اهواز، این کارگران مقابل ساختمان قطار شهری اهواز تجمع کردند.

درحالی که اعتراض کارگران پروژه متروی اهواز روز سه شنبه ۲۵ دی ادامه پیدا کرد، برخی از کارگران این واحد عمرانی از پرداخت یک ماه از معوقات مزدی کارگران خبر دادند.

*به گزارش هرانا، روز پنجشنبه ۲۷ دی، جمعی از کارگران قطار شهری کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی ۷ ماهه خود، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

*روز پنجشنبه ۲۷ دی، کارگران پتروشیمی بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود برای چندمین روز دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که چند ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند، می گویند پیمانکار علیرغم تسویه با مدیریت پتروشیمی، معوقات آنها را نپرداخته است.

*روز آدینه ۲۸ دی، جمعی از مردم استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به عدم تکمیل پروژه بزرگراه زابل به زاهدان، در پل نور واقع در کیلومتر پنج جاده زابل به زاهدان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، بر روی بنری که معترضان در دست داشتند، نوشته شده بود: «جاده زابل زاهدان سبقت مرگ از وعده ها. در میان وعده های تکراری مسئولان در سالهای اخیر، جاده زابل به زاهدان همچنان جان مسافران را می گیرد.»

*به گزارش هرانا، روز شنبه ۲۹ دی، کارگران قطار شهری اهواز در مقابل ساختمان قطار شهری اهواز، اقدام به برگزاری تجمع کردند. معترضان دلیل تجمع خود را اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی ۱۸ ماهه خود، ذکر کردند.

*روز یکشنبه ۳۰ دی، جمعی از کارگران پیمانکار شهرداری تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند. به گزارش فارس، پیمانکاران معترض در مقابل شورای و شعارهایی از جمله «تسویه مطالبات حق مسلم ماست، شورای شهر تهران حمایت حمایت، آبادگران دیروز بزهکاران امروز، شورای بی لیاقت استعفا استعفا» سر دادند.

*روز یکشنبه ۳۰ دی، کارگران شهرداری لوشان در اعتراض به مطالبات مزدی و عدم پرداخت حق بیمه دست از کار کشیده و مقابل شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شهرداری لوشان که در بخشهای مختلف از جمله فضای سبز و خدمات مشغول به کار هستند، گفتند: هفت ماه دستمزد پرداخت نشده داریم و هرچند ماه یکبار با برگزاری یک تجمع اعتراضی یک ماه از معوقات مزدی مان پرداخت می شود.

*کارگران پروژه ساخت متروی اهواز بامداد روز یکشنبه ۳۰ دی، در بلوار بهبهانی شهر اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: طی چند ماه گذشته پیمانکار با پیگیری برخی مسئولان وعده پرداخت بخشی از مطالبات ۱۸ ماهه ما کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهواز را داده اما هر روز که مطالبات مان را پیگیری می کنیم کارفرما به ما می گوید منابع مالی کافی برای پرداخت بدهی خود به کارگران در دست ندارد.

*روز شنبه ۲۹ دی، کارگران شهرداری بروجرد در اعتراض به معوقات مزدی ۹ ماهه خود، اقدام به برگزاری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارکنان و کارگران شهرداری بروجرد با تجمع در مقابل شهرداری مرکزی و حضور در راهروها و اتاقهای ساختمان شهرداری خواستار پیوستن کارمندان به تجمع کنندگان شدند. شهرداری بروجرد از حالت عادی خارج و کارمندان و کارگران دست از کار کشیدند و خواستار تحقق وعده ها و پرداخت ۹ ماه حقوق معوقه شدند. تجمع کنندگان ماه گذشته نیز به مدت هفت روز متوالی با تجمع مقابل فرمانداری و شهرداری مرکزی اعتراض خود را نسبت به پرداخت نشدن حقوقهای معوقه اعلام کرده بودند. کارگران شهرداری بروجرد روز یکشنبه ۳۰ دی، برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری تجمع کردند.

اخبار کوتاه بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

شنبه اول دی - اعتصاب رانندگان شرکت فرادیس قزوین در اعتراض به جریمه های فرمایشی و بی مورد شرکت واحد. / تجمع رانندگان اتوبوسهای ناوگان حمل و نقل شهری مقابل سازمان دهیاریها و شهرداریها در تهران. / اعتصاب کارگران ایستگاه گاز اندیمشک به دلیل ۶ ماه حقوق معوقه، برای پنجمین روز متوالی. **یکشنبه ۲ دی** - تجمع کارگران شرکت سیمان نائین به دلیل عقب افتادن ۵ ماه حقوق / تجمع کارگران شرکت آریا استیل اروند اندیمشک در مقابل فرمانداری / تجمع کارگران کارخانه «بلبرینگ سازی تبریز»، در محوطه کارخانه **دوشنبه ۳ دی** - تجمع کارگران شرکت آریا استیل اندیمشک مقابل فرمانداری اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه از مطالبات مزدی خود.

دوشنبه ۱۰ دی - جمعی از کارکنان موسسه اعتباری وحدت اهواز، مقابل استانداری خوزستان اقدام به برگزاری تجمع کردند. معترضان علت تجمع خود را در اعتراض به اخراج خود و همکاران شان بیان کردند.

چهارشنبه ۱۲ دی - اعتصاب کارگران خدمات شهری شهرداری سربندر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای معوقه خود. / تجمع کارگران شرکت شیر و لبنیات وارنا مقابل بیدادگستری شهرستان ورامین. / اعتصاب کارگران و پرسنل شرکت ساختمانی ژیان واقع در شهرک صنعتی بزرگ شیراز. / تجمع اعتراضی اهالی قشلاق خان گلدی در اعتراض به حل نشدن مشکلات و مطالبات شان از سوی شرکت کشت و صنعت پارس مقابل این شرکت

آدینه ۱۴ دی - مردم منطقه ایرافشان شهرستان سرباز پس از تجمع اعتراض آمیز در مقابل پاسگاه که خواستار آزادی خودروهای ضبط شده بودند، با عدم پاسخگویی مسئولان و پرسنل پاسگاه مواجه شدند و شروع به پرتاب سنگ و چوب به طرف پاسگاه نیروی انتظامی این منطقه کردند. ماموران پاسگاه ابتدا با تیر ساچمه ای و سپس با تیر واقعی به سمت مردم آتش گشودند.

دوشنبه ۱۷ دی - تجمع جوانان جویای کار در ساختمان مدیریت کار، خدمات و اشتغال منطقه ویژه پارس جنوبی در عسلویه.

چهارشنبه ۱۹ دی - تجمع کارگران معدن طلای آق دره در اعتراض به اخراج بیش از ۳۲۰ تن از کارگران این معدن. / تجمع و اعتصاب چند روزه حدود ۴۰ نفر از کارکنان پسماند و خدمات شهری شهرداری چوبنده از توابع آبادان به دلیل پرداخت نشدن چهار ماه حقوق و ۶ ماه مزایا، مقابل ساختمان شهرداری این شهر. / تجمع گلخانه داران استان کهگیلویه و بویراحمد در مقابل استانداری یاسوج در اعتراض به عدم اجرای بخشنامه استمهال وامهای بانکی. / موتورسواران شرکت اسنپ باکس در تهران (بزرگترین سامانه حمل و نقل هوشمند کشور) در اعتراض به شرایط بد کاری و کرایه های پایین نبود سرویس، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

شنبه ۲۲ دی - تجمع کارگران شهرداری شادگان در اعتراض به معوقات مزدی چند ماهه خود در مقابل ساختمان شهرداری این شهر. / تجمع کارکنان پسماند و خدمات شهری شهرداری چوبنده از توابع آبادان به دلیل پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق و ۶ ماه مزایا، مقابل ساختمان شهرداری این شهر. / تجمع اهالی تئاتر در تهران در اعتراض به دخالتهای قوه

قضائیه و احضارهای قضایی هنرمندان. / تجمع گروهی از کارکنان موسسه اعتباری آرمان (تعاونی وحدت) در اعتراض به اخراج خود و همکاران شان، در مقابل ساختمان مجلس.

یکشنبه ۲۳ دی - گروهی از کارکنان موسسه اعتباری آرمان، در اعتراض به اخراج خود و همکاران شان مقابل ساختمان مجلس، اقدام به برگزاری تجمع کردند.

دوشنبه ۲۴ دی - تجمع کارگران شهرداری تهران در میدان هفت تیر در اعتراض به پرداخت نشدن چندین ماه حقوق عقب افتاده خود. / کارگران شهرداری آبادان ورودی شهرداری آبادان را با قرار دادن خودرو مسدود کردند. کارگران شهرداری آبادان بارها برای پرداخت حقوق‌های عقب افتاده خود تجمع اعتراضی برگزار کرده‌اند.

سه شنبه ۲۵ دی - تجمع کارکنان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در اعتراض به نپرداختن کارانه بهداشت، درمان، حق جذب، بدهی آب و هوا و مناطق مرزی.

چهارشنبه ۲۶ دی - تجمع دو هفته‌ای کارگران ساختمانی اسلامشهر مقابل دفتر شورای فرمایشی شهر اسلامشهر در اعتراض به وضعیت نامناسب خود و عدم پاسخگویی مقامات. / تجمع اعتراضی مردم شلمزار مقابل فرمانداری هشتگرد در اعتراض به وضعیت جاده اصلی شلمزار - هیو.

پنجشنبه ۲۷ دی - تجمع اعتراضی اعضا مسکن مهر فولاد شهر به علت عدم تحویل واحدها پس از گذشت حدود ۷ سال.

تجمع خانواده‌های کارگران بازداشتی فولاد اهواز



روز دوشنبه ۳ دی، خانواده‌های کارگران بازداشتی فولاد اهواز مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، خواست حاضران در این تجمع، آزادی همه کارگران بازداشتی فولاد اهواز است.

روز سه شنبه ۴ دی، تجمع و تظاهرات خانواده کارگران دستگیر شده فولاد اهواز برای دومین روز متوالی ادامه یافت. معترضان گفتند: قرار بود تا روز یکشنبه اول دی همه کارگران بازداشتی آزاد شوند اما هنوز تعدادی از آنها در بازداشت سر می‌برند.

روز چهارشنبه ۵ دی، خانواده‌های کارگران بازداشتی شرکت فولاد اهواز برای سومین روز متوالی در اعتراض به ادامه بازداشت کارگران مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز شنبه ۸ دی، خانواده های کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد ایران برای چندمین بار پیاپی مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. در این تجمع جمعی از کارگران فولاد نیز شرکت داشتند.

روز یکشنبه ۹ دی، خانواده های کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد ایران مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به دنبال عدم آزادی شماری از کارگران بازداشتی فولاد اهواز، کارگران این مجتمع در اطلاعیه‌ای خواستار آزادی همکاران

خود شدند. در بخشی از این اطلاعیه

آمده است: «در طی روزهای تجمع کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، همه به خوبی این نکته را دریافتند که ما چیزی جز حق از دست رفته خود نخواستیم و نمی خواهیم.»

روز سه شنبه ۱۱ دی، محمد علی جداری فروغی (وکیل برخی کارگران مجتمع گروه ملی صنعتی فولاد ایران) در ارتباط با آخرین وضعیت هفت کارگر بازداشتی این مجتمع گفت: این کارگران هنوز آزاد نشده اند.

روز شنبه ۱۵ دی، خانواده های کارگران



بازداشتی گروه ملی فولاد برای چندمین روز تجمع کرده و آزادی بازداشت شدگان را خواستار شدند.

روز یکشنبه ۱۶ دی، دو نفر از کارگران بازداشتی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به نامهای مصطفی عبیات و کاظم حیدری با قرار کفالت آزاد شدند اما شش کارگر دیگر به نامهای طارق خلفی، محمدرضا نعمت پور، بهزاد علیخانی، کریم سیاحی، میثم علی قنواتی و غریب حویزوی همچنان در زندان هستند.

روز شنبه ۲۹ دی، کارگران گروه ملی فولاد ایران در تماس با ایلنا، از ادامه بازداشت دو کارگر این مجتمع به نامهای کریم سیاحی و طارق خلفی خبر دادند.

در جریان تجمعات کارگران گروه ملی فولاد که حدود یک ماه به طول انجامید، بیش از ۲۸ کارگر بازداشت شدند که همه آنها به جز دو نفر تا پایان ماه دی با قرار کفالت آزاد شدند. در طی این مدت خانواده های کارگران زندانی به طور مداوم اقدام به تجمع اعتراضی کردند.

حرکتهای اعتراضی سپرده گذاران غارت شده

در دی ماه، غارت شدگان موسسه های مالی همچنان در انتظار دریافت پولهای خود بودند و به صورتهای گوناگون اقدام به اعتراض کردند. برخی از حرکتهای اعتراضی غارت شدگان بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی چنین است:

یکشنبه ۲ دی - تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین مشهد

دوشنبه ۳ دی - سپرده گذاران غارت شده توسط موسسه مالی کاسپین متعلق به سپاه منفور پاسداران، در تهران مقابل بانک مرکزی در خیابان میرداماد تجمع کردند. / تجمع سپرده گذاران کاسپین در پارس آباد مغان. غارت شدگان خشمگین سردر این مؤسسه کلاهبرداری و دزدی را کردند.

سه شنبه ۴ دی - سپرده گذاران غارت شده به وسیله موسسه مالی کاسپین در رشت مقابل شعبه گلسار در این شهر تجمع کردند. در این تجمع که در پاسخ به فراخوان قبلی برگزار گردید، معترضان شعار می دادند: «غارتتون لو رفته، پولهای ما تو جیب ملا رفته»، «زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در راه آزادی، وای از این ظلم وای از



این ظلم»، «پوله‌های ما گم شده زیر
عبا از کشور خارج شده»، «حاکم به
این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی»،
«غارتگر غارتگر مرگ به نیرنگ تو
خون جوانان ما می چکد از چنگ تو»،
«ایستاده ایم در سنگر مالباخته و
کارگر»، «ملت ما بیدارند از مافیا
بیزارند»، «تورم گرانی پاسخ بده
روحانی»، «اسلامو پله کردن مردم
غارت کردن»، «دستهای پشت پرده
با پول ما چه کرده»، «عزا عزاست
امروز روز عزاست امروز پوله‌های غارت
شده زیر عباست امروز»، «معلم کارگر

دانشجو مالباخته اتحاد اتحاد»، «حق طلبان زندانند غارتگران آزادند»، «نه سازش نه تسلیم نبرد با غارتگر»/ غارت شدگان
موسسه پدیده در مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۱۱ دی - غارت شدگان به وسیله موسسه کاسپین در رشت اقدام به برگزاری تجمع کردند.

سه شنبه ۱۸ دی - تجمع سپرده گذاران موسسه کاسپین در رشت مقابل دفتر این موسسه. معترضان شعار می دادند:

«سه ساله که دویدیم فقط تهدید شنیدیم»



پنجشنبه ۲۰ دی - تجمع سپرده گذاران
بانک آینده در دزفول در محل شعبه این
بانک در خیابان طالقانی، در پی انتشار
خبرهایی مبنی بر ورشکستگی این بانک و
فراری بودن مدیرعامل آن. / تجمع سپرده
گذاران پدیده شاندریز در مشهد مقابل
ساختمان استانداری خراسان رضوی

شنبه ۲۲ دی - تجمع سپرده گذاران
بانک آینده در یاسوج، در پی انتشار
خبرهایی مبنی بر ورشکستگی بانک آینده
و فراری بودن مدیرعامل آن.

یکشنبه ۲۳ دی - تجمع سپرده گذاران
موسسه کاسپین در تهران در مقابل دفتر

این موسسه. معترضان شعار می دادند: «حق مونون می گیریم حتی اگه بمیریم»، «سفره خالی ما حاصل دولت ما»،
«دوساله که دویدیم فریاد رسی ندیدیم»، «ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما»، «ملت ما بیداره از اختلاس بیزاره»، «پول
مارو دزدیدن دورغ می گن پس دادن»، «برای ما سؤاله چرا کاسپین بازه»/ تجمع غارت شدگان موسسه بدر توس از زیر
مجموعه های کاسپین در مشهد. معترضان به یاد یکی از سپرده گذاران فوت شده به نام «عباس اکبرزاده»، مراسم
یادبودی برگزار کرده و شعار می دادند: «اکبرزاده تا حق تو نگیریم از پا نمی نشینم»

دوشنبه ۲۴ دی - تجمع غارت شدگان سایت طلای ثامن مقابل وزارت بهداشت در تهران. / تجمع غارت شدگان
موسسه کاسپین در مشهد مقابل دفتر این موسسه.

سه شنبه ۲۵ دی - تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در رشت مقابل دفتر این موسسه
یکشنبه ۳۰ دی - تجمع سپرده گذاران پدیده شاندریز مقابل وزارت کشور. خانم میانسالی که خود را یکی از سپرده
گذاران پدیده معرفی کرد، گفت: «چندین سال است که در این پروژه سرمایه گذاری کرده ام و به رغم چند بار تجمع در
تهران و مشهد هنوز هیچ فکری برای ما نشده است. به عنوان یکی از ۳۱ هزار مالباخته پدیده می گویم که ما از حق خود
کوتاه نمی آییم خواستار رسیدگی مسئولان هستیم.»

حرکتهای اعتراضی خریداران خودرو

در ماه گذشته شاهد اعتراض مردمی بودیم که توسط شرکتهای مافیایی خودرو سازی چپاول شده اند. شرکتهای ایران
خودرو، سایپا، بهمن موتور، رامک موتور و سایپا سیتروئن در ماههای گذشته اقدام به پیش فروش خودرو کرده اند، اکنون
از تحویل خودرو به قیمت مندرج در قرارداد خودداری کرده و می خواهند خودروها را به قیمت امروز و با حساب افزایش
قیمت دلار محاسبه کنند.

اعتراض مردم غارت شده توسط شرکتهای خودرو سازی به عدم تحویل به موقع خودرو هایشان، ندادن خودرو با قیمت
پیش فروش قبلی و افزایش قیمت خودروها است.

برخی از حرکتهای اعتراضی خریداران خودرو بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی به قرار
زیر است:

شنبه اول دی - تجمع غارت شدگان توسط شرکت سایپا و ایران خودرو در برابر سازمان حمایت از مصرف کننده.

سه شنبه ۴ دی - تجمع جمعی از حواله داران شرکت صنعت خودرو آذربایجان مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت در
تهران.

شنبه ۱۵ دی - تجمع گسترده متقاضیان خودرو از شرکتهای ایران خودرو، سایپا، بهمن موتور، رامک موتور و سایپا
سیتروئن مقابل بیدادسرای تهران در خیابان ۱۵ خرداد در اعتراض به گرانی قیمتتهای اعلام شده و تاخیر در صدور دعوت
نامه ها.

دوشنبه ۱۷ دی - تجمع جمعی از مشتریان سایپا سیتروئن مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت در تهران.

سه شنبه ۱۸ دی - تجمع جمعی از مشتریان سایپا و دیگر خودروسازیها در دومین روز از نمایشگاه خودرو تهران
چهارشنبه ۱۹ دی - گروهی از شاکیان شرکتهای مختلف خودروسازی در نمایشگاه خودرو تهران تجمع کردند. / تجمع
حواله داران شرکت صنعت خودرو آذربایجان مقابل سازمان تعزیرات تهران.

پنجشنبه ۲۰ دی - تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از گروههای خودرو سازی سایپا، بهمن موتور و ایران خودرو در
محل نمایشگاه تهران

آدینه ۲۱ دی - خریداران سیتروئن ۳C در نمایشگاه خودرو تهران به افزایش قیمت دوبرابری سیتروئن ۳C اعتراض کرده
و شعار می دادند: «دزد کیه؟ خودروساز، مفسد کیه؟ خودروساز». / تجمع جمعی از مشتریان شرکتهای خودروسازی، برای
سومین روز متوالی در سومین دوره نمایشگاه بین المللی خودرو تهران.

شنبه ۲۲ دی - تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی بهمن خودرو مقابل دفتر این شرکت واقع در کیلومتر ۱۳ جاده
مخصوص کرج. / تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکت سایپا دیزل مقابل دفتر این شرکت در تهران.

دوشنبه ۲۴ دی - تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکت سایپا مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت در تهران.
چهارشنبه ۲۶ دی - تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از گروه خودروسازی ایران خودرو مقابل یکی از نمایندگیهای
این شرکت در ارومیه. / تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از گروههای خودرو سازی سایپا و ایران خودرو مقابل
ساختمان وزارت صنعت معدن و تجارت در تهران.

یکشنبه ۳۰ دی - گروهی از ثبت نام کنندگان خودرو به دلیل عدم دریافت به موقع خودروهای سان مقابل درب مجلس
تجمع کردند.

شعبده «طراحی سوخته»، تدبیر خامنه ای

مهدی سامع

یکی از شیوه های تبهکارانه دیکتاتورها اعتراف گیری اجباری از زندانیان سیاسی و عقیدتی است. رژیم ولایت فقیه از تابستان ۱۳۶۰ از این شیوه به طور مداوم و با وحشیگری بی حد و مرز استفاده کرده و بسیاری از زندانیان سیاسی را مجبور کرده تا بر طبق نظر شکنجه گران، علیه خود و یا دیگران اعتراف کنند. اسدالله لاجوردی در زندان اوین از این عمل رذیلانه به وفور استفاده کرد و برای همین زبان زد خاص (حکومتیان) و عام (مردم) شد. او تنها دژخیمی نبود که به وفور از اعتراف گیری زیر شکنجه برای پرونده سازی علیه خود و دیگران استفاده کرد. شکنجه گران دیگری هم وجود داشته و دارند که با متدهای سخت افزاری (شلاق و ..) و نرم افزاری (ورود به زندگی خصوصی و عاطفی و ..) زندانی سیاسی را مجبور می کنند تا آن چه بازجو می خواهد را بنویسند. یکی از آنها سعید اسلامی بود که وقتی تصمیم به قربانی کردن او گرفته شد، همسرش را با شکنجه و با وقاحت کم نظیر مجبور به اعتراف علیه خود و دیگران کردند. صحنه های شوک آور از فیلم بازجویی وی که نمونه ای از خروار است، چهره گریه استبداد دینی را به نمایش گذاشت.

حکومتی که مقام دوم وزارت اطلاعات اش را برای لاپوشانی کردن حقایق قربانی می کند و همسر او را آن گونه مورد شکنجه قرار می دهد، معلوم است که با زندانیان سیاسی و فعالان اجتماعی که دستگیر می کند چه رفتار جابرانه ای خواهد شد.

این رفتار خودکامه در ولایت خامنه ای ابعاد گوناگون پیدا کرده است. ترکیبی از شقاوت، بی شرافتی، یاوه سرایی، وقاحت، دغل بازی و ... صدای تزویر و سیمای دیکتاتوری خامنه ای در برخورد با زندانیان سیاسی و عقیدتی و فعالان اجتماعی است. از اعترافات اجباری زندانیان سیاسی و مدنی فیلمبرداری می کنند و با حقه بازی و سرهمبندی کردن مشتاقی اراجیف و بُهتانهای شرم آور، هرزه درایی خود را با عنوان «مستند» به نمایش می گذارند. وقتی مزدوران خامنه ای تعدادی از کشیشان را به قتل رساندند، یک زندانی سیاسی را با شکنجه، خُده و فریب مجبور کردند که علیه مجاهدین خلق به عنوان «قاتل کشیشان» اعتراف کند و فیلم آن را به نمایش گذاشتند.

انتشار انبوهی مقاله، کتاب و ساخت فیلم سینمایی و آن چه به تزویر نام مستند بر آن می گذارند، یکی از صنایع پر رونق استبداد دینی در دوران ولایت خامنه ای است. بیشترین تولیدات این کارخانه دغلبازی به مجاهدین خلق و پس از آن به مارکسیستها و فعالان اجتماعی اختصاص دارد که آخرین نمونه آن در فیلمی با عنوان «طراحی سوخته» شنبه شب ۲۹ دی، از اعترافات اجباری سپیده قلیان، اسماعیل بخشی و علی نجاتی برای مخدوش کردن جنبش پرتوان کارگری، از شبکه دوم سیمای جَهَل و جنایت رژیم به نمایش درآمد. بلافاصله پس از انتشار این به اصطلاح مستند، سپیده قلیان در توئیتر خود نوشت: «تصاویری که از من پخش شد گواه دیگری در اثبات حرفهایم مبنی بر شکنجه شدن در طول مدت بازداشتیم بود. جدی تر از قبل به پیگیری شکنجه شدنم خواهم پرداخت و حالا که اعترافهایم پخش شد خواهان علنی برگزار شدن دادگاهم هستم.» وی با تاکید اضافه کرد که: «من و اسماعیل بخشی که سهل است، پنج هزار کارگر هفت تپه را هم جلوی دوربین بنشانید و از آنها به زور کابل و باتوم اعتراف اجباری بگیرید باز هم چیزی از اصل داستان این که شما ستمگر و فاسد هستید کم نخواهد کرد.» به دنبال این سخنان، ابتدا سپیده قلیان و برادرش و پس از چند ساعت اسماعیل بخشی دستگیر شدند.

چند روز قبل از پخش این گزارش که بر اساس له و لورده کردن زندانی تولید شده، سپیده قلیان دست دژخیم را این گونه رو کرد: «اگر بیرون بروی و دهانت را باز کنی همین ادعاها و اعترافهای اجباری تو و اسماعیل بخشی را در اخبار ۳۰:۳۰ هم پخش خواهیم کرد و پودرتان خواهیم کرد.»

در شعبده «طراحی سوخته» که برای قدرتنمایی در مقابل جنبش کارگری تولید شده، ترس و دغدغه هسته سخت قدرت از گرایش به مارکسیسم و افزایش روزافزون فعالان چپ محسوس است. کارکننده، فقر روزافزون، تبعیضهای کلان و استبداد سیاسی زمینه های عینی کم سابقه ای برای فعالیت موثر نیروهای چپ فراهم کرده است. حکومت با هرمیزان

تبهکاری سخت و نرم نمی تواند واقعیت موجود جامعه ایران را انکار و یا پنهان کند. زیر پوست جامعه بسیار بیشتر و بیشتر از آن چه در قیامهای ده روز دی ماه سال پیش بروز علنی پیدا کرد، خشم و نفرت انباشت شده است.

چپ جدی و واقعی نه در جبهه بالاییها و در این یا آن باند حکومتی که در جبهه پایینیها خود را تعریف می کند. ۷۰ سال پیش لاهوتی در شعری حماسی و رزمی «چاره رنجبران» را «وحدت و تشکیلات» دانست و اکنون علی ربیعی (بازجوی سابق با نام برادر عباد) در تقلیدی ناشیانه در مراسم انجمنهای صنفی حکومت ساخته گفت: «چاره حل مسائل کارگران، وحدت و گسترش تشکلهای است.» (ایلنا، چهارشنبه ۱۲ دی) در این تقلید حساب شده و البته مکارانه حقیقتی نهفته است. حقیقت شَبَح مارکسیسم در سپهر سیاست ایران.

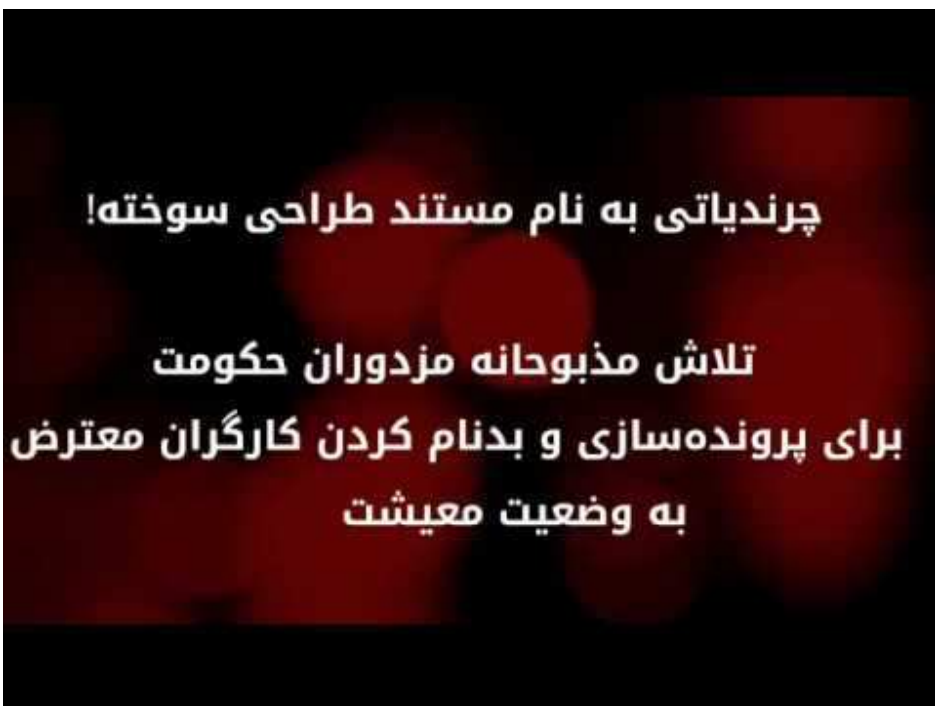
سه سال پیش خامنه‌ای در دیدار ۴ ساعته با دانشجویان بسیجی که به دانشگاهها تزریق شده اند گفت: «اگر برخی خبرها درباره فعال شدن دو باره جریان مارکسیستی در بعضی دانشگاهها، واقعیت داشته باشد، قطعاً پول آمریکایی حامی این جریان است تا دانشجویان متفرق و شقه شقه شوند.» خامنه‌ای البته به طور علنی نگفت که چگونه با این «فعال شدن» برخورد خواهد کرد. اما دژخیمان او با شیوه‌های سخت و نرم تلاش می کنند که این فعالیت را مهار کنند. در این رابطه آخوند مصباح یزدی در روز شنبه ۸ دی ۱۳۹۷، در جمعی که خبرگزاری حکومتی ایسنا آن را «تعدادی از فعالان عرصه زنان» معرفی کرد از «تدبیر» خامنه‌ای در مواجهه با مارکسیستها تمجید کرد و گفت: «امروز در بسیاری از کشورها، حزبهای مارکسیستی در حال ایجاد شدن هستند. چه بسا در کشورهای اسلامی نیز احزاب مارکسیستی که هیچ اعتقادی به دین ندارند دوباره احیا شوند. اگر وجود مقام معظم رهبری و تدبیر ایشان نبود، شاید در کشور ما نیز چنین حزبهایی ایجاد شده بود. تدبیر حکیمانه ایشان است که با توجه به اولویتهای، وضع را کنترل کرده اند و شعار را از دست سوسیالیستها گرفته است.»

«طراحی سوخته» یکی از دهها تدبیر «مقام معظم» علیه جریان رو به رشد مارکسیسم و چپ در ایران است. مصباح یزدی در بخشی از حرفهایش به نکته درستی پرداخت و گفت خمینی «به خوبی می دانست که تا شاه بر سر کار باشد، این مشکلات نیز ادامه خواهد داشت. ... از این رو هرچه نیرو داریم باید در حل مشکل اصلی صرف شود.»

مردم ایران سالهاست که به مشکل اصلی که همانا استبداد مذهبی حاکم است پی برده و تلاش می کنند نیروهای خود را متحد و متشکل کنند

تا بر مشکل اصلی غلبه کنند و برای مهار همین تلاشها است که مقام معظم به طور مداوم شعبده بازی با نام «مستند» به راه می اندازد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.



رشوه توتال ؛ یک پرونده باز

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۳ دی

پرونده فساد حکومتی جمهوری اسلامی این بار روی صحنه بین المللی ورق زده شده است. دادگاهی در فرانسه، شریک نفتی "نظام" را به اتهام پرداخت رشوه به رهبران و پایوران آن محاکمه و محکوم شناخت.

گنسرن فرانسوی توتال پیشتر در آمریکا به همین اتهام مجبور به پرداخت نزدیک به ۴۰۰ میلیون دلار جریمه نقدی شده بود. جریمه ۵۷۰ هزار دلاری که این گنسرن اکنون در فرانسه باید بپردازد اگرچه در مقایسه با رقم پرداخت شده در آمریکا ناچیز می نماید، در عوض اما خسارت سیاسی آن برای شُرکایش در ایران هنگفت است.

در شرایطی که حجم اعتراضات در جامعه ایران نسبت به فساد حکومت و وابستگی، شکاف فاحش طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت به گونه ثابت در حال افزایش است، حاکمیت به تنها چیزی که نیاز ندارد، یک محرک تازه برای برانگیختن خشم متبلور در سطح و عمق جامعه است؛ به ویژه زمانی که نام یک "آقازاده"، رسته ای که نفرت و برافروختگی اجتماعی وسیعی را از پی می کشد، نیز در میان باشد.

ممکن است برای توتال پرونده تبهکاری اقتصادی اش بسته شده باشد، برای رژیم ولایت فقیه اما به هیچ وجه اینطور نیست. آنچه که در نگاه نخست در پرونده رشوه دهی شرکت فرانسوی و محورهای جرم، عوامل و ترتیب ارتکاب آن به چشم می آید، خطوط موازی با تبهکاریهای حکومتی دیگری در پهنه نفت و گاز است که دو دهه پس از این رسوایی روی داده است.

بعد از "آقازاده" مهدی هاشمی رفسنجانی، "نظام" جانشینان شایسته ای همچون آقایان بابک زنجانی، اسماعیل احمدی مقدم، احمد رادان، رستم قاسمی، بیژن زنگنه و جز آنها معرفی کرده است که با واسطه یا به طور مستقیم سنت چپاول ثروت ملی را پابرجا نگه داشتند. فراموش نشدنی غارت و هدر دهی درآمد افسانه ای نفت و گاز در دوره شکم چرانی گماشته آقای خامنه ای بر منصب ریاست جمهوری، آقای محمود احمدی نژاد است که بنا به گفته "خودی" ها رقمی تا ۷۰۰ میلیارد دلار را در برمی گیرد.

در دوره آقای روحانی فساد در منبع ثروت کشور در شکل رانت ارز و خوراک پتروشیمیها، قراردادهای محرمانه نفتی، قاچاق وسیع، راه اندازی بورس نفت، اختلاس و فرار مدیران نفتی استمرار یافته است. این واقعیت که گردونه فساد تحت نظم ولایت فقیهی هرگز از حرکت باز نمی ایستد، هیچ نمادی بهتر از همنشینی آقایان روحانی و رییس سابقه دار توتال، آقای کریستف دومارژری، در نشست داووس در سال ۹۲ نخواهد یافت.

افشای رشوه دهی توتال با بازتاب بین المللی و داخلی وسیع، تغییری در ساز و کار حاکم بر خوان یغمای نفت و گاز نداده است. ساختار، مدیریت کلان و سیاست دخل و خرجی که ثروت همگانی را هدایت می کند، دست نخورده باقی مانده است، آقای خامنه ای بر وزارت نفت "نظارت ویژه" خود را حفظ کرده، شرکتهای او و سپاه پاسداران در میداین نفت و گاز و پتروشیمی جولان می دهند، بوروکراتهای حکومتی سخت کوشانه به پذیرایی از خود مشغولند و سرآخر چراغ دُکان "دور زدن تحریمها" کماکان می سوزد.

در این میان فقط آقازاده مهدی هاشمی رفسنجانی است که در جریان رقابت بین پدرش و آقای خامنه ای دراز شد. با این حال این نمایش ضد فساد خود رسوایی دیگری برای "نظام" به بار آورد. دادگاه "انقلاب اسلامی" "آقازاده" را به بازگرداندن "۵ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار" رشوه دریافت شده محکوم کرد، این در حالی است که بر اساس اسناد محاکمات توتال در آمریکا و فرانسه، مبلغ رشوه ای که گنسرن نفتی به "مقامهای ایران" پرداخت کرده، ۳۰ میلیون دلار بوده است. به بیان دقیق تر آقای مهدی هاشمی رفسنجانی تنها مشتری توتال نبوده و کسانی از او بانفوذ تر و تردست تر ۲۴ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار باقیمانده را به جیب زده اند که نشان آنها را فقط زیر چتر امن "آقا" می توان یافت.

مردم ایران ۸ برابر متوسط جهانی می سوزند

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۶ دی

در چند روز گذشته شاهد جان باختن دردناک تعدادی از دانش آموزان به علت آتش گرفتن بخاری کلاس و دیروز شاهد کشته شدن ۹ نفر از دانشجویان واحد تحقیقات دانشگاه آزاد و پدر یکی از دانشجویان به علت سقوط اتوبوس بودیم. خودکشی یکی از این آسیبهای ناهنجار اجتماعی است که در ایران رشد صعودی دارد. داده های آماری محدودی که در این زمینه اخیراً منتشر شده گوشه کوچکی از این آسیب دردناک را منعکس می کند.

جلوگیری از رویدادهای تاسف آور که توسط حاکمیت بر مردم ایران تحمیل می شود در ساده ترین شکل وجود داشته و دارد. نکته مشترک رویدادهای دردناک مانند آتش سوزی در مدارس و واژگونی اتوبوسهای دانش آموزان و دانشجویان که منجر به جان دادن دهها تن می شود، مسئول بودن حکومت است. استفاده از بخاری نفتی در قرن بیست و یکم و استفاده از اتوبوس فرسوده و فاقد معاینه، نشان می دهد که جان فرزندان مردم برای رژیم بی ارزش است. وقتی سیستم آموزش به تجارت پرسود و بدون نظارت تبدیل می شود، چنین رویدادهایی به طور مداوم اتفاق خواهد افتاد.

آسیبهای اجتماعی به برکت ادامه حیات جمهوری اسلامی رشد چشمگیری دارند. بر اساس آمارها و گزارشها منتشر شده از انواع آسیبهای وارده به مردم، یکی از علتهای مهم آن، شرایط تحمیلی به مردم چه از نظر اقتصادی (فقر، بیکاری) و چه از نظر اجتماعی (سرکوب سیستماتیک، فشار، آزار و اذیت روزمره، تبعیض و نابرابری، ناامیدی در تغییر وضعیت موجود) است.

به گفته رئیس مرکز تحقیقات پیشگیری از سوختگی، «مردم ایران ۸ برابر متوسط جهانی می سوزند». بر اساس آمار این پایور رژیم، ۱۰ الی ۱۵ درصد سوختگان را زنانی تشکیل می دهند که اقدام به خودسوزی کرده اند. رئیس این مرکز حکومتی ضمن تاکید بر عدم ثبت همه سوختگیها گفت که «بیشتر سوختگیها در میان اقشار کم درآمدتر جامعه رخ می دهند.» (اپلنا اول دی ۹۷)

مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت بیشترین موارد خودکشی را در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله اعلام کرد. (ایرنا ۵ دی ۹۷)

زنان و کودکان آسیب پذیر ترین بخش جامعه هستند. قوانین تبعیض آمیز و ضد زن جمهوری اسلامی، تحمیل فقر و نبود امکانات حمایتی برای زنان و همچنین فقدان قوانین حمایت از کودکان، از مواردی است که خودکشی و خودسوزی را همواره افزایش می دهد.



چالش اسماعیل بخشی با حاکمیت تبهکار

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۶ دی

نامه افشاگرانه اسماعیل بخشی در مورد شکنجه های اعمال شده بر وی، برگ دیگری از جنایات رژیم را در برابر چشم همگان گذاشت. پاسخ مالکان غل و زنجیر و صاحبان زر و زور، به خواسته های کارگران گرسنه، انواع شکنجه هایی است که بر اسماعیل بخشی وارد شده است.

شکنجه هایی که بر اسماعیل بخشی وارد شده در حقیقت نشان دهنده میزان لرزش زمین زیر پای حکومت است. رژیمی که برای دفاع از امنیتش کارگران گرسنه را به زنجیر می کشد و آنان را تا مرز مرگ شکنجه می کند، رژیم پا به گور.

اسماعیل بخشی نه اولین قربانی شکنجه است و نه آخرین آن تا سرنگونی جمهوری اسلامی. شکنجه به عنوان ابزاری برای کسب اطلاع، تحقیر کردن، پرونده سازی درهم شکستن و تواب سازی به طور سیستماتیک طی چهار دهه در جمهوری اسلامی بر زندانیان سیاسی و عقیدتی اعمال شده و همچنان اعمال می شود. بسیاری از زندانیان سیاسی زنده مانده از

سیاهچالهای رژیم ولایت فقیه، شاهدان زنده ای هستند که تا کنون شکنجه های وارد شده بر خود را گواهی داده اند. نامه های زندانیان شجاعی مانند گلرخ ایرایی، مریم اکبری منفرد و آتنا دائمی در مورد شکنجه های روانی و جسمی که بر زندانیان وارد می شود، نامه تعدادی زندانیان سیاسی در رابطه با شکنجه های وارد شده به زنده یاد ستار بهشتی و نامه های دیگری که شمارش آنها در حد این فراسو نیست همگی اسناد زنده ای هستند که بر دردنامه اسماعیل بخشی مهر تایید می گذارند. نامه افشاگرانه اسماعیل بخشی در دوره ای پخش می شود که در بین مسافران قطار رو به سقوط حکومت ولوله افتاده است.

موضع بی شرمانه استاندار خوزستان مبنی بر تکذیب اعمال شکنجه بر اسماعیل بخشی، موضعی بزدلانه در شرایط پر جوش و خروش این استان است. نایب رئیس دوم کمیسیون حقوقی مجلس رژیم، خودش را به نفهمی زده و گویا شکنجه اولین بار است مطرح می شود. او از ممنوعیت شکنجه در قانون اساسی رژیم پرچانگی می کند. واکنش پایوران رژیم، در مورد نامه افشاگرانه اسماعیل بخشی ناشی از نگرانی شان پیرامون نتایج این افشاگری در داخل و خارج است. دردنامه شجاعانه اسماعیل بخشی، کارگری که به قول خودش، زمین زیر پایش می لرزید، خطاب به وزیر اطلاعات رژیم، صدای میلیونها انسان رنج دیده است که حاکمیت در کلیت آن را به چالش می کشند و برای زندگی انسانی پیا خواسته اند.



قطار تحریمها از ایستگاه اول گذر کرده

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۴ دی

در حالیکه رهبران و پایوران جمهوری اسلامی با شدت و حرارت مشغول نزاع بر سر تقسیم بودجه سال آینده کشور هستند، چشم انداز کسب درآمد و تغذیه از مرغ تخم طلای "نظام" تیره و تار به نظر می رسد. آمریکا با اعلام اینکه در سال پیش رو حلقه شیر صادرات نفت را باز هم کمی بیشتر به سمت انسداد خواهد گرداند، در حقیقت یادآور گردیده که قطار تحریمها از ایستگاه اول گذر کرده و روی ریل بحران خارجی به طرف ایستگاه های بعدی در حرکت است.

نزدیک به سه ماه پس از به جریان افتادن مُجازاتهای نفتی و بانکی آمریکا علیه رژیم ولایت فقیه، واشنگتن عزم خود بر تداوم یافتن فشار اقتصادی بر حاکمان ایران و سخت تر کردن آن را مورد تاکید قرار داده است.

آقای بریایان هوک، نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران، روشن ساخته که مُعافیت شش ماهه ۸ مُشتتری عمده نفت جمهوری اسلامی از تحریمها تمدید نخواهد شد. چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، ترکیه، ایتالیا، یونان و تایوان اجازه یافته بودند در چارچوب تهاثر نفت با کالا، مقدار مُعینی نفت از حاکمان ایران خریداری کنند.

گفته آقای هوک به آن معناست که آمریکا بدون نوسان همچنان در مسیر قطع کامل صادرات نفت رژیم جمهوری اسلامی و رساندن آن به صفر حرکت می کند. صادرات نفت جمهوری اسلامی از هنگام آغاز تحریمهای آمریکا در آبان ماه، به یک میلیون بُشکه در روز کاهش یافته است. این همان سطحی است که "نظام" در دور قبلی تحریمها بین سالهای ۹۰ تا ۹۴ بدان سقوط کرده بود. تفاوت تنها در میزان آمادگی دولتهای وقت آمریکا برای عملی ساختن تهدید خود است.

تصمیم آمریکا مبنی بر تمدید نکردن مُعافیتها از یکسو علتی سیاسی را پایه دارد و از سوی دیگر به فاکتورهای اقتصادی تکیه زده. در پهنه سیاست، نقاط اختلاف با رژیم ولایت فقیه همچنان بر سر جای خود باقی مانده است. حاکمان کشور نه تنها گامی در جهت کاهش بحران برداشته اند، بلکه همچنان به سیاستهای جنگ افروزان و مُداخله گرانه خود در منطقه ادامه می دهند. آنها آنچنان که گویی بر جایی غیر از ایران حُکم می رانند، همزمان افسار از اسب تحریکات موشکی و شهوت میلیتاریسم خویش برداشته اند و به تاخت مردُم و کشور را به سوی تباهی می برند.

در حوزه اقتصاد - برخلاف وعده های حاکمان جمهوری اسلامی - بازار نفت واکنشی عادی به رانده شدن "نظام" به حاشیه داشته است. قیمت نفت در بازارهای جهانی با تغییری موثر روبرو نگردیده و حجم عرضه آن نیز کاهش نیافته. جالب اینجاست که روسیه، یک متحد دائمی مَلاها، سهم چشمگیری در ثبات بازار نفت در این دوره داشته است. روند نزولی صادرات نفت جمهوری اسلامی تا اردیبهشت ماه که مهلت مُعافیتها به پایان می رسد، ادامه خواهد یافت. مشتریان کنونی برای این مقطع از هم اکنون تدارک می بینند و پروسه تدریجی جایگزینی رژیم مَلاها با منابع دیگر آغاز گردیده. برخی مانند چین، ژاپن و تایوان سهم واردات خود از ایران را کاهش داده اند و برخی دیگر مانند ایتالیا و یونان در حال نشان دادن نیجربه به جای آن هستند. آنچه که برای "نظام" باقی می ماند، یک بازار سیاه است که با تبهکاران بین المللی، "برادران قاچاقچی خودمان"، پولشوها و کلاهبردارانی از جنس "سردار احمدی مُقدم" و بابک زنجانی اشباع شده است.

بی تردید آثار فاجعه بار اسقاط اقتصادی کشور دامن عاملان بحران و بهره برندگان از آن را نمی گیرد؛ این اکثریت قاطع مردم هستند که روی محراب تباه حکومت و گردانندگان انسان ستیز آن، خون سبز هستی شان قطره قطره خواهد ریخت.



روی مدار درگیری با آمریکا به هزینه چه کسی؟

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۶ دی

در همان زمان که وزیر خارجه مَلاها اطمینان می داد که حکومت "به دنبال درگیری، جنگ و تشنج" نیست، یک مقام ارشد دیگر آن، طرف حسابهای خارجی "نظام" را به ساخت بمب اتم تهدید می کرد. اگرچه آقای ظریف برای گرفتن زهر تهدید مقام اتمی حکومت و حفظ میدان مائور آن به جلو فرستاده شده بود، با این حال چنین می نماید که سرعت فاکتهای تشنج زایی که "نظام" تولید می کند، از شتاب وزیر خارجه اش در تحویل عبارات توخالی بسا بیشتر باشد. رژیم ولایت فقیه در چند روز اخیر به گردونه تنش در مناسبات خارجی خود شتاب بیشتری بخشیده است. حکومت با اعلام شلیک دو موشک بالستیک به بهانه "پرتاب ماهواره"، بحرانی که گرد ماجراجویی موشکی اش ایجاد گردیده را باز هم تشدید کرد. تنها یک ماه پیش از این، شرکای اروپایی مَلاها در واکنش به یک موشک پرانی دیگر، پرونده "نظام" را به شورای امنیت سازمان ملل برده بودند.

شلیک یک موشک بالستیک دیگر در روز گذشته و قصد پرتاب یکی دیگر پس از آن، ادامه سیاست بحران زایی است که گام به گام بذرهایی که می کارد را چه در شکل ایجاد ائتلافی از اروپا و آمریکا و چه تبدیل برنامه موشکی خود به تهدیدی برای امنیت جهانی و ارجاع به شورای امنیت برداشت می کند.

نقطه اوج فعلی ایجاد درگیری، تهدید به دست زدن به غنی سازی ۲۰ درصدی است که این نیز هیچ نشانی از تمایل یا اراده پرهیز از زدوخورد ندارد. مفهوم عملی این حرکت خروج از "برجام" و گذار از نقطه خطرناکی است که در آن موضوع دستیابی مَلاها به جنگ افزار هسته ای دوباره روی میز قرار می گیرد.

در کنار این دو فاکت جدید، در خلال ماه های گذشته نیز حاکمان کشور هر آنچه که در بضاعت داشته اند را برای گر گرفتن آتش "درگیری و تشنج" هزینه کرده اند که از جمله آنها می توان به چیدن دسیسه های تروریستی در اروپا، به گروگان گرفتن شهروندان دوتابعیتی و خارجی و حمله خُمپاره ای به سفارت آمریکا در بغداد اشاره کرد.

این پُرسش که طرفهای خارجی حکومت به تحریکات توقف ناپذیر آن چه واکنشی نشان می دهند را باید به ویژه از تند شدن لحن پایوران دولت آمریکا پاسخ گرفت. تنها نتیجه راه حلهای حکومت برای سامان دادن به خود در میدان روابط خارجی، تحریمهای فلج کننده، تشدید فشار و برانگیختن دولتهای بیشتری علیه خویش بوده است. بازی موش و گربه ای که آقایان ظریف و صالحی اجرا کردند، این شرایط ناگوار و خطرناک را بهتر نمی کند.

قربانی شدن کودکان سیستان و بلوچستان برای توسعه کربلا

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۲۷ دی

خبرگزاری حکومتی فارس روز چهارشنبه ۲۶ دی، گزارشی از حاتم بخشیهای رژیم در عراق را منتشر کرد. گوشه ای از این گزارش به دیدار ظریف از شهر کربلا و «پروژه ی طرح توسعه حرم امام حسین» پرداخته شده است. بنا به این گزارش این پروژه به دست هنرمندان و مهندسان ایرانی در حال ساخت است.

تا وقتی رژیم در قدرت است و جنگ در سوریه، یمن و ... جریان دارد، ثروت مردم ایران برای بازسازی این مناطق به کار خواهد رفت. در حقیقت وجود رژیم در منطقه به استمرار جنگ یاری می رساند و از سویی دیگر وجود ناآرامی و جنگ در این کشورها به سود جمهوری اسلامی است. تضمین امنیت رژیم از طریق مداخله در کشورهای دیگر امکان پذیر است و لذا رژیم با گشاده دستی تمام برای امنیت خودش و لخرجی می کند. این کمکها در حالی انجام می شود که آمار افزایش کودکان خیابانی، کودکان کار، کم شدن مدارس دولتی، خصوصی شدن آموزش و پرورش، بازماندن دانش آموزان از تحصیل به دلیل فقر، رشد بیماریها به علت فقدان امکانات و بهداشت و ... سیر صعودی داشته است.

بنا به گفته مدیر کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، ۳۰۰ هزار دانش آموز از میان ۷۰۰ هزار دانش آموز در استان سیستان و بلوچستان، «نیازمند نوشت افزا، پوشاک، کفش و تغذیه هستند.»

آمارها و گزارشهای سوء تغذیه و فقر در استان سیستان و بلوچستان به طور فاحش سیر صعودی دارد. در دورانی که درآمد نفت در سطح بالایی بود هیچ سهمی به این کودکان نرسید و می توان تصور کرد که هر چقدر نیازهای حزب الله لبنان، بشار اسد و حوثیههای یمن و حشد الشعبی و ... زیادتر شود، سفره هموطنان محروم ما لاغر تر خواهد شد.

شعارهای «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن/ دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست و...» در خیزشهای خیابانی و جنبشهای مردمی، به درستی نشان می دهد که مردم به طور کامل با رژیم و سیاستهای آن مخالفند. مردم می دانند که هزینه دوستی با بشار اسد به معنی افزایش فقر در ایران است.



رونمایی از هزینه های کلان جنگ نیابتی رژیم

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۳۰ دی

رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه این چنین در تنگنای فشار برای عقب نشینی از دخالتهای تروریستی و گرم کردن هیزم جنگهای نیابتی قرار نگرفته بود و برای همین رویاهای شیرین تیم روابط بین المللی دولت حسن روحانی بر باد رفته است. نه خنده های مسخره محمد جواد ظریف در اجلاسهای مربوط به برجام، نه ژستهای اعضای هیات روابط خارجی رژیم و نه تهدیدهای ولی فقیه، هیچکدام نتوانست کلید مشکل گشای حسن روحانی را کارساز کرده و از ایزوله شدن رژیم جلوگیری کند.

قبل از هر تحلیل و تفسیری بر بن بست رژیم باید بر نقش خیزشهای اجتماعی نیروهای کار طی سالهای گذشته و به ویژه پس از دی ۹۶ برای بی اعتبار ساختن رژیم تاکید کرد. خیزشها و جنبشهایی که خواسته های خود را در چارگوشه کشور فریاد می زنند، عمق بی عدالتی و تبعیض حاکم بر ایران را برملا می کند و همزمان بر مخالفت خود با دخالتهای تروریستی رژیم در منطقه و هزینه کردن ثروت مردم تاکید می کند.

خبرگزاری فرانسه در روز شنبه ۲۹ دی ماه، بر اساس گزارش ۸۵ صفحه ای از کمیته کارشناسان سازمان ملل که به شورای امنیت هم ارسال شده است، اعلام کرده که حوثیههای یمن درآمدهای حاصل از فروش سوختی که از جمهوری اسلامی دریافت کرده اند را علیه دولت قانونی یمن استفاده می کنند. بر اساس این گزارش «این سوخت در بنادر جمهوری اسلامی ایران با استفاده از اسناد جعلی بازرسی شده تا از بازرسیهای سازمان ملل دور نگاه داشته شود». بر اساس این

گزارش درآمد ماهیانه حوثیها از فروش سوختی که رژیم در اختیارشان می گذارد ۳۰ میلیون دلار اعلام شده، اما بی گمان گشاده دستی رژیم در واقعیت باید بیشتر باشد. اگر ساخت موشکهای بالستیک و هزینه های دیگر رژیم در جنگ نیابتی اش را در نظر بگیریم، علت فقری که دامنگیر مردم ایران شده بیشتر روشن می شود. به اعتراف حشمت الله فلاحت پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم، این کمکها «حق الناس» است.

در حالی که بشار اسد برای خارج کردن نیروهای نظامی رژیم زیر فشار است و رویدادهای آینده بر کمرنگ شدن نقش رژیم حکایت دارد، حرفهای این پایور رژیم در ملاقات با نخست وزیر رژیم دیکتاتوری اسد اعترافی بر سرمایه گذاری کلان برای حفظ بشار اسد است. این کارگزار رژیم کمک به بشار اسد را «حق الناس» توصیف کرده که در مناسبات این دو کشور باید تسویه شود.



شهدای فدایی در بهمن ماه



پوران یدالهی، بهروز عبدی، یوسف زرکار، فتحعلی پناهیان، جعفر پناهی، خسرو گلسخی، کرامت دانشیان، سعید پایان، ابراهیم پوررضا خلیق، فاطمه افدرنیا، عبدالمجید پیرزاده جهرمی، جعفر محتشمی، مسعود پرورش، مصطفی دقیق همدانی، حسن توسلی، کیکاووس رهگذر، حمید مومنی، محمد علی خسروی اردبیلی (داداشی)، حمیدرضا هزارخانی، انوشه فظیلت کلام، کیومرث سنجری، حسن جان فرجودی لنگرودی، حسین چوخاچی برادران، محمد کاسه چی، محسن نوربخش، فردوس آقا ابراهیمیان، جعفر پشامی، قاسم سیادتی، بابک سیلانی، خسرو پناهی، مهدی اقتدارمنش، محسن نیک مرام، محمدجواد عرفانیان، اکبر پارسی کیا، هابیل امیرخیز، عباس تبریزی، لطف الله صادقی نراقی، بابک طلپس چی سیلابی، میرمحمد درخشنده (توماج)، عبدالکریم مختوم، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی، حاجقلی نورقلی پور، نعمت احمدی، منصور حبیبی زاده، محمد طاهر رحیمی، محسن بطحایی، جهانگیر قلعه میاندواب (جهان)، ابوالقاسم همتی، فرشاد مرعشی، محمود جنتی، محمد امین نورائی، عباس تبریزی، محمدحسن بهاری طولابی، محمدجواد شرفی، عادل خونا میردشتی، کریم شیخی، حسین چرخیان، محمدجواد شریفی، حشمت شهبازی، احمد معادی، علی ریاحی، محمود امین زاده، مسعود رحمتی، حسن محمدپور، علی نوروزی، بهنام قاسم زاده رضوی، جعفر (حر) رضایی، ابراهیم کردی، مراد میرزایی، اسد یزدانی، اسماعیل برزگر، فریدون بانه ای، فاطمه محمدی، روح الله ملکائی نژاد، غلام زندی، شهین احمد پور، رشید حسنی بزرگ آباد، احمد محمدی، محمد رضوی، صمد حسین زهی، سعید سلیمانی، مینا ضامنیان، کامیار کریمی، اسعد یزدانی، محمد اسماعیل رودگریان و... در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی

امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیدند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH**No : 407 / 21 January 2019**

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCEwww.iran-nabard.comE.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram

@nabard_khalg

https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook

<https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>**آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران****در شبکه جهانی اینترنت****نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،****دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان**www.iran-nabard.comwww.jonge-khabar.comwww.radiopishgam.comwww.fadaian.org